

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است و این امری است که انبیا می‌خواستند. می‌خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را و شیر زنان و شیر مردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال در متن و مرکز بود؛ می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگر سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می‌توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بن‌بست‌های بزرگ را درهم بشکنند.

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور

۱۳۹۱/۱۲/۱۶

ره‌توشه راهیان نور

محرم الحرام ۱۴۳۹ هـ.ق - ۱۳۹۶ هـ.ش

متون علمی - آموزشی مبلغان

((ویژه خوهران))

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

گروه تأمین منابع

عنوان و نام پدیدآور: ره‌توشه راهیان نور: متون علمی - آموزشی مبلغان: محرم الحرام ۱۴۳۹ ه. ق. - ۱۳۹۶ ه. ش. (ویژه خواهران) / تهیه و تدوین معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی. مشخصات نشر: قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ص
شابک: 6-1861-09-964-978
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
عنوان دیگر: متون علمی - آموزشی مبلغان: محرم الحرام ۱۴۳۹ ه. ق. - ۱۳۹۶ ه. ش. (ویژه خواهران).
موضوع: اسلام -- تبلیغات -- راهنمای آموزشی
موضوع: Islam -- Missions -- Study and teaching
موضوع: خانواده‌ها -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: Islam -- Religious aspects -- Families
موضوع: زنان در اسلام
موضوع: Women in Islam
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. معاونت فرهنگی و تبلیغی
شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. بوستان کتاب قم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ / ۸۸۲ / ۶۲ / BP۱۱
رده بندی دیویی: ۲۷۹ / ۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۱۴۵۰۳

ره‌توشه راهیان نور

محرم الحرام ۱۴۳۹ ه. ق. - ۱۳۹۶ ه. ش.

متون علمی - آموزشی مبلغان «ویژه خواهران»

- تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی
- نویسندگان: گروهی از پژوهشگران
- ناظران علمی: سعید روستاآزاد، علی اکبر مؤمنی و علی رضا انصاری
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت و تاریخ چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۶
- شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

تلفن گروه تأمین منابع: ۰۳۹۷-۳۷۷۴۰۲۵ - پست الکترونیکی: tabligh@dte.ir

با قدردانی از همکاری که در تولید و نشر این اثر نقش داشته‌اند:

- ویراستار: محمد مرادی حسین‌آباد ● صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل‌پور ● کارشناسان
- تحریریه: علی رضا انصاری و محمدحسین فکور ● کارشناس اجرایی ره‌توشه: محمد مهدی
- تقدیمی صابری ● مسئول چاپ و نشر: سیدحسین موسوی مجاب.

تمام حقوق این اثر، برای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

سخن نخست.....	۷
بررسی علل تجرد دختران جوان / ناهیدالسادات قائم مقام فراهانی و فاطمه علی میرزایی.....	۹
بررسی معیارهای دختران در انتخاب همسر / عباس آزاد.....	۲۱
درآمدی بر سبک زندگی خانواده اسلامی / حمید فلاحتی و عباس آزاد.....	۳۳
جابجایی ارزش‌های خانواده در جامعه معاصر / عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی.....	۴۵
سیره امام حسین <small>علیه السلام</small> در تربیت فرزندان / علی‌رضا انصاری.....	۵۹
نقش نارضایتی جنسی در اختلافات زناشویی / مجید استادی.....	۷۳
رسالت مادری در آموزه‌های دینی / راضیه علی‌اکبری.....	۸۷
آسیب‌شناسی نگرش زنان نسبت به فرزندآوری / سلمان قاسمی.....	۹۹
بررسی عوامل طلاق در سال‌های اولیه ازدواج / سید ابوالفضل بابایی.....	۱۱۳
زشتی‌زدایی از گناه / مهدی فدایی.....	۱۲۷
کتابنامه.....	۱۴۳

سخن نخست

خانواده و مسائل مربوط به آن، از جمله موضوعات مهمی است که در ادیان الهی همواره مورد توجه بوده است و اساساً بسیاری از هنجارهای اجتماعی و ناهنجاری‌های اخلاقی، در نوع تربیت خانوادگی افراد ریشه دارد. گذشته از این، جامعه اسلامی نیز بر این رکن بنیادین بنا نهاده شده و تمامی پیشرفت‌های فرهنگی و کامیابی‌های معنوی، به سلامت و رشد صحیح خانواده وابسته است؛ چنان‌که ناکارآمدی و ازهم‌پاشیدگی یک جامعه را نیز باید در انحراف و تباهی اعضای خانواده جست‌وجو کرد.

به جرئت می‌توان گفت خانواده در جامعه امروز بیش از هر عصری در معرض سقوط و انحطاط قرار گرفته است؛ از این‌رو ضروری است راه‌کارهای لازم به منظور استحکام و تعالی خانواده با استفاده از تعالیم حیات‌بخش اسلام، تبیین شود.

در همین راستا، یکی از مسائل مهم در عرصه تبلیغ دینی، توجه و اهتمام وافر مبلغان عزیز به موضوع خانواده و مباحث مرتبط با آن است که نقش گسترده و مؤثری در بالندگی، شکوفایی و سعادت‌مندی آحاد جامعه ایفا خواهد کرد. آنچه در کتاب حاضر می‌خوانید، مقالاتی است که به همت گروهی از

نویسندگان فاضل در زمینه مطالب مربوط به زن و خانواده سامان یافته و با تحلیل و بررسی مسائلی همچون: معیار دختران در انتخاب همسر، شاخصه‌های سبک زندگی خانواده اسلامی، وظیفه خطیر مادری، فرزندآوری و تربیت شایسته فرزند، عوامل طلاق در سال‌های نخست زندگی، علل تجرد دختران جوان، ارزش‌های دینی و اخلاقی در خانواده و نیز نقش نارضایتی‌های جنسی در اختلاف‌های زناشویی، نکات ارزنده و راهکارهای مفیدی را تبیین نموده است که در پرتو عمل به آن‌ها، شاهد خانواده‌ای مذهبی و جامعه‌ای اسلامی به معنای واقعی کلمه خواهیم بود.

در پایان، از مبلغان گرمی انتظار می‌رود چنانچه درباره مقالات و مطالب عرضه شده در این کتاب، انتقاد یا پیشنهادی دارند، ما را از نظرات سازنده خویش مطلع نمایند تا به توفیق الهی و مساعدت همگان، بر کیفیت و کارآمدی آثار بعدی افزوده شود.

ضمن تشکر از نویسندگان محترم این اثر، از همه کسانی که در آماده‌سازی و سامان‌دهی اثر حاضر صادقانه تلاش نمودند، به‌ویژه از زحمات حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر مؤمنی، رئیس محترم گروه تأمین منابع تبلیغی، سپاسگزاری می‌نمایم.

سعید روستا آزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

بررسی علل تجرد دختران جوان

دکتر ناهیدالسادات قائم‌مقام فراهانی*

فاطمه علی میرزایی**

اشاره

دوران گذار از نظام سنتی به مدرن در ایران، کاهش نرخ ازدواج دختران و ظهور پدیده «تجرد قطعی» را با خود همراه داشته است. این پدیده همانند تمام رخدادهای مزایا و معایبی دارد که به نظر متخصصان و بیشتر دختران مجرد، معایب آن نسبت به مزایای آن بیشتر بوده است. بررسی علل کاهش ازدواج دختران، کانون توجه متخصصان علوم مختلف است. این مقاله می‌کوشد، علل این پدیده را از منظر پژوهش‌های مختلف بیان نماید.

ضرورت تشکیل خانواده

خانواده، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی هر جامعه است. مبنای هر خانواده بر اساس ازدواج شکل می‌گیرد. ازدواج و زناشویی از جمله مسائل مهم حیات بشر در طول تاریخ بوده است. برای آشکار شدن اهمیت مسئله، همین

* مدرس دانشگاه.

** کارشناس ارشد اقتصاد.

بس که علاوه بر ادیان و مذاهب، علوم مختلفی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد نیز به آن پرداخته است.^۱

۱. ازدواج از دیدگاه اسلام

اسلام، ازدواج جنس مذکر و مؤنث^۲ را با یکدیگر، صورت صحیح ازدواج می‌داند. ازدواج از نظر اسلام، پیمان مقدس و قراردادی رسمی است برای پذیرش یک تعهد متقابل به‌منظور تشکیل زندگی خانوادگی، تا طرفین در سایه آن، در خط سیر معین و شناخته‌شده‌ای از زندگی قرار گیرند. این قرارداد با رضایت و خواسته زن و شوهر و بر مبنای آزادی کامل دو طرف و به‌وسیله الفاظ و عباراتی معین که «عقد»^۳ نامیده می‌شود منعقد می‌گردد و در پرتو آن، روابطی

۱. کرم حبیب‌پور گتایی، غلامرضا غفاری، «علل افزایش سن ازدواج دختران» نشریه زن در توسعه و سیاست، ش ۱، بهار ۹۰، صص ۷-۳۴.

۲. از منظر آیات قرآن کریم، افراد تشکیل‌دهنده ازدواج، یک مرد و زن (همجنس خودتان) است که یا مستقیماً به کلمات مذکر و مؤنث و یا با ضمائر مربوطه به این موضوع، اشاره شده است. تأکید نویسندگان به این دلیل است که برخی جوامع بیگانه تشکیل خانواده را به سه شکل تعریف نموده‌اند: مرد با مرد، زن با زن، مرد با زن که قرآن تنها حالت سوم را امر کرده و می‌پذیرد و دو حالت قبلی را به شدت نفی می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَتَسَكَّنُوا اليهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». (روم، آیه ۲۱). «اَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»؛ آیا شما از روی شهوت به جای زنان با مردان می‌آمیزید؟ آری، شما بسیار مردم جهالت‌پیشه‌ای هستید». (نمل، آیه ۵۵).

۳. تأکید بر کلمه «عقد» به این دلیل است که متأسفانه نوعی از ازدواج در کشور به طور مخفیانه باب شده که از آن به «ازدواج سفید» یاد می‌شود. اتفاقی که نه از نظر سنت و نه از نظر شرع، برای خانواده‌های اصیل ایرانی پذیرفتنی نیست. هم‌خانگی بدون ازدواج یا ازدواج سفید، پدیده‌ای است که دختر و پسر به عنوان هم‌خانه با یکدیگر زندگی می‌کنند، بی‌آنکه میان آن‌ها پیوند رسمی ازدواج و رابطه زن و شوهری باشد. بسیاری از کارشناسان معتقد هستند یکی از دلایل این نوع ازدواج، عدم مسئولیت‌پذیری حداقل یکی از زوجین است.

بس نزدیک بین زن و مرد پدید می‌آید. ازدواج یکی از بهترین نیازهای آدمی است که مایه برکات بی‌شماری^۱ است. تشویق اسلام به ازدواج خصوصاً در سن جوانی و کراهت اسلام از تجرد^۲ در سخنان معصومین علیهم‌السلام آمده است.^۳

۲. هدف از ازدواج

هدف از ازدواج برای مرد و زن، پاسخ مثبت دادن به سنت الهی و تولید نسل است؛ لذا هر دو در این زمینه بر یک عقیده‌اند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «ازدواج سنت من است، هر کس از آن روی برگرداند، از سنت من روی برگردانیده است». نیز می‌فرماید: «ازدواج کنید، همانا من در قیامت به فراوانی امتم افتخار می‌کنم».

۳. ملاک انتخاب همسر

مهم‌ترین ملاک‌های انتخاب همسر از دیدگاه اسلام عبارت‌اند:

- ایمان و تقوا؛^۴ ملاک اصلی انتخاب همسر است. نقش دین در زندگی بشر بر

۱. قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «يَفْتَحُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ عِنْدَ نَزْوِلِ الْمَطَرِ وَ عِنْدَ نَظْرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكُعْبَةِ وَ عِنْدَ النِّكَاحِ؛ درهای رحمت آسمانی در چهار وقت گشوده می‌شود: موقع بارش باران، زمانی که فرزند به چهره پدر و مادرش می‌نگرد، هنگام گشوده شدن در کعبه، هنگام برپایی مراسم عقد و عروسی». (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱).

۲. ای مردم! جبرئیل از سوی خداوند لطیف و خبیر بر من نازل شد و گفت: همانا دختران باکره مانند میوه‌های روی درخت هستند. هنگامی که میوه رسید، باید آن را چید و گرنه خورشید آن را فاسد می‌کند و باد آن را تباہ می‌سازد. هنگامی که دختران باکره به بلیغ (و سن ازدواج) برسند، برای آنان دوایی جز شوهر نیست و گرنه از فسادشان ایمن نباشید؛ زیرا آنان نیز بشرند.

۳. ر.ک: سید جواد مصطفوی، بهشت خانواده، ج ۱ و ۲.

۴. «با زنان مشرک ازدواج نکنید، مگر آنکه ایمان بیاورند و همانا کنیز باایمان از زن آزاد مشرک بهتر است، هر چند (زیبایی او) شما را به شگفت آورد و به مشرکان زن ندهید، مگر اینکه ایمان

کسی پوشیده نیست و یکی از ارکان حفظ نظام خانواده، اعتقادات انسان است. کسی که به دین پایبند نباشد، هیچ ضمانتی برای پایبندی وی به رعایت حقوق همسر و زندگی مشترک وجود ندارد. براین اساس، افراد باید در هنگام ازدواج کسی را انتخاب کنند که هم دین‌دار باشد و هم در این زمینه هم‌عقیده باشد.

● اخلاق نیکو؛^۱ یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اموری است که در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد.

● اصالت خانوادگی؛^۲ به معنای شهرت، ثروت یا موقعیت اجتماعی نیست، بلکه به معنای سلامت نفس خانواده و صالح و خوش‌نام بودن آنان است و هر قدر گستره این اصالت (در نسل‌های پیاپی) بیشتر باشد، بهتر است. اسلام تأکید دارد که درباره سابقه خانوادگی همسر، تحقیق لازم صورت گیرد و به‌خصوص، مراتب ایمانی و اخلاقی آن‌ها در نظر گرفته شود.

● کفویت (همتایی)؛^۳ ازدواج با افراد هم‌شأن باعث توافق بیشتر در زندگی می‌شود. تکیه اسلام در همتایی، بیشتر بر مسئله ایمان و اعتقاد است.

۴. ضرورت‌های ایجادکننده ازدواج

صاحب‌نظران، ضرورت‌های فردی و اجتماعی‌ای را برای ازدواج ذکر می‌نمایند

بیابورند؛ همانا غلام باایمان بهتر از مرد مشرک است (هرچند شما را به شگفت آورد).» (بقره، آیه ۲۲۱).

۱. مردی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: یکی از بستگانم از دخترم خواستگاری کرده، ولی اخلاق بدی دارد. حضرت فرمود: «اگر بدخلق است، دخترت را به ازدواج او در نیاور.» (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۴).

۲. امام صادق علیه السلام: «با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید؛ زیرا بر عرق (نطفه و ژن‌ها) اثر می‌گذارد.» (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۰۳).

۳. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مرد مؤمن، همتای زن مؤمن است و مرد مسلمان، همتای زن مسلمان.» (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۴).

که به اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود.

الف. ضرورت‌های فردی

● پاسخ مثبت به فطرت: انسان به حکم فطرت، دارای غریزه جنسی است. فطرت و طبیعت ایجاب می‌کند انسان رشد نماید و به سوی کمال برود و وقتی به رشد و به درجه کمال رسید، اقناع شود؛ براین اساس ازدواج، برای حفظ جان و تعادل نظام‌های روانی، ضروری است؛ زیرا از نظر اسلام، ازدواج تنها راه پاسخ‌دهی به نیاز جنسی است.

● بروز استعدادها: استعدادها برای بروز و تکامل خود نیازمند محیطی امن و آرام‌اند. ازدواج برای جوان آرامش و آسایش ایجاد می‌کند، استعدادهای او را به حرکت درمی‌آورد و به او امکان می‌دهد که از آن به نیکی بهره‌برداری کند.

● امنیت و آسایش: اصولاً «بلوغ»، یعنی شکوفایی غریزه برای پسر و دختر که با بحران خاصی همراه است. ازدواج این بحران را تسکین می‌دهد و برای جوان محیطی امن ایجاد می‌نماید. در سایه عواطف خانوادگی، روح سرکش او مهار می‌شود و موجبات برخورداری او از نیروی فکری فراهم می‌شود.

● نجات از تنهایی: انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است؛ ازاین‌رو، محتاج پشتیبان و یار دلداری است. ازدواج این فایده را دارد که آدمی را از تنهایی و انزوا نجات دهد و همدلی در کنار او و در بستر و آغوش او قرار دهد تا وجودش را عین وجود خود بداند و در غم و دردش شریک باشد.

ب. ضرورت‌های اجتماعی

ازدواج هرچند از یک نظر، مسئله‌ای شخصی و خصوصی است، ولی از نگاهی دیگر، دارای جنبه و اهمیتی اجتماعی است؛ براین اساس ازدواج از ارکان مدنیّت

و راهی مطمئن برای تأمین آسایش جامعه و رفاه بشریت است. سود و زیان ازدواج تنها متوجه زوجین نیست، بلکه افراد اجتماع نیز به‌گونه‌ای از آن برخوردار می‌شوند.^۱ سلامت اخلاقی و آرامش جامعه یکی از دستاوردهای ازدواج صحیح و اصولی است.

پیشینه تجربی

با توجه به تحولات پرشتاب اجتماعی و تغییرات سریع فرهنگی که دستاورد دوران گذار^۲ از نظام سنتی به نظام مدرن در ایران است، تفاوت‌های نگرشی بین‌نسلی، منجر به ایجاد شکاف بین نسل‌ها گردیده است. این فاصله سبب شده تفاوت معناداری در نحوه انتخاب همسر و مجرد ماندن بین دو نسل مادران و دختران وجود داشته باشد و دختران را از ایده‌ها و نگرش‌های مدرن‌تری در این ابعاد برخوردار کرده است. صنعتی شدن و گسترش شهرها، کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی را بر زندگی انسان‌ها به دنبال داشت. فردگرایی و استقلال اقتصادی و اجتماعی، جایگزین وابستگی‌ها به نظام خانواده و خویشاوندی برای رفع نیازهای انسان گردید. در همین راستا روابط میان زن و مرد و روابط میان‌جنسیتی نیز تغییراتی اساسی یافت. تجرد زنان یکی از پدیده‌هایی است که در پی تغییرات اساسی در نظام خانواده ایجاد شد.^۳

۱. «فلسفه ازدواج در اسلام»، مجله دیدار آشنا، ش ۱۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸ ش، ص ۲۱.

۲. نظریات اقتصادی، مرحله بعد از نظام سنتی و قبل از نظام مدرن (یا اصطلاحاً مرحله بلوغ اقتصادی) را دوران گذار می‌نامند.

۳. شکوفه سلامتی هرمزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «بررسی مقایسه‌ای ادراک‌ها و نگرش‌های دختران مجرد شهر بندرعباس نسبت به ازدواج و پیامدهای تجرد»، دانشگاه هرمزگان؛ ر.ک: مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی.

بی‌شک، بروز و حضور پدیده «تجرد قطعی» پیامدهای فراوانی برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت. تجرد طولانی، مسئله‌ای فرا جنسیتی است، اما برای دختران مسئله و دغدغه‌ای جدی‌تر و بحرانی‌تر است و صدماتی که با آسیب‌های روحی و اجتماعی بیشتری همراه است. بعضی رخدادهای زندگی انسان باید در یک دوره زمانی خاصی اتفاق بیفتد تا بیشترین کمک را به پیشرفت انسان بکند؛ یکی از این رویدادهای زمان‌بندی‌شده اجتماعی، زمان ازدواج برای جوانان و به‌خصوص برای دختران است.

علل و زمینه‌های تجرد دختران

آمارها نشان می‌دهد که با وجود یک میلیون دختر بالای ۳۰ سال در کشور، تجرد قطعی دختران در حال افزایش است؛ پدیده‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های زیادی شود، اما با راهکارهای دینی و علمی و نیز ترویج اخلاقیات، می‌توان از افزایش آن جلوگیری کرد و آسیب‌هایش را به حداقل رساند.

ممکن است در برهه‌ای از زمان به دلیل دگرگونی ذائقه‌ها و ارزش‌ها و علاقه به مدرن شدن، برخی دختران تجرد را انتخاب و در مقابل ازدواج مقاومت کنند، ولی در مرحله بعد، همین دختران تمایل زیادی به ازدواج دارند و بالآخره زندگی متأهلی را با تأخیر شروع می‌کنند. دختران ایرانی به تجرد به‌عنوان یک استراتژی فکر نمی‌کنند. متأسفانه «تجرد ناخواسته» نیز به دختران ایرانی تحمیل شده است. نوسانات جمعیتی دهه ۶۰، الگوی فاصله سنی دختران و پسران،^۱ تغییر نگرش خانواده‌ها، بلوغ دیررس اجتماعی دختران و پسران، آشفتگی اقتصادی و ...

دلایل زیادی برای تجرد دختران مطرح شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره

۱. فاصله سنی ۵ ساله بین پسر و دختر.

می‌گردد:

● **تحصیلات:** پژوهش‌های میدانی داخلی^۲ و خارجی^۳ نشان می‌دهد تحصیل دختران در سطوح عالی به‌عنوان اولین و اصلی‌ترین دلیل تجرد آن‌ها معرفی شده است. هیچ دینی به‌اندازه دین اسلام برای تحصیل، اهمیت و احترام قائل نیست.^۴

متأسفانه امروزه علم، تبدیل به «علم تجاری» شده و این نوع نگاه به تحصیلات سبب شده است دختران در حین تحصیل، مقوله مهم ازدواج را به بهای داشتن شغل مناسب و استقلال اقتصادی و نهایتاً ازدواج با فرد مناسب‌تر از دست دهند؛ البته جبران این فرصت تقریباً محال است.

در این مطالعات پس از گفتگو (پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها) از دختران خواسته شده نظرات خود را راجع به تجردشان بیان نمایند، اکثریت آن‌ها از اینکه در سن ازدواج، تک‌بعدی رفتار نموده و فقط به مسئله ادامه تحصیل پرداخته‌اند، ناراضی بوده و احساس خوبی نسبت به تجردشان نداشتند.

● **عوامل اجتماعی و فرهنگی:** نداشتن خواستگار متناسب با شأن خانوادگی،

۱. محمدامین کنعانی، «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان

ترکمن»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۱، ۱۳۸۵ ش، صص ۱۰۴-۱۲۶.

۲. آذر اسکندری چراتی، «بررسی عوامل موثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران: نمونه مورد

مطالعه استان گلستان»، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال چهارم، ش سوم، ۱۳۹۰ ش.

۳. گلمراد مرادی و محسن صفاریان، «عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن

ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان،

سال سوم، ش هفتم، پاییز ۹۱، ص ۸۱.

۴. علی محمدپور، نعمت‌الله تقوی، «عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان»، مجله

مطالعات جامعه‌شناختی، سال پنجم، ش بیستم، پاییز ۹۲، صص ۳۹-۵۳.

۵. قال رسول الله ﷺ: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ؛ از گهواره تا گور دانش بجوید».

داشتن خواهر یا برادر مجرد بزرگ‌تر، چشم‌وهم‌چشمی، افزایش توقعات زوج‌ها و خانواده‌ها و اختلاف فاحش فرهنگی طبقات، تجرد دختران را سبب گردیده است.^{۲،۱}

● شغل: بیکاری یا نداشتن شغل با حقوق مکفی برای پسران، یکی دیگر از علل تجرد دختران است. متأسفانه اوضاع نابسامان اقتصادی کشور و ناتوانی دولت‌مردان در مهار و کنترل معضل بیکاری، یکی از آسیب‌های اجتماعی غیرقابل جبران کشور را رقم زده است.

● مسائل اقتصادی: آشفتگی‌های اقتصادی در جامعه در حال گذاری که همچنان در برزخ سنت و مدرنیته آشیانه گزیده است، تأثیری منفی در ازدواج دختران دارد. شرایط نامساعد اقتصادی، دختران و پسران را تحت تأثیر قرار داده و باعث تجرد گردیده است. امروزه دختران خواهان زندگی مستقل با رفاه نسبتاً بالا هستند و از آنجاکه اوضاع بازار کار و مسکن بسیار نامناسب است، اغلب پسران توان تهیه مسکن را ندارند؛ لذا از ازدواج صرف‌نظر می‌کنند.

به‌عبارت‌دیگر، ترس از شرایط اقتصادی منجر به انتخاب تجرد به‌وسیله جوانان می‌گردد. این در حالی است که جوانان، اعتماد به خدا را به‌عنوان روزی‌رسان مطلق فراموش نموده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس از ترس فقر ازدواج نکند، نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است؛ چراکه خداوند می‌فرماید: اگر آنان فقیر باشند خداوند از فضل و کرم خود بی‌نیازشان می‌کند».

۱. پروانه آستین‌فشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی جمعیتی مؤثر بر آن طی سال‌های ۷۵-۱۳۵۵»، دانشگاه تهران.

۲. مقدس جعفری و علی یعقوبی چوبری، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج جوانان در رشت»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، واحد شوستر، ش ۵.

● تغییر نگرش‌ها و تجمل‌گرایی: ورود فرهنگ غرب به کشور، سبب تغییر نگرش دختران امروزی درباره ازدواج شده است. تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی جوانان امروز، منجر به ظهور هزینه‌های سنگین جهیزیه، مهریه‌های کمرشکن و مخارج هنگفت مراسم ازدواج و در نتیجه، کاهش تمایل جوانان به ازدواج گردیده است. حال آنکه اگر جوانان الگوی ازدواج حضرت امیر علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام را سرلوحه زندگی خود قرار دهند، در دنیا و آخرت سعادت‌مند خواهند شد و این امر میسر نمی‌شود مگر آنکه والدین و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور به‌سوی الگوسازی مناسب هدایت گردد.

معایب تجرد از نگاه دختران مجرد

در پژوهشی میدانی، احساسات دختران مجرد نسبت به پدیده تجردشان چنین بیان شده است:

● احساس افراد نسبت به تجرد خویش: از وضعیت خود رضایت نداشته و احساس شکست روانی و افت جسمانی می‌کنند و حالات افسردگی و غمگینی را تجربه می‌کنند.

● نگرش جامعه نسبت به مجردها: افراد مجرد استنباط می‌کنند که در جامعه جایگاه یک فرد متأهل را ندارند و نیز احساس طرد و عدم پذیرفته نشدن می‌کنند.

● چگونگی واکنش افراد مجرد نسبت به موقعیت خود: مقولات استنباط‌شده، پذیرش منفعلانه، واکنش‌سازی و سازگاری هستند.

● نگرانی‌های عمده افراد مجرد در شرایط کنونی، نداشتن امنیت اجتماعی و پذیرفته نبودن مسئله تجرد از طرف جامعه است.

نارضایتی به دلیل تنهایی، احساس دوری اجتماعی و... از دیگر معایب تجرد از

نظر مجردان است.^۱

در پژوهشی دیگر دختران به دلایل ذیل از تجرد ناراضی هستند:

● هویت ناقص: اغلب افراد به نقص در هویت یا بحران هویت در وجود خود اشاره کردند و در مقابل اقلیتی تجرد را نوع خاصی از زندگی دانسته که در آن فرد مجرد نیز مانند همه افراد جامعه، امکان پیشرفت دارد و لزوماً تجرد به معنی عقیم ماندن نیست.

در جامعه ایران، افراد با ازدواج و تشکیل خانواده به هویت زن و مرد بودن دست پیدا می‌کنند. آن‌ها احساس می‌کنند به هویت زن بودن دست نیافته و احساس سکون و رخوت داشته و نمی‌دانند قرار است چه نقشی را در جامعه ایفا کنند. در واقع اکثریت زنان مجرد در نتیجه باورهای فرهنگی، دینی، سنتی و در نتیجه ارتباط با دیگران، ازدواج را شکل مطلوب و مشروع زندگی دانسته، تکامل و رشد خود را در ازدواج دیده و معتقدند حال که شرایط ازدواجشان فراهم نشده است، در مسیر رسیدن به هدف از آفرینش خود، دچار سردرگمی و بهت‌زدگی شده‌اند.

● دوگانگی احساسات: یکی از اهداف این تحقیق سنجش احساس زنان مجرد نسبت به این سبک از زندگی بوده است. هرچند تعداد معدودی از آن‌ها رضایت یا نارضایتی مطلق را اعلام نمودند، ولی به‌طورکلی زنان در این تحقیق احساسات دوگانه‌ای داشتند؛ از یک‌سو از زندگی مجردی راضی و خشنود هستند و از سوی دیگر احساس تنهایی کرده و دیگران را به ازدواج سفارش می‌کنند.

● محرومیت ناشی از نداشتن فرزند: یکی از علل ایجاد احساسات منفی ناشی

۱. محمدباقر کجیاف، «تحقیق کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۴، سال ۱۳۸۷، ص ۱۲۳.

از تجرّد در میان زنان، محرومیت از داشتن فرزند است. بر اساس تعاریف جدید، پدر و مادر شدن چیزی فراتر از صرف به دنیا آوردن بچه است. پدر و مادر بودن به فرایندی اشاره می‌کند که در آن یک فرد بزرگسال هویت جدیدی پیدا کرده و رابطه‌ای خاص با کودک یا کودکان پیدا می‌کند. در واقع والد شدن، پیدا کردن یک نقش اجتماعی جدید است که تغییری مهم در زندگی و هویت فرد محسوب می‌شود.^۱

نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های پیش‌گفته، علل تجرّد به ترتیب تحصیلی، اجتماعی، شغلی، اقتصادی، تغییر نگرش و تجمل‌گرایی ذکر شده است، اما نتایج اغلب پژوهش‌ها به این موضوع اشاره دارد که مدرن شدن کشورها که نمود خود را در «تحصیلات عالی» زنان نشان می‌دهد، اصلی‌ترین دلیل کاهش نرخ ازدواج دختران معرفی شده است. حال که امر کاملاً مهم و مقدس علم‌آموزی، نتیجه به ظاهر معکوسی را رقم زده است و با توجه به اینکه اکثر کودکان و جوانان کشور مشغول تحصیل هستند؛ لذا می‌توان از این فرصت استفاده کرد و با آگاه‌سازی و آموزش همه‌جانبه جوانان، خانواده‌ها، اهتمام به نهادینه کردن آموزه‌های دینی در سنین کودکی و احترام به ارزش‌های دین در سطح جامعه (تشویق به ازدواج بهنگام)، را در قالب متون درسی گنجانند. از سوی دیگر برنامه‌ریزی دولتمردان برای کاهش هزینه‌های ازدواج و ساماندهی اوضاع اقتصادی و اشتغال می‌تواند این معضل را به حداقل برساند.

۱. زینب ایزدی و سید حسن حسینی، «پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران»، نشریه مطالعات زنان، دوره ۱۴، ش ۱، ص ۴۱.

بررسی معیارهای دختران در انتخاب همسر

حجت الاسلام والمسلمین عباس آزاد*

اشاره

ازدواج هسته اولیه ایجاد خانواده و سنگ بنای جامعه انسانی است. این پیوند مبارک، بهترین بستر برای تأمین امنیت و آرامش روانی، برآورده ساختن نیازهای عاطفی،^۱ تأمین نیازهای مادی و جنسی، بقای نسل، رشد و شکوفایی استعدادها، قرار گرفتن در سایه الهی، در رحمت آسمانی بودن،^۲ کامل شدن دین،^۳ پیروی از سنت پیامبر اسلام ﷺ،^۴ گام در مسیر پاکی نهادن،^۵ توسعه

* کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی و پژوهشگر موسسه سبک زندگی آل یاسین.

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ». (روم، آیه ۲۱).

۲. رسول الله ﷺ: «يَفْتَحُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ... وَعِنْدَ النِّكَاحِ». (تاج الدین محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۱).

۳. علیؑ علیه السلام: «لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ الرَّسُولِ ﷺ يَتَزَوَّجُ إِلَّا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَمَلْ دِينَهُ». (محمدتقی فلسفی، الحدیث - روایات تربیتی، ج ۱، ص ۱۷۴).

۴. رسول الله ﷺ: «النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي». (تاج الدین محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۱).

۵. رسول الله ﷺ: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَتَعَفَّفْ بِرَوْحِهِ». (محمدتقی فلسفی، الحدیث - روایات تربیتی، ج ۳، ص ۳۹۱).

معیشت،^۱ عفت و دوری از گناه، یاری خداوند^۲ و... است. ازدواج اولین و مهم‌ترین مرحله در چرخه زندگی خانوادگی است.

تحقیقات نشان داده است که برای استحکام ازدواج لازم است که طرفین معیارهای مناسبی برای انتخاب همسر تعیین کنند و به بررسی ویژگی‌های فردی و تطابق آن با معیارهای خود بپردازند. ولکات^۳ متذکر می‌شود که نداشتن معیارهای درست و اهمیت ندادن به خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی همسر از علل عمده طلاق است.^۴ روند رو به افزایش طلاق، به‌ویژه در سال‌های نخست زندگی مشترک،^۵ نشانگر نقصان بینش داوطلبان ازدواج در مسائل گوناگون، از جمله امور مربوط به انتخاب همسر و یا تغییر در ارزش‌ها و معیارهای همسرگزینی و فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی است. از بررسی تحقیقات متعدد،^۶ مشخص شد که دختران دو معیار را در انتخاب همسر بیشتر

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «رُؤِجُوا أَيَامَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يَحْسِبُ لَهُمْ فِي أَخْلَاقِهِمْ وَ يُوَسِّعُ لَهُمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ يَزِيدُهُمْ فِي مُرُواتِهِمْ». (سید فضل‌الله الروانندی، النوادر للروانندی، ص ۳۶).
۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَزُّ مَنْ نَكَحَ التَّمَّاسَ الْعَفَافَ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ». (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۴۴۸).

3. Wolcott.

۴. محمد بهشتیان، «بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آنها در ازدواج اول»، مجله جامعه‌پژوهی فرهنگی، ش ۲، ص ۲.

۵. محزون (مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور) با بیان اینکه ۱۴/۱ درصد از طلاق‌های ثبت شده مربوط به سال اول ازدواج است، گفت: نزدیک به نیمی از طلاق‌های ثبت شده مربوط به پنج سال اول زندگی مشترک بوده است.

۶. ر.ک: مهناز دهکردی، «بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی در دختران جوان شهر اهواز»، دانشور رفتار، ش ۲۵، ص ۷۷؛ میمنت حسینی، محسن یزدجردی، مریم محمدی، «بررسی معیارهای انتخاب همسر زنان در شرف ازدواج مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهری تابعه دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران»، فصلنامه پرستاری و مامایی، ش

مورد توجه قرار می‌دهند: ۱. وضعیت مادی و اقتصادی همسر، مانند شغل و درآمد او؛ ۲. دین‌داری و پایبندی مذهبی. این مقاله درصدد بررسی تأثیر این معیارها در استحکام یا تزلزل خانواده از منظر آموزه‌های دینی است.

دختران و انتخاب معیارها

ازدواج و انتخاب همسر، هم برای مرد و هم برای زن، بسیار حساس است. در آموزه‌های دینی به ازدواج دختران در سن مناسب توجه ویژه‌ای شده است، به‌گونه‌ای که عبادت و بندگی خدا، خود را وقف امور خیر کردن، ارتقاء تحصیلات، دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی، کسب‌وکار و استقلال مالی، هیچ‌کدام نمی‌تواند جایگزین امر ازدواج و یا حتی علت تأخیر آن باشد. حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اهمیت ازدواج دختران می‌فرماید: «إِنَّ الْأَبْكَارَ بِمَنْزِلَةِ الشَّمْرِ عَلَى الشَّجَرِ إِذَا أَدْرَكَ ثَمَرُهُ فَلَمْ يُجْتَنَى أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَنَثَرَتْهُ الرِّيحُ وَكَذَلِكَ الْأَبْكَارُ إِذَا أَدْرَكْنَ مَا يُدْرِكُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ وَإِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفُسَادُ لِأَنَّهِنَّ بَشَرٌ؛ دختران جوان مانند میوه‌های درختان هستند که در زمان رسیدن باید آنان را چید وگرنه حرارت خورشید و وزش بادهای تباهشان می‌کند. دختران نیز هرگاه آنچه را که زن‌ها درمی‌یابند (نیازهای عاطفی و جنسی) یافتند و نیاز به شوهر داشتند، اگر ازدواج نکنند، احتمال فساد و تباهی آنان وجود دارد؛ زیرا آن‌ها هم بشر هستند»^۱.

۵۳، ص ۲۱؛ اکبر زارع شاه‌آبادی، علی‌رضا زارع شاه‌آبادی، «بررسی معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، مجله جمعیت، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۶۴؛ مهرنوش فرودستان، حمیدرضا عریضی، ابوالقاسم نوری، «معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر و مقایسه آن در دانشجویان دختر و پسر»، مجله رفاه اجتماعی، ش ۳۳، ص ۲۲۵.

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۱.

دستیابی دختران به موفقیت در ازدواج و رسیدن به سعادت و شادکامی در زندگی زناشویی مستلزم داشتن معیار و ملاک‌های مناسب برای انتخاب همسر است؛ انتخابی که می‌تواند سرنوشت‌ساز یا سرنوشت‌سوز باشد. این انتخاب ممکن است وجود و شخصیت فرد را بسازد و یا اینکه آن را متلاشی کند؛ می‌تواند باعث رشد جنبه‌های اخلاقی شود و یا عامل شکست و افسردگی باشد.

۱. وضعیت اقتصادی

بر اساس تحقیقات شغل، درآمد و آینده مالی مناسب از اولویت‌های اساسی و اصلی دختران در انتخاب همسر است.^۱ مقایسه ازدواج‌های دهه شصت و دهه نود نشان‌دهنده آن است که برای دخترانی که در دهه نود ازدواج کرده‌اند، اهمیت کوشایی، ارتقاجویی و خوش‌قیافه بودن کاهش یافته و در مقابل داشتن آینده مالی خوب اهمیت پیدا کرده است.^۲ این افزایش در اهمیت آینده مالی همسر، همراه با کاهش اهمیت خوش‌قیافه، کوشا و ارتقاجو بودن، می‌تواند نشانه‌ای از به وجود آمدن نوع جدیدی از ارزش‌ها باشد که تأکید آن بر به دست آوردن منابع بیشتر و مادی‌گرایی بیشتر است که این منابع بیشتر بدون تلاش به دست آمده

۱. پژوهش کنعانی و همکاران در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که زنان بر شغل و ثروت تأکید دارند. اولویت ویژگی‌های مالی و مادی از نظر زنان با پژوهش عباس‌زاده و دیگران (۱۳۸۷) و رجبی و دیگران (۱۳۹۰) برای انتخاب همسر مطابقت دارد. علاوه بر این، مطابق با آرای تکامل‌گرایانی مانند باس (۱۹۹۴)، باس و اسمیت (۱۹۹۳)، خالد (۲۰۰۵)، کارول (۲۰۱۱) و کارول و دیگران (۲۰۱۲) زنان بر نقش حمایتی مردان که از طریق ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی حاصل می‌شود، تأکید دارند. (محمد امین کنعانیو مهدی حمیدی‌فر، «انتخاب همسر و معیارهای آن: مطالعه‌ای در بین مردان و زنان ازدواج کرده ی شهر رشت»، صص ۲۲۹ - ۲۵۰).

۲. هاشم جبرائیلی، علی‌زاده محمدی، محمود حیدری، «تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس»، صص ۱۶۴-۱۶۵.

است. دخترانی که به همه چیز از دریچه اقتصادی و مالی می نگرند، متأسفانه برای مادیات ارزش فراوان قائل اند. آنان بعد از ملاک قرار دادن ثروت برای انتخاب همسر، بالا بودن مهریه و برگزاری جشن عقد و عروسی در تالارهای گران قیمت را خوشبختی می دانند و در این زمینه بسیار سخت گیرند.^۱

پای درس اسلام

مراجعه به منابع دینی این حقیقت را آشکار می کند که اسلام به جنبه های اقتصادی انتخاب همسر، نگاه ویژه ای دارد که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

۱. از نگاه دین توان اقتصادی مردی که در آستانه ازدواج قرار دارد، نباید ملاک گزینش و یارد باشد؛ چنان که قرآن کریم، نه تنها تمکن مالی را شرط شایستگی قرار نداده، بلکه ازدواج را برای افراد فقیر و فاقد درآمد کافی، موجب استغنا و برخورداری از فضل الهی دانسته است؛ «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ بی همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدست اند، خداوند آنان را از فضل خویش بی نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر داناست».^۲

۲. سیره پیشوایان دین حاکی از این است که ایشان بدون نگرانی از مسائل مالی و

۱. با این تصور که پس از طلاق مهریه مانع استیصال و پریشانی زن است، مهریه های سنگینی برای دختران قرار داده می شود؛ اما تحقیقات نشان می دهد بانوانی که به علت اختلاف خانوادگی به اجرای مهریه خود اقدام کرده اند، نهایتاً به بذل و بخشش مهریه در ازای طلاق خلعی مبادرت کرده اند (ناهمید دامن پاک مقدم، «بررسی تأثیر حقوق مالی بانوان در استحکام خانواده»، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، ج ۱، ص ۲۲۹).

۲. نور، آیه ۳۲.

اقتصادی و با اعتماد کامل به فضل و رحمت الهی، یاران بی‌بضاعت خویش را به خواستگاری می‌فرستادند و به والدین دختران نیز توصیه می‌کردند مسائل اقتصادی را مانع ازدواج دخترانشان، قرار ندهند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «جوانی از انصار نزد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و از تنگدستی به ایشان شکایت کرد. حضرت به او فرمود: ازدواج کن! سپس مردی از انصار به او برخورد و گفت: من دختری زیباروی دارم. آنگاه دختر خویش را به ازدواج آن جوان درآورد. پس خداوند، به زندگی او گشایش داد. پس از آن، جوان نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و ایشان را از وضع خود آگاه ساخت. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای جوانان! بر شما باد ازدواج کردن».^۱

۳. از آموزه‌های اسلامی به دست می‌آید که همسانی اقتصادی، معیاری اساسی در انتخاب همسر نیست؛ چنان‌که در ازدواج پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله با حضرت خدیجه علیها‌السلام و ازدواج‌های برخی از یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مانند ازدواج جویر با ذلفا، ازدواج مقداد بن اسود با ضباعه دختر عبدالمطلب و ازدواج زید بن حارثه با زینب بنت جحش که با توصیه اولیای دین صورت گرفته، این نوع همسانی مشاهده نمی‌شود.^۲

همچنین بر اساس روایات اسلامی، لازم دانستن همسانی اقتصادی از سوی افراد ثروتمند، گناه شمرده شده است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «برای بنده گناهی بدتر از آن نیست که پسر برادر [ایمانی‌اش] نزد او برود و بگوید مرا [با دختری] ازدواج بده و او بگوید: این کار را نمی‌کنم؛ چراکه من از تو ثروتمندترم».^۳

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۰.

۲. همان، ص ۳۳۹.

۳. طبرسی، مشکاة الانوار، ص ۲۷۲.

حاصل آنکه برخلاف آنچه در جامعه کنونی ما مرسوم شده است، برخورداری از شرایط اقتصادی مناسب و همسانی اقتصادی در تشکیل خانواده شرط نیست؛ بلکه داشتن انگیزه کار و تلاش برای کسب روزی حلال مهم است. البته هرچند ممکن است همسانی زن و مرد در امور اقتصادی به سازگاری بیشتر آنان کمک کند، ولی این امر را نمی‌تواند ملاک لازم برای انتخاب همسر باشد.^۱

اگر دختران اولین و اصلی‌ترین ملاک برای خوشبختی را ثروت بدانند و به خاطر مال ازدواج کنند، دو پیامد به وجود خواهد آمد: اول اینکه اخلاص در محبت و صمیمیت زوجین از بین می‌رود و دوم اینکه محبت بین زوجین ناپایدار می‌شود و تداوم آن وابسته به وجود مال می‌شود. محبت و صمیمیت رکن رضایتمندی و پایداری خانواده است و دست‌کم باید دو ویژگی داشته باشد: خلوص و پایداری. این دو ویژگی، در روابطی که بر اساس مال ایجاد می‌شود، به دلیل ناپایداری مادیات، وجود ندارد.^۲

۲. دین‌داری و باورهای مذهبی

یکی دیگر از معیارهای انتخاب همسر در بین دختران، توجه به جنبه‌های معنوی و مذهبی است. البته در این زمینه دو دسته تحقیق وجود دارد؛ برخی از این پژوهش‌ها حاکی از توجه کم به این ملاک در انتخاب همسر از سوی بانوان دارد^۳ و تحقیقات دیگر مذهبی بودن و تقیّد به مسائل دینی را از اولویت‌ها

۱. محمدتقی فتّالی، سبک زندگی رضوی ۳، ازدواج و خانواده، ص ۶۴.

۲. عباس پسندیده، رضایت زناشویی، ص ۸۷.

۳. میمنت حسینی و همکاران در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که زنان در شرف ازدواج به نقش و اهمیت شاخص فرهنگی مذهبی و اقتصادی - اجتماعی در استحکام خانواده‌ها نسبت به سایر شاخص‌ها توجه کمتری نشان داده‌اند که علل آن می‌تواند تغییرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و

می‌داند. برای نمونه نتایج پژوهش مربوط به معیارهای انتخاب همسر از بین ۶۹۴ دانشجوی دختر دانشگاه‌های تهران در سال ۱۳۸۸ نشان داد که اولویت اول انتخاب دختران مسائل مذهبی و مذهبی بودن مرد است. علاقه دختران به مذهبی بودن همسر شاید بدان علت باشد که ممکن است دختران تصور کنند افراد مذهبی تعهد و پایداری بیشتری نسبت به زندگی نشان می‌دهند. علاوه بر این، با توجه به نقش دین و مذهب به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در زندگی فردی و اجتماعی مردم ایران، ممکن است دختران اعتماد بیشتری نسبت به این افراد داشته باشند.^۱

پای درس اسلام

اسلام دین‌داری و تقوا را یکی از معیارهای انتخاب همسر می‌داند چنانچه امام حسن مجتبی علیه‌السلام در پاسخ به سؤال شخصی که درباره ازدواج دختر خود با ایشان مشورت کرد، فرمودند: «زَوْجُهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَطْلُمْهَا؛ او را به مردی باتقوا شوهر ده؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد گرامیش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد به وی ستم نمی‌کند».^۲

همچنین نوگرایی، تغییر ساخت اقتصادی و رواج شهرنشینی، و اشاعه فرهنگ غرب در سطح جامعه باشد. (میمنت حسینی و همکاران، «بررسی معیارهای انتخاب همسر زنان در شرف ازدواج مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهری تابعه دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران»، ص ۲۰).

۱. بر اساس این پژوهش «مذهبی بودن» اولویت اول دختران در انتخاب همسر است. (راضیه نصیرزاده، کاظم رسول‌زاده طباطبایی، «معیارهای فیزیکی انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، اصول بهداشت روانی، دوره ۱۱، ش ۱، پیاپی ۴۱، بهار ۸۸، صص ۴۱-۵۰).

۲. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۰۴.

در برخی روایات، تأکید شده از کسانی که درباره اهل بیت علیهم السلام تردید دارند، زن بگیرد، ولی به آنان زن ندهید.^۱ همچنین آمده است که به شراب‌خوار زن ندهید؛^۲ زیرا او را به سمت ناپاکی سوق داده‌اید و این ازدواج موجب قطع رحم خواهد شد.^۳

این نمونه‌ها و موارد مشابه نشان می‌دهند که انتخاب مرد دین‌دار نقش مهمی در سرنوشت دختران دارد. در این زمینه باید به چند نکته دقت فراوانی داشت.

۱. در اندیشه دینی همسانی دینی شرط تحقق ازدواج دائم و شایسته است. در تحقیقات نیز اهمیت دین‌داری در استحکام بنیان خانواده به اثبات رسیده است. برخی پژوهشگران بیان کرده‌اند که خشنودی زناشویی تحت تأثیر مذهب است. مذهب و پابندی به آن می‌تواند میزان طلاق را تا پنجاه درصد کاهش دهد.^۴ سالیوان^۵ در مطالعه خود در خصوص نقش مذهب در کالیفرنیا، به این نتیجه رسید که باورهای مذهبی، برخلاف سایر معیارها، اثر طولانی‌تری در تحکیم زناشویی دارد^۶ و همچنین داشتن وجه مشترک دینی، همسران را از انجام بسیاری

۱. اَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «تَزَوَّجُوا فِي الشُّكَاكِ وَ لَا تَزَوَّجُوهُمْ لِأَنَّ الْمَرْأَةَ تَأْخُذُ مِنْ أَدَبِ زَوْجِهَا وَ يَقْفُهَا عَلَى دِينِهِ». (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۸).

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللَّهُ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يَزَوَّجَ إِذَا خُطِبَ». (طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۰۴).

۳. امام الصادق عليه السلام: «شَارِبُ الْخَمْرِ إِنْ مَرَضَ فَلَا تَعُدُّوهُ وَ إِنْ مَاتَ فَلَا تَشْهَدُوهُ وَ إِنْ شَهِدَ فَلَا تُزَكُّوهُ وَ إِنْ خُطِبَ إِلَيْكُمْ فَلَا تَزَوَّجُوهُ فَإِنَّ مَنْ زَوَّجَ ابْنَتَهُ شَارِبَ الْخَمْرِ فَكَأَنَّمَا قَادَهَا إِلَى الزُّنَا وَ مَنْ زَوَّجَ ابْنَتَهُ مُخَالِفًا لَهُ عَلَى دِينِهِ فَقَدْ قَطَعَ رَحِمَهَا». (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۸).

۴. مجتبی حیدری، دینداری و رضامندی خانوادگی، ص ۳۵.

5. Sullivan.

۶. علی‌رضا رشیدی، «بررسی اولویت معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه رازی»، نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال دوم، ش ۲، بهار ۱۳۹۱ ش،

از اعمال خلاف بازمی‌دارد.

۲. اسلام علاوه بر همسانی دینی زوجین، همسانی آنان در مراتب دین‌داری را نیز مورد توجه قرار داده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرد مؤمن را هم‌شان زن مؤمن و مرد مسلمان را هم‌تای زن مسلمان دانسته‌اند.^۱ در برخی روایات تأکید شده است که اگر حضرت علی علیه السلام نبود، هم‌تایی در میان انسان‌ها برای ازدواج با حضرت زهرا علیها السلام یافت نمی‌شد.^۲

۳. این ملاک نسبت به معیارهایی مانند وضعیت اقتصادی، مهم‌ترند. امام رضا علیه السلام فرمود: «اگر مردی برای خواستگاری نزد تو آمد و دین و اخلاق او را پسندیدی، با او ازدواج کن و فقر و ناداری اش مانع تو از این کار نشود. خدای متعال فرموده است: اگر تهی دست باشی، خداوند از فضل و کرم خود آنان را توانگر کند».^۳ در روایتی دیگر نیز عدم توجه به دین‌داری و ایمان، عاملی برای فساد و تباهی و ایجاد فتنه در زمین دانسته شده است.^۴

در تبیین و تحلیل اهمیت و جایگاه ویژه ملاک دین‌داری و مذهبی بودن می‌توان گفت که ایمان و دین‌داری به‌عنوان یک نگرش اصلی و محوری، همه ابعاد شخصیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف زندگی و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انسان متأثر از باورها و نظام ارزش‌های اعتقادی او است. ایمان در دیدگاه‌های فرد نسبت به شغل، ازدواج، تحصیل و حتی جنبه‌های جزئی‌تری مانند تقریحات، علایق و ترجیحات رفتاری در زندگی، اثرگذار

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۴۱.

۲. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۳.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.

۴. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۵۱۹.

است؛ از این رو تعالیم اسلام بر شاخص ایمان تأکید زیادی دارند.^۱ قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ» و مسلماً برده باایمان، از مرد (آزاد بت‌پرست) مشرک، بهتر است و اگرچه شما را به شگفت آورد.^۲

در آیات متعدد مهم‌ترین شرط برای همسر پس از داشتن اسلام، ایمان و اعتقاد است؛ زیرا ایمان و اعتقاد داشتن به خداوند و قیامت، سبب تعهد فرد می‌شود. فرد متعهد حقوق همسرش را زیر پا نمی‌گذارد؛ زیرا ایمان واقعی، منشأ همه خوبی‌ها است. از اینجا روشن می‌شود که خداپرستی و معادباوری، از پایدارترین ارزش‌ها در زندگی است^۳ و هیچ‌چیزی به اندازه اعتقاد و ایمان، شخص را به زندگی و مسئولیت‌های آن پایبند نمی‌کند.

در پایان گفتنی است که با توجه به رشد طلاق - به ویژه در سال‌های نخست زندگی - آموزش تخصصی انتخاب همسر با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی کمک شایانی در آگاه‌سازی دختران و در نتیجه استحکام و تعالی خانواده دارد.

۱. محمدتقی فتّالی، سبک زندگی رضوی ۳، ازدواج و خانواده، ص ۴۵.

۲. بقره، آیه ۲۲۱.

۳. غلامعلی افروز، همسران برتر، ص ۶۶.

درآمدی بر سبک زندگی خانواده اسلامی

حجت الاسلام والمسلمین حمید فلاحی *

حجت الاسلام والمسلمین عباس آزاد **

اشاره

سبک زندگی (lifestyle) موضوعی میان‌رشته‌ای و به‌منزله نقشه راه زندگی قابل بازخوانی در فرهنگ اسلامی است؛^۱ همان‌طور که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است. هدف زندگی چیست؟! هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به‌طور طبیعی، متناسب با خود یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود».^۲

سبک زندگی اسلامی ارائه‌دهنده یک مدل کلی از زندگی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. ما بر این باوریم که اسلام عرصه زندگی را خانواده می‌داند. از

* عضو هیأت علمی پژوهشکده سبک زندگی.

** کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی و پژوهشگر موسسه سبک زندگی آل‌یاسین.

۱. مسعود آذربایجانی و مجتبی فیضی، «سبک زندگی از منظر علامه طباطبایی رحمته‌الله»، فصلنامه

معرفت، ش ۲۰۲، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۹۳ ش، صص ۳۱-۴۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۹۱/۷/۲۳.

منظر اسلام تجلی تام سبک زندگی در نظام خانواده تحقق خواهد یافت. به عبارت دیگر، خانواده از مهم‌ترین عوامل سازنده سبک زندگی است.^۱ در نظام خانواده است که سبک زندگی اسلامی فرصت بروز و ظهور پیدا می‌کنند. بنابراین ساختار سبک زندگی اسلامی همان الگوی خانواده از دیدگاه اسلام است.

دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، بخش قابل توجهی از قوانین و احکام خود را به خانواده اختصاص داده است. پیامبر اسلام ﷺ و اولیای دین علیهم‌السلام توجه ویژه‌ای به مسائل خانواده داشته و مطالب ارزنده‌ای درباره روابط خانوادگی بیان داشته‌اند. از آن بزرگواران درباره شیوه انتخاب همسر، چگونگی روابط خانوادگی و برخورد با فرزندان در خانواده بیانات ارزشمندی به یادگار مانده که می‌تواند در تبیین شاخصه‌های خانواده اسلامی نقش بسزایی ایفا کند. در این نوشتار به بررسی چهار شاخصه سبک زندگی خانواده اسلامی می‌پردازیم.

۱. ایمان محوری

ایمان به خدا یکی از شاخصه‌های بنیادین خانواده اسلامی است؛ چراکه افکار و اعمال انسان بر اساس نوع نگرش و باور او به مبدأ هستی شکل می‌گیرد و خانواده مهم‌ترین جایی است که در آن باورها و اعتقادات دینی، ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی از نسلی به نسل بعدی منتقل می‌شود.^۲ ایمان به معنای پذیرش توحید الهی، اقرار به نبوت و عمل بر اساس فرمان‌های خداست.^۳

۱. محمدتقی فغالی، مسجد و سبک زندگی، صص ۳۸-۴۳.

۲. احمدحسین شریفی، همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی)، ص ۲۳۴.

۳. شیخ طوسی، التبیان، ج ۶، ص ۲۵۰؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۶، ص ۴۴۷؛ علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۱، ص ۳۵۳.

در سبک زندگی اسلامی خانواده بر مدار اعتقاد و ایمان به خداوند متعال شکل می‌گیرد و این اصل بر تمام امور خانواده و روابط میان اعضای خانواده اثر مطلوب می‌گذارد. ایمان به خدا، زندگی خانوادگی انسان را سامان می‌دهد، آرامش را بر وجود او حاکم می‌کند و روابط میان زن و شوهر را بر محور عشق و محبت جهت می‌دهد. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «كَلَّمَا ازْدَادَ الْعَبْدُ اِيْمَانًا ازْدَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ؛ هراندازه بر ایمان بنده افزوده شود، محبتش به زنان (همسرش) افزون‌تر می‌شود». ^۳ نیز امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «الْعَبْدُ كَلَّمَا ازْدَادَ لِلنِّسَاءِ حُبًّا، ازْدَادَ فِي الْاِيْمَانِ فَضْلًا؛ هراندازه محبت و علاقه بنده به زنان (همسرش) بیشتر باشد، ایمانش افزون‌تر است». ^۱

رابطه ایمان و افزایش مهر و محبت در خانواده رابطه‌ای دوسویه است؛ هرچه نور ایمان بر قلب افراد خانواده بیشتر شود، آنان همدیگر را بیشتر دوست دارند. این افزایش عشق و علاقه قلبی زمینه‌ساز ارتقا و افزایش نور ایمان است. می‌توان گفت عشق و محبتی که برخواسته از نور ایمان به خدا باشد، محبتی فزاینده و ماندگار است.

عاشقانه‌هایی که از زندگی علما و شهدا به یادگار مانده است نشان‌دهنده محوریت ایمان و پابندی به مبانی دینی در زندگی آنان است. ایمان باعث ماندگاری و تحکیم خانوادگی آنان شده است. در خاطرات همسر شهید بزرگوار دکتر شهریاری، چنین آمده است: «پس از ازدواج با شهید شهریاری عمق رفتار نمونه و متشروع بودنش را در زندگی شخصی خودمان دیدم و نماز شب خواندن همسر را دیدم. در شب اول ازدواجمان سجاده نماز شب شهید شهریاری پهن بود. شهید شهریاری بسیار مبادی اخلاق بود و ادب، نگاه، صحبت، رفتار و

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴.

تقدم سلام وی همیشه زبانزد بود. همسرم در انجام واجبات و ترک محرمات نیز به‌اندازه جدیت در مسائل علمی جدی بود. شهید شهریارى حتى در برخى عروسی‌ها حضور پیدا نمی‌کرد و با کسی هم تعارف نداشت. می‌گفت: وقتی قرار است حلالی حرام شود در آن محل حضور پیدا نمی‌کنم.^۱

۲. مدیریت خانواده

خانواده مانند هر سازمانی نیاز به مدیریت دارد. مدیریت خانواده از حساس‌ترین و ظریف‌ترین و مؤثرترین نوع مدیریت‌ها است؛ زیرا:

- خانواده نهاد مقدسی است که تحکیم آن زمینه‌ساز استحکام جامعه می‌شود.
- وجود مدیریت مناسب در خانواده موجب می‌شود که اکرام و احترام متقابل در خانواده افزایش یابد و افراد خانواده در کنار یکدیگر متعهد مسئولیت‌ها و وظایف خاص خود شوند، تعاون و همکاری بین آنان به‌خوبی صورت گیرد، علائق طبیعی و احساسی به تدریج به عواطف عقلانی تبدیل گردد و بین اعضای خانواده صفا و صمیمیت ایجاد شود و استمرار یابد.^۲
- اگر خانواده‌ای از مدیریت صحیح برخوردار نباشد، شیرازه آن از هم می‌پاشد و نظم و انسجام آن از بین می‌رود.

همه این امور، ضرورت وجود مدیریت و نیز لزوم مدیریت قوی بر خانواده را نشان می‌دهد.

یکی از مباحث مهمی که آرامش و سعادت دنیوی و اخروی یک خانواده ایمانی را تهدید می‌کند، بی‌جواب ماندن این سؤال است که «مدیر و سرپرست خانواده

1. www.majid-shahriari.blogfa.com/post/4.

۲. احمد صافی، «مدیریت در خانه و خانواده؛ خانواده و فرزندان در دوره پیش‌دبستانی»، ۲، صص ۹-۱۶.

کیست؟». اسلام در تقسیم وظایف زن و مرد در زندگی تفاوت‌هایی قائل شده و مدیریت و اداره خانواده را بر عهده مردان قرار داده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ؛ مردان، سرپرست زنانند».^۱

مفسران کلمه «قوامون» را اداره امور و تسلط بر زنان معنا کرده‌اند.^۲ حق سرپرستی و مدیریت منزل، که خدا بر عهده مردان قرار داده، به دلیل تفاوت‌هایی است که خداوند از نظر آفرینش و از روی مصلحت نوع بشر میان زن و مرد قرار داده است. دلیل این واگذاری این است که تحمل مردان بر انجام کارهای دشوار بیشتر از زنان است^۳ و همچنین مردان وظایفی در مورد انفاق و پرداخت‌های مالی در برابر زنان و خانواده بر عهده دارند.^۴

در خانواده اسلامی مدیریت خانواده و اداره امور آن بر عهده مردان قرار داده شده که دلیل آن شرایط طبیعی و جسمی مردان است. البته سپردن وظیفه سرپرستی به مردان، نه دلیل بالاتر بودن شخصیت انسانی آنان است و نه سبب امتیاز آنان در جهان دیگر؛ زیرا این امور صرفاً به تقوا و پرهیزکاری بستگی دارد. آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌نویسد: «قوم بودن نشانه کمال و تقرب الی الله نیست؛ ... قوم بودن مربوط به کارهای مدیریت و اجرایی است. ... مسائل اجتماعی، شتم اقتصادی، تلاش و کوشش برای تحصیل مال، تأمین نیازهای منزل و اداره زندگی را مرد به عهده می‌گیرد و چون مسئول تأمین، هزینه مرد

۱. نساء، آیه ۳۴.

۲. فتح‌الله کاشانی، زبدة التفاسیر، ج ۲، ص ۵۸؛ ابوالفضل فیضی دکنی، سواطع الالهام، ج ۲، ص ۲۹؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۶۸؛ علامه طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۴۳؛ محمد جمال‌الدین قاسمی، محاسن التأویل، ج ۳، ص ۹۶؛ فخر رازی، مفاتیح‌الغیب، ج ۱۰، ص ۷۰.

۳. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۳۴۳.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۱.

است، سرپرستی داخله خانه هم با مرد است. اما این چنین نیست که از این سرپرستی بخواهد مزیتی هم به دست آورد و بگوید: من چون سرپرستم، پس افضل هستم؛ بلکه این یک کار اجرایی است؛ یک وظیفه است نه فضیلت.^۱ پس بر مرد لازم است که از حق سرپرستی خود سوءاستفاده نکند و جز در محدوده شرع و در چارچوب حق سرپرستی، که در قانون اسلام آمده، گامی برندارد و با شیوه‌ای درست و رفتاری عاقلانه زندگی را اداره کند؛ چنان‌که بر زن نیز لازم است که با زورگویی و خودسری، محیط عاطفی و محبت و مودت خانواده را برهم نزند و با احترام به حق مرد، از پاشیده شدن خانواده جلوگیری کند.^۲

۳. اخلاق‌مداری

توجه به فضایل اخلاقی، یکی از شاخصه‌های مهم خانواده اسلامی است. در قرآن کریم بیش از بیست بار کلمه «معروف» برای جنبه‌های مختلف روابط خانوادگی به کار رفته^۳ که چگونگی روابط زن و شوهر از مهم‌ترین جنبه‌های آن است. در بیشتر آیات، کلمه «معروف» با گستره‌ای بیشتر و در تمام جنبه‌های روابط خانوادگی به کار رفته است. از دیدگاه علامه طباطبایی «معروف» آداب و شیوه‌های رفتاری مناسب در یک جامعه است که عقلاً آن را به رسمیت می‌شناسند یا هر عملی است که افکار عمومی آن را رفتاری شناخته‌شده و مانوس می‌دانند و با ذائقه اهل هر اجتماعی سازگار است.^۴

۱. عبدالله جوادی آملی، زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۶۶.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۸۴.

۳. بقره، آیات ۱۸۰، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶؛ نساء، آیه ۱۹ و ۲۵؛ ممتحنه، آیه ۱۲؛ طلاق، آیه ۲ و ۶.

۴. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۲۳۲.

اخلاق مدار بودن در خانواده جلوه‌های زیادی دارد؛ رفق و مدارا، آسان‌گیری، مهرورزی، تبسم، احترام متقابل، تحقیر نکردن، تمسخر و عیب‌جویی نکردن، پرخاشگری نکردن، صداقت، صبر و بردباری و گذشت و تغافل از جمله نمونه‌های بارز اخلاق‌مداری است.

جلوه مهم دیگر اخلاق‌مداری، حسن خلق یا خوش اخلاقی است. جایگاه و ارزش خوش خلقی تا بدان جا است که به انسان‌های مؤمن محدود نمی‌شود و هر کس از این فضیلت بهره‌مند باشد، ارزشی گران‌سنگ به دست می‌آورد. خانواده در پرتو نرم‌خویی‌ها و مهربانی‌ها و گشاده‌رویی‌ها رشد می‌یابد و به سعادت نزدیک می‌شود. امام رضا علیه السلام به نقل از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت کسانی هستند که اخلاق نیکو داشته باشند و با خانواده خود بیشتر مهربانی کنند».^۱

بسیاری از درگیری‌های خانوادگی، طلاق‌ها، پرخاشگری‌ها ریشه در عدم رعایت این ارزش بزرگ دینی و الهی دارد. جذبه حسن خلق بر دل‌ها تأثیر می‌گذارد، کوه‌ها را به حرکت درمی‌آورد و روح و روان انسان‌ها را تغییر می‌دهد. حسن خلق رابطه تنگاتنگی با ایمان دارد و کج خلقی نشانه ضعف ایمان است. امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا؛ ایمان کسی از همه قوی‌تر است که اخلاقش از همه بهتر باشد».^۲

حسن خلق، زندگی را برای اعضای خانواده شیرین می‌کند و رویارویی با سختی‌ها را آسان می‌سازد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرَّفْقَ فِي الْمَعِيشَةِ وَ حُسْنَ الْخُلُقِ؛ هرگاه خداوند بخواهد به

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۹.

خانواده‌ای خیر برساند، گذران زندگی را بر آنان آسان می‌کند و اخلاق نیکو به آنان می‌دهد».^۱ از امام صادق علیه السلام درباره حسن خلق پرسیدند و ایشان فرمود: «تَلِيْنُ جَانِبِكَ وَ تَطْيِبُ كَلَامَكَ وَ تَلْقَى أَحَاكَ بِيَشْرٍ حَسَنٍ؛ رفتار را ملازم کن، کلامت را پاکیزه ساز و از برادرت با گشاده‌رویی استقبال کن».^۲

گشاده‌رویی نسبت به همسر تا جایی اهمیت دارد که رسول اعظم صلی الله علیه و آله آن را یکی از حقوق زن بر همسر خود دانسته و فرموده‌اند: «حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا أَنْ يَسُدَّ جَوْعَتَهَا وَيَسْتَرْ عَوْرَتَهَا وَ لَا يُقَبِّحَ لَهَا وَجْهًا؛ حق زن بر شوهرش این است که او را گرسنه نگذارد، بدنش را بپوشاند و با او ترش‌رویی نکند».^۳

با بررسی آثار معجزه‌آسای گشاده‌رویی درمی‌یابیم که بی‌سبب نیست که گشاده‌رویی علامت ایمان،^۴ نیمی از عقل،^۵ اولین عطیه الهی^۶ و آغاز نیکوکاری^۷ دانسته شده است.

شهید دستغیب در کنار خانواده، خود را عضوی از آن‌ها می‌دانست و برای خود ارزشی بیش از دیگران قائل نبود. ایشان در محیط خانه سخت‌گیری نمی‌کرد، بلکه وجودش سرچشمه خیر و برکت بود. همسر ایشان در این باره می‌گوید: در امور زندگی به من اختیار تام داده بودند. هر کاری که انجام می‌دادیم، هیچ

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۴.

۲. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۵۳.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۴.

۴. عن علی علیه السلام: «الْمُؤْمِنُ ... بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُرَّتُهُ فِي قَلْبِهِ». (شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲۶).

۵. عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السلام: «حُسْنُ الْبَشْرِ لِلنَّاسِ نَصْفُ الْعَقْلِ». (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۶۰).

۶. عن علی علیه السلام: «حُسْنُ الْبَشْرِ أَوَّلُ الْعَطَاءِ». (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۴).

۷. عنه علیه السلام: «بِشْرُكَ أَوَّلُ بِرِّكَ». (شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳).

ایرادی نمی‌گرفتند؛ چون می‌دانستند راه ما راه خودشان و هدف ما یکی است. با بچه‌ها خیلی مهربان بودند. در اوقات فراغت، در حیاط با بچه‌ها قدم می‌زدند و آن‌گونه که بچه‌ها و نوه‌ها دلشان می‌خواست، با آن‌ها رفتار می‌کردند. ایشان در کارهای خانه هم علاوه بر کارهای شخصی خود، به ما کمک می‌کردند. ایشان هشت فرزند داشت که هیچ‌گاه با هیچ‌یک از آنان، به درستی سخن نگفت؛ بلکه به آن‌ها احترام می‌گذاشت و مراقب بود مادرشان را ناراحت نکنند؛ زیرا برای همسرش احترام ویژه‌ای قائل بود. ایشان هیچ‌گاه سرزده به اتاق فرزندان وارد نمی‌شد، بلکه ابتدا در می‌زد و آنان را صدا می‌کرد.^۱

۴. تربیت دینی

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های خانواده در سبک زندگی اسلامی، تربیت دینی است. توجه به ارزش‌های دینی و جاری ساختن تربیت بر محور دین در خانواده، معیار زندگی و زنده بودن واقعی است که آثار و برکات فراوانی دارد؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا حَيَاةَ إِلَّا بِالدِّينِ وَلَا مَوْتَ إِلَّا بِجُحُودِ الْيَقِينِ؛ زندگی جز با دین [و دین‌داری] نیست، و مرگ، جز با انکار [و از دست دادن] یقین».^۲

امام صادق علیه السلام با اشاره به آثار دین‌داری در زندگی افراد می‌فرماید: «شخص دین‌دار می‌اندیشد و در نتیجه، آرامش، وجود او را فرامی‌گیرد و خود را کوچک می‌شمارد، پس به فروتنی می‌گراید. قناعت می‌ورزد، پس احساس بی‌نیازی

۱. دستغیب، نفس مطمئنه، ص ۸. به نقل از اسحاقی سید حسین، حلیمه قریب بلوک و سید محمدعلی صادقی و علی حائری، «شهیدان محراب (ویژه‌نامه شهدای محراب حضرات آیات: د مدنی، دستغیب، صدوقی و اشرفی اصفهانی)»:

www.pajuhesh.irc.ir/Product/book/show.text/id/1422/book_keyword/occasion/index/1/ind
ex Id/144468

۲. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۲۹۶؛ علامه حلّی، کشف الیقین، ص ۲۱۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۴۱۸.

می‌کند. به آنچه به او داده شده، خرسند است و گوشه‌تنباهی را برمی‌گزیند؛ پس از دوستان بی‌نیاز می‌گردد. خواهش‌ها را رها می‌کند، پس آزاد می‌شود. دنیا را کنار می‌گذارد، پس از بدی‌ها در امان می‌ماند. حسادت را دور می‌افکند، پس دوستی آشکار می‌شود. مردم را نمی‌ترساند، پس از آنان نمی‌ترسد. به آنان تعدی نمی‌کند، پس از گزند ایشان در امان است. به هیچ‌چیز دل نمی‌بندد، پس به رستگاری و کمال فضیلت دست می‌یابد. عافیت را می‌بیند، پس کارش به پشیمانی نمی‌کشد»^۱.

در تحقیقات پژوهشگران نیز اهمیت دین‌داری در استحکام بنیان خانواده به اثبات رسیده است. برخی پژوهشگران درباره مذهب و احساس خشنودی بیان کرده‌اند که خشنودی زناشویی تحت تأثیر مذهب قرار دارد و مذهب و پابندی به آن می‌تواند میزان طلاق را تا حدود پنجاه درصد کاهش دهد.^۲

جلوه‌هایی از تربیت دینی در خانواده

۱. حفظ خانواده از آسیب‌های عقیدتی، اخلاقی و رفتاری

از آنجاکه بر اساس الگوی اسلامی خانواده عهده‌دار تربیت دینی است؛ خداوند در قرآن دستورهایی درباره نگهداری خانواده بیان می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید»^۳.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید چون این آیه نازل شد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

۱ محمد محمدی ری‌شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۲۴۹.

۲. مجتبی حیدری، دینداری و رضامندی خانوادگی، ص ۳۵.

۳. تحریم، آیه ۶.

خود و خانواده‌تان را از آتش، حفظ کنید»، مردی از مسلمانان نشست و گریه کرد و گفت: من از [حفظ] خود ناتوانم. اکنون مسئولیت خانواده‌ام نیز بر عهده‌ام نهاده شد! پیامبر خدا ﷺ فرمود: «حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ؛ برای تو همین کافی است که به آنچه خودت را بدان فرمان می‌دهی، آنان را نیز فرمان دهی و از آنچه خودت را نهی می‌کنی، آنان را نیز از آن نهی کنی».^۱

از این آیه و روایات به دست می‌آید^۲ که مؤمن در مقابل خانواده‌اش مسئول است و باید زمینه رشد اخلاقی آنان را فراهم کند. نگهداری خانواده وابسته به تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی است. این امر مستلزم برنامه‌ای از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه تولد فرزند است و باید در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود.

۲. تربیت دینی فرزندان

در سبک زندگی اسلامی عوامل گوناگونی در تربیت انسان مؤثر است؛ اما حقیقت آن است که تأثیر محیط خانه و خانواده در میان این عوامل، بالاترین نقش را ایفا می‌کند. مقام معظم رهبری می‌فرماید: «اسلام برای دوران کودکی و نوجوانی چند عامل تربیتی تعیین کرده که یکی از آن‌ها آموزش‌های والدین و تأثیرات محیط خانواده است».^۳

خانواده اولین مدرسه‌ای است که کودک آینده‌فکری، فرهنگی و اعتقادی خود را

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۶۲؛ طبرسی، مشکاة الأنوار، ص ۱۰۲، ح ۲۲۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹۲.

۲. ر.ک؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۸۷.

۳. مصاحبه با مجله آینده‌سازان، ۱۳۶۵/۷/۲۱.

بر پایه آموزش‌هایی که از آن دریافت کرده، بنا می‌کند؛ از این‌رو در احادیث پیشوایان معصوم علیهم‌السلام سفارش‌های فراوانی درباره اهمیت تربیت فرزندان، مقدمات و راهکارهای آن بیان شده است. شروع تربیت دینی فرزندان را باید در انتخاب همسر جستجو کرد. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این‌باره فرمود: «أَنْظُرُ فِي أَيْ نِصَابٍ تَصَّعُّ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعُرْقَ دَسَّاسٌ؛ نگاه کن فرزندت را در کدام رَحِم قرار می‌دهی؛ چراکه [رگ و] ریشه، تأثیرگذار است». ^{۱ و ۲} همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «سه چیز برای فرزند بر عهده پدر است: مادر خوب برای او برگزیدن، نام نیک بر او نهادن، و تلاش فراوان در تربیت او نمودن».^۳

درباره زمان انعقاد نطفه، حمل و بارداری، بعد از تولد، و چگونگی نهادینه کردن فرهنگ دینی در فرزندان دستورالعمل‌های فراوانی از منابع اسلامی استخراج می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- گفتن اذان و اقامه در گوش کودک؛^۴

- گشودن کام کودک با تربت امام حسین علیه‌السلام و آب فرات؛^۵

- آموزش قرآن.^۶

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۵۵.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، حکمت‌نامه کودک، صص ۳۵-۴۱.

۳. همان.

۴. الفقه المنسوب إلى الامام الرضا علیه‌السلام، ص ۲۳۹؛ شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج

۱، ص ۲۰.

۵. الفقه المنسوب إلى الامام الرضا علیه‌السلام، ص ۲۳۹؛ شیخ کلینی، الکافی، ج ۱۱، ص ۳۸۲.

۶. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۰۰.

جابجایی ارزش‌های خانواده در جامعه معاصر

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی*

اشاره

امام حسین علیه السلام در نامه‌ای به بزرگان بصره در مورد رواج سنت‌های منفی در جامعه هشدار داد و حمایت آنان را برای حاکم شدن ارزش‌های الهی خواستار شد و چنین فرمود: «أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِيتَتْ وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْيِيَتْ؛ من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرامی‌خوانم؛ چراکه سنت به تدریج از میان رفته و بدعت زنده شده است».^۱

اساساً برای حفظ اصول یک مکتب آسمانی باید با جابجا کنندگان ارزش‌ها و بنیان‌گذاران بدعت‌ها مبارزه نمود و یک مسلمان در پاسداری از ارزش‌های اسلامی هرگز نباید خسته شود. علی علیه السلام فرموده است: «أَظْلَمُ النَّاسِ مَنْ سَنَّ سُنْنَ الْجَوْرِ وَ مَحَاسِنَ الْعَدْلِ؛ ظالم‌ترین افراد، کسی است که سنت‌های ظالمانه را در جامعه رواج دهد و سنت‌های عادلانه را از میان بردارد».^۲

قرآن کریم همواره درباره استحاله ارزش‌های دینی و بازگشت به آداب و رسوم قبل

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و از مبلغان نخبه دفتر تبلیغات اسلامی.

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۲۶۶.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۳۱.

از اسلام و جایگزین شدن ارزش‌های بیگانگان به‌جای ارزش‌های اسلامی هشدار داده است. آخرین کتاب آسمانی، پیروی از بیگانگان را مهم‌ترین آفت برای ماندگاری ارزش‌های والای دینی می‌شمارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا حَاسِرِينَ؛ ای اهل ایمان! اگر از کافران فرمان برید، شما را به [عقاید و روش‌های کافران] گذشتگانتان بازمی‌گردانند، در نتیجه زیانکار خواهید شد».^۱

خطر جابجایی ارزش‌های اسلامی امروزه نیز خانواده‌های مسلمان را تهدید می‌کند. این آسیب، اعضای خانواده‌های مسلمان را هدف گرفته، از هر سوبه کانون افکار و اندیشه‌های آنان هجوم آورده است.

شهادت برای احیای ارزش‌ها

امام حسین علیه السلام در فرازی از سخنان خود به انتقاد شدید از نقض قوانین الهی می‌پردازد و به شدت از جابجایی ارزش‌های الهی نگرانی خویش را اعلام و به عالمان جامعه، اعتراض می‌نماید: «وَ قَدْ تَرَوْنَ عَهْدَ اللَّهِ مَنقُوضَةً فَلَا تَعْصِبُونَ وَ اِنَّكُمْ لِنَقِضَ ذِمَّةَ اَبَائِكُمْ تَفْرَعُونَ وَ ذِمَّةَ رَسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَحْقُورَةً؛ شما می‌بینید که پیمان‌های الهی شکسته می‌شود، ولی هیچ نگران نمی‌شوید، درحالی‌که برای شکسته شدن بعضی پیمان‌های پدرانتان (و هم مسلک‌هایتان) ناله سر می‌دهید و آشفته‌خاطر می‌شوید».^۲

حضرت سیدالشهدا علیه السلام هدف از قیام عاشورا را بازگشت به ارزش‌های الهی می‌داند: «أَلَا تَرَوْنَ إِلَى الْحَقِّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ لِيُرْغَبِ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ مُحِقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا

۱. آل‌عمران، آیات ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲. ابن‌شعبه حرّانی، تحف‌العقول، صص ۲۳۷ - ۲۳۸.

بَرَمًا؛ آیا نمی‌بینید که به حق و ارزش‌های الهی (عمل نمی‌شود و از باطل و شیوه‌های غیر الهی نهی نمی‌گردد در چنین وضعی شایسته است انسان مؤمن جان خود را در طبق اخلاص نهاده (و در راه خدا تقدیم کند) به‌طور حتم من شهادت را جز سعادت و زندگی با ستمکاران (و تبدیل‌کنندگان ارزش‌های الهی) را جز در ماندگی نمی‌بینم»^۱.

برای حفظ فرهنگ اسلامی در خانواده‌ها، باید اصول ارزشمند آن را شناخت و در این فضای بحرانی جامعه که بیگانگان از هر طرف هجوم آورده‌اند و درصدد نابودی آن هستند، تلاش کنیم. باید امتیازات فرهنگ مترقی اسلام را به خانواده‌ها بشناسانیم و شاخصه‌های تمدن اسلامی را با تشخیص ارزش از ضد ارزش و هنجار از ناهنجار بیان نماییم. همچنین به تبعیت از قرآن ضمن معرفی خانواده‌های برتر، مانند خانواده حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت مریم علیها السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت شعیب علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که خداوند به‌عنوان الگوی خانواده‌های ارزش‌مدار می‌شناساند، ویژگی‌های آنان را بیان کنیم. در این فرصت به مواردی مهم، از جایگزینی ارزش‌های کاذب به‌جای ارزش‌های اسلامی می‌پردازیم.

تک‌فرزندی به‌جای چند فرزند

جایگزینی تک‌فرزندی به‌جای چند فرزند، از ارزش‌های جایجا شده در فرهنگ خانواده‌های معاصر است؛ درحالی‌که در فرهنگ اسلامی به ازدیاد نسل و فرزندآوری تأکید فراوانی شده و آثار و برکات آن در زندگی دنیوی و اخروی بیان شده است. جا دارد خانواده‌های مسلمان به تبعیت از قرآن و سنت در تکثیر نسل و توسعه نیروی انسانی مسلمان، نهایت تلاش خود را به عمل آورند.

۱. سید ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۷۹.

خداوند متعال در قرآن کریم، داشتن فرزندان را نشانه امداد الهی و وسیله قدرتمندی و اقتدار معرفی می‌کند: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا؛ سپس پیروزی بر آنان را به شما باز می‌گردانیم و شما را به وسیله اموال و فرزندان تقویت می‌کنیم و نفرات [رزمی] شما را بیشتر می‌گردانیم».^۱

طبق این آیه کثرت فرزندان و داشتن نیروی انسانی بیشتر، از نعمت‌های الهی است که باید ضمن سپاسگزاری، آنان را در مسیر صحیح هدایت و تربیت کرد. متأسفانه در عصر حاضر، خانواده‌ها به تبعیت از بیگانگان و به بهانه مشکلات اقتصادی و اجتماعی، به کاهش نسل و تک‌فرزندی روی آورده‌اند و عملاً به این وعده قرآن، بی‌توجهی شده است.

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با تشویق امت به فراوانی فرزندان می‌فرماید: «تَتَاكُحُوا تَتَأَسَلُوا تَكْتُمُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ بِالسُّقُطِ؛ ازدواج کنید، ایجاد نسل نمایید که در این صورت جمعیتتان زیاد می‌شود؛ پس به‌راستی من در روز قیامت، به کثرت جمعیت شما امت اسلام، به سایر امت‌ها مباحثات می‌کنم، حتی به فرزندان سقط شده شما».^۲ امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرمود: «تَوْفِيرِ الْوَالِدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ وَحَوَادِثِ الْأُمُورِ؛ تکثیر فرزند برای (رویارویی با) سختی‌های روزگار و پیامدهای زمانه (از برکات ازدواج) است».^۳ همچنین که مشاهده می‌شود در فرهنگ اسلامی تعدد فرزندان و زیادی نفرات، یک ارزش محسوب می‌شود؛ ولی امروزه این مسئله در خانواده‌ها فراموش یا کم‌رنگ شده است.

۱. اسراء، آیه ۶.

۲. تاج‌الدین محمد شعیری، جامع الأخبار، ص ۱۰۱.

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴.

مسکن غربی به جای مسکن اسلامی

از دیگر ارزش‌های جایجا شده در خانواده‌ها، جایگزینی معماری غربی با معماری اسلامی است. در معماری اسلامی که گذشتگان ما به آن توجه می‌کردند، خانه مسکونی یک مسلمان، بستری مناسب برای رشد فضایل اخلاقی و کمالات انسانی مانند: عفاف و حجاب اسلامی، مهمان‌داری و صلهرحم و مکانی برای برگزاری مجالس مذهبی و نیز کانون حیا و آرامش بود و خانواده‌ها از هر لحاظ راحت‌تر بودند. آنان به کلام پیشوای ششم شیعیان علیه السلام توجه داشتند که: «ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِنَّ رَاحَةٌ دَائِرٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ؛ آسایش مؤمن در سه چیز است: خانه وسیعی که نادیدنی‌ها و ناموس او را بپوشاند و اسرار خانوادگی او را از مردم پنهان دارد»^۱.

واژه «مسکن» از سکون و سکینه به معنای محل آرامش و امنیت‌خاطر است؛ لذا مسکن هر انسانی باید یکی از عوامل مهم آرامش در زندگی‌اش باشد. خانه‌ای که انسان نتواند در آن با آرامش کامل از باورها و فرهنگ اصیل خویش پاسداری کند، به راحتی از میهمانش پذیرایی و صلهرحم نماید، اسلامی نیست. آیا امروزه در این برج‌های بلند که پنجره‌های منازل به همدیگر اشراف دارند و با زحمت زیاد از نگاه‌های هوس‌آلود دیگران می‌توان جلوگیری کرد و ساکنان آن‌ها از راهروهای خلوت و آسانسورهای مشترک رفت‌وآمد می‌کنند، آرامش خاطر و امنیت اخلاقی وجود دارد؟! رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی در ساختمان‌سازی موضوعی بسیار اساسی است. در گذشته روبه‌قبله بودن اتاق‌ها و روبه‌قبله نبودن سرویس‌های بهداشتی و مسائلی از این دست، موجب حفظ ارزش‌های اسلامی می‌شد.

۱. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۵۹.

در معماری سنتی برگرفته از فرهنگ اسلامی، حجاب‌های ساختاری بسیاری وجود داشت. در بسیاری از خانه‌های سنتی ایران، دو بخش درونی و بیرونی بود. قسمت بیرونی برای آمدوشد میهمانان و غریبه‌ها فراهم می‌گشت و قسمت درونی، سرای آسایش محارم و اهل خانه بود؛ اما پس از هجوم فرهنگ غربی و غلبه ارزش‌های کاذب بر فرهنگ اسلامی، گذشته از اینکه وضعیت اندرونی‌ها تجملاتی شده، متأسفانه نمای بیرونی ساختمان‌ها هم به بهانه زیباسازی، تبلیغ‌کننده فرهنگ بیگانه شده است و امروزه خانه‌های تجملاتی زیادی دیده می‌شود، درحالی‌که دوری از تجمل و اشرافی‌گری یکی از دیگر ویژگی‌های منازل اسلامی است.

برخلاف افکاری که در حال حاضر در میان اشراف جامعه وجود دارد و پول‌داران تجمل‌گرا درصدد تقلید یا ترویج الگوهای بیگانه هستند، قرآن درباره خانه‌های اشرافی که صاحبانشان به آن نیاز ندارند و آن را برای فخرفروشی بنا می‌کنند، فرموده است: «أَتَبْنُونَ بُكْلًا رِيعٍ تَعْبَثُونَ؛ آیا در دامنه‌های کوه برای عبث خانه بنا می‌کنید»^۱.

ساختن کاخ‌ها و برج‌های بلند و اشرافی، نه تنها در آیین اسلام، مایه فخر و مباهات به حساب نمی‌آید، بلکه اسلام، شدیداً با آن به مقابله برخاسته و آن را مایه دنیاپرستی و خواری انسان‌ها دانسته است؛ خداوند متعال در ادامه آیه فوق می‌فرماید: «وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ؛ آیا شما قلعه‌ها و کاخ‌های استوار و مجلل برمی‌گیرید که شاید جاودانه بمانید؟»^۲

البته آپارتمان‌های امروزی که از روی ضرورت برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه

۱. شعراء، آیه ۱۲۸.

۲. شعراء، آیات ۱۲۸ - ۱۲۹.

ساخته می‌شود، از این قاعده مستثناست؛ زیرا برای تجمل‌گرایی و فخرفروشی ساخته نشده است؛ گرچه باید آداب اسلامی و قوانین آپارتمان‌نشینی در آن رعایت شود.

جایابی حریم‌های شرعی

بی‌توجهی به فرهنگ اسلامی و رعایت نکردن روابط شرعی بین زن و مرد در خانواده‌ها و جایگزینی ارتباط آزاد، از دیگر موارد دگرگونی ارزش‌هاست؛ اگرچه امروزه اغلب خانواده‌ها ناگزیرند در مجتمع‌های مسکونی انبوه و خانه‌های کوچک زندگی کنند، این امر نباید مانع رعایت حریم‌های شرعی در خانه شود؛ چه بسا رعایت نکردن همین نکات به ظاهر ساده و پیش‌پاافتاده، پیامدهای جبران‌ناپذیری در زندگی مشترک داشته باشد. رعایت حریم‌های فیزیکی، حریم بین والدین و فرزندان و حریم فرزندان با یکدیگر از موضوعات مهمی است که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید بسیاری شده است.

از بین رفتن آبرو، تزلزل بنیان خانواده، قطع رزق، در دنیا و حسابرسی سخت، گرفتار شدن به قهر الهی و آتش جهنم، از جمله آثار شوم اخروی رعایت نکردن حریم‌های شرعی در فضای خانواده است.

آیا بی‌توجهی به رعایت حریم و داشتن ارتباطات آزاد و راحت همراه با اختلاط محرم و نامحرم، دلیل بر تمدن، روشنفکری و پیشرفت است و از آن سو، مراعات حریم‌های شرعی و حفظ مرز میان محرم و نامحرم، دلیل بدبینی و سیاه‌دلی است؟ خیر، تمام این‌ها برای پیشگیری از انحرافات احتمالی است؛ همانند اجباری بودن بستن کمربند ایمنی برای راننده و سرنشینان خودرو که برای جلوگیری از خطرات احتمالی است. به این جهت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طبق فرمان الهی فرمان داد: «بَاعِدُوا بَيْنَ اَنْفَاسِ النِّسَاءِ وَ اَنْفَاسِ الرَّجَالِ؛ میان زنان و مردان

نامحرم فاصله ایجاد کنید!»^۱

جابجایی آداب و شرایط خواستگاری

از موارد جابجایی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، خواستگاری و معیارهای آن است. امروزه متأسفانه معیارهای خواستگاری دگرگون شده و ملاک‌های مادی، جای معیارهای اخلاقی را گرفته است. در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

اول) تبدیل معیارهای اخلاقی به مادی

این روزها خواستگاری‌ها میدان مبارزه جهت محک مالی طرفین شده است و معیارهای اخلاقی و اینکه پسر و دختر تا چند اندازه انسان‌های تربیت‌یافته و خودساخته‌ای هستند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِجَمَالِهَا لَمْ يَرِ فِيهَا مَا يَحِبُّ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِأَمَالِهَا لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لَهُ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ فَعَلَيْكُمْ بِذَاتِ الدِّينِ؛ هر کس زنی را فقط برای زیبایی‌اش انتخاب کند به خواسته‌اش نخواهد رسید! و کسی که زنی را برای مالش برگزیند، خداوند وی را به آن ثروت واگذار کند؛ بر شما باد بر انتخاب زنان با دیانت».^۲ البته اگر زیبایی، ثروت و امکانات مادی با سایر شایستگی‌ها همراه باشد، قطعاً در فرهنگ اسلامی ارزش محسوب می‌شود.

دوم) شکسته شدن حریم‌های شرعی و قانونی

خواستگاری شرعی و قانونی آدابی دارد که اگر رعایت شود، یک زندگی کاملاً موفق در انتظار زوجین خواهد بود. از جمله اینکه خواستگاری باید در فضایی کاملاً شرعی حفظ حریم‌های معین انجام شود؛ چنان‌که قرآن کریم به آغاز رابطه

۱. عجلونی، کشف الخفاء، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۹۹.

حضرت موسی علیه السلام و دختر شعیب پیامبر علیه السلام که هر دو دارای صلاحیت‌های اخلاقی و معنوی فراوانی بودند، اشاره می‌کند و رفتار ارزشی آنان را می‌ستاید و در مورد نجابت و حیای دختر جوان می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِخْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا؛ پس یکی از آن دو [دختر] درحالی که باحالت شرم و حیا گام برمی‌داشت، نزد او آمد [و] گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا پاداش اینکه [دام‌های] ما را آب دادی به تو بدهد».^۱

یک جوان مسلمان مراحل را در خواستگاری طی می‌کند و آداب شرعی آن را رعایت می‌نماید؛ اول: دختری را برای خواستگاری انتخاب می‌کند. دو: مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد. سوم: یکی از نزدیکان خود را برای گفتگو و اطلاع از خواسته‌ها و شرایط خانواده دختر می‌فرستد. چهارم: درباره پذیرش یا رد وصلت تصمیم می‌گیرد. پنجم: پس از شناخت اولیه و پذیرش، او را می‌بیند و از اوصاف ظاهری و باطنی وی اطلاع می‌یابد.^۲ ششم: آداب دیدن همسر آینده (عزم جدی و صادقانه بر ازدواج، دیدن وجه و کفین، جواز نگاه مکرر به همسر آینده، صحبت و گفتگو با نامزد با نظارت خانواده‌ها و گفتگوهای ضروری قبل از عقد) را مراعات می‌کند.

سوم) افراط و تفریط در خواستگاری‌ها

هر یک از خانواده‌های افراطی یا تفریطی به‌گونه‌ای ارزش‌ها را جابجا می‌کنند. عده‌ای که تفریطی عمل می‌کنند و به آداب و دستورات اسلامی پایبند نیستند، به

۱. قصص، آیه ۲۵. در آیات بعدی خداوند متعال از روابط ارزشمند آن دو جوان که تبدیل به ازدواج رسمی می‌شود سخن می‌گوید: «قَالَتْ إِخْدَاهُمَا يَا بَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِي الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي تَمَنِي جَجِحَ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ».

۲. شایان‌ذکر است بر اساس آموزه‌های دینی، اطلاع از اوصاف ظاهری و باطنی، برای هر دو طرف مجاز است.

دخترشان اجازه می‌دهند بدون همراهی محرم، به تفریح و گردش با نامزدش بپردازد. گروهی دیگر که متعصب و افراطی‌اند بدون توجه به سنت رسول خدا ﷺ در مورد خواستگاری، نه‌تنها قبل از ازدواج به خواستگار دخترشان اجازه دیدن نامزدش را نمی‌دهند، بلکه اعلان می‌دارند که داماد تا شب زفاف، اجازه دیدن دختر را ندارد. این‌گونه رفتارهای نامشروع، در بسیاری از اوقات، منجر به فجایع اخلاقی می‌شود که پیامدهای بد و ناگواری خواهد داشت. اگر خانواده‌ها و جوانان خواهان حفظ کرامت و ارزش خود هستند به حدود الهی پایبند باشد؛ زیرا که: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ پس اینها حدود الهی است، از آن‌ها تجاوز نکنید و هر کس از حدود و مرزهای الهی تجاوز کند، بی‌گمان این‌چنین کسانی ستمگرند.^۱

تحقیر بزرگان به‌جای تکریم

یکی از سنت‌های ارزشمند و پسندیده، «تکریم بزرگان در خانواده» است که متأسفانه امروزه در اثر هجوم فرهنگ بیگانه، مورد غفلت واقع شده است. بر اساس سیره نبی مکرم اسلام ﷺ، بزرگی و شایستگی تکریم، محدود به سالمندان نیست و مصادیق متعددی از افراد قابل احترام از قبیل مادر، پدر، معلم، عالمان، شهدا، خانواده شهدا و رهبران دینی در این دایره قرار می‌گیرند. به این جهت پیامبر اکرم ﷺ این جایجایی ارزشی را از جمله عوامل محرومیت و فقر معرفی می‌کند: «الَّتَقْدِيمُ عَلَى الْمَشَايخِ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِينَ بِاسْمِهِمَا؛ از عوامل فقر، حرکت کردن در جلوی بزرگان و صدا کردن پدر و مادر با نامشان است».^۲

۱. بقره، آیه ۲۲۹.

۲. پیامبر اسلام ﷺ ایام و شرایط سختی را در آخرالزمان خبر داده است و بعضی از علل آن را چنین می‌فرماید: «لَا يَبْجَلُ صَغِيرَكُمْ كَبِيرَكُمْ وَ سَبُّ الرَّجُلِ أَبَاهُ؛ این سختی‌ها از آن جهت است که بزرگان تکریم نمی‌شوند و فرزندان بر پدر خویش دشنام می‌دهند».

بدین جهت برخی از محرومیت‌ها و گرفتاری‌های خانواده‌ها را باید در تحقیر بزرگان به جای تکریم آن‌ها جستجو کرد.

حکایت

پیرمرد به مجلسی شد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن حضور داشت، وارد شد. هر جای مجلس را که نگاه کرد، جایی برای نشستن نیافت و کسی هم برای او جایی باز نکرد. حضرت بسیار ناراحت شد و از جا برخاست و جا برای پیرمرد باز کرد، آنگاه فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا؛ از ما نیست کسی که بر خردسالان مهرورزی نکند و سالمندان را تکریم ننماید».^۱

خداوند راجع به تکریم بزرگان خانواده می‌فرماید: «و پروردگار تو مقرر داشته که جز او را نپرستید و با پدر و مادر احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به پیری رسند به آن‌ها «أف» مگو! و بر آن‌ها بانگ مزین و با آن‌ها کریمانه سخن بگویی و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا! آن‌ها را به پاس آنان که مرا در کودکی پروردند، ببخشای».^۲

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) راز توفیقاتش را در همین نکته می‌داند: «قم را رها نمودم و بهترین دوران تحصیل و تدریس را رها کردم، ماندم و خدمت پدر کردم. پدرم مرا مداوم دعا می‌کردند. اگر بنده در زندگی خود توفیقی داشتم، اعتقادم این است که ناشی از همان برّ و نیکی است که به پدر و مادرم انجام داده‌ام».^۳

ذوی‌الحقوق، افراد مؤثر در جامعه، امام و رهبر جامعه، دانشمندان، شهدا و

۱. وزّام بن ابی‌فراس، مجموعه وزّام، ج ۱، ص ۳۴.

۲. اسراء، آیات ۲۳ و ۲۴.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

مجاهدان ثابت‌قدم، معلم، استاد، مربی^۱، بزرگ قوم و فامیل^۲، حاملان قرآن^۳، خادمان جامعه و هرآن کس که به گردن جامعه یا فرد حقی دارد و در جامعه مؤثر بوده است، باید به‌عنوان بزرگی از بزرگان جامعه شایسته تکریم قرار گیرد. احترام شهید و خانواده او، کشاورزان و پیشه‌وران پیشکسوت، اولیای الهی و دیگر بزرگان از مصادیق احترام به بزرگان جامعه به شمار می‌روند. کسب توفیقات در زندگی، دریافت احترام متقابل، عزّت در پیش خداوند و نهایتاً آسایش در قیامت، از برکات تعظیم بزرگان در خانواده و جامعه است.

تحویل نسل ناصالح و دارای بیماری روحی به‌جای تربیت نسل صالح، پیروی از دشمن به‌جای حفظ اعتقادات، بی‌خیال بودن به‌جای تأمین نیازهای خانواده، خشونت به‌جای محبت، بی‌بندوباری به‌جای تقوا و معنویت، نادانی به‌جای دانش و عقلانیت، هواپرستی به‌جای خداپرستی، تقلید از بیگانگان و الگوهای غربی به‌جای الگوهای اصیل و اسلامی، لباس‌های بیگانه‌پسند به‌جای لباس محلی و اسلامی، تجمل‌گرایی به‌جای ساده‌زیستی برخی دیگر از موارد جابجایی ارزش‌های اسلامی است که امروزه در خانواده‌های مسلمان جریان

۱. قال النبی ﷺ: «مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفًا صِرَتْ لَهُ عَبْدًا؛ از کسی که چیزی آموختی، بنده او گشتی». (ابن‌ابی‌جمهور احسانی، عوالی اللثالی، ج ۱، ص ۲۹۲).
۲. درب خانه پیامبر ﷺ به صدا درآمد. حضرت درب را باز کردند. اصحاب داخل اتاق پیامبر شدند، اتاق پر شد. جریر بن عبدالله بجلی که رئیس قبیله بود، آمد و دید که جایی برای نشستن نیست و باید در محل کفش‌ها بنشیند، اما این مکان مناسب رئیس قبیله نبود. آقا رسول‌الله ﷺ عیاشیان را به «جریر» داده و فرمودند: جریر عبا را بگیر و پهن کن و روی آن بنشین. جریر عبا را گرفت و به چشمانش مالید و گفت: یا رسول‌الله ﷺ من آن قدر بی‌ادب نیستم که روی عبا را شما بنشینم، اما مرا اکرام کردی خداوند تو را گرامی بدارد. حضرت فرمودند: «إِذَا جِئْتُمْ كَرِيمٌ قَوْمٍ فَآكِرِمُوهُ؛ زمانی که بزرگ قومی وارد شد او را احترام کنید». (طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۴).
۳. پیامبر اسلام ﷺ پس از جنگ احد، وقتی می‌خواستند شهدا را دفن کنند فرمودند: «اول آن‌هایی را دفن کنید که قاری قرآن بودند».

دارد. لازم است که برای نجات نسل آینده از انحراف و خودباختگی، دوباره محور خانواده‌ها را به مسیر صحیح فرهنگ اصیل اسلامی برگردانیم تا نگرانی‌ها و دغدغه‌هایمان رفع شود.

سیره امام حسین علیه السلام در تربیت فرزندان

حجت الاسلام والمسلمین علی رضا انصاری*

اشاره

تربیت از اساسی ترین نیازهای بشر است و زندگی، از گهواره تا گور، جلوه‌ای از آن است. انسان تنها در پرتو تربیت صحیح و روشمند است که به اهداف و آرمان‌های خود دست پیدا کرده، قلّه رفیع سعادت را فتح می‌کند. از این رهگذر است که در جوامع، برای تربیت فرزندان سرمایه‌گذاری‌های کلان صورت می‌گیرد؛ زیرا فتح قلّه‌های موفقیت با تربیت آینده‌سازان یک جامعه صورت می‌گیرد.

فرزند انسان نتیجه آرزوهای او است؛ زیرا فرزند ثمره حیات است؛ از این رو باید به تربیت صحیح آراسته گردد. این مهم محقق نمی‌شود مگر اینکه فرزند با آداب نیکو تربیت شود. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعَفَّرُوا لَكُمْ؛ فرزند خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید تا آموخته شوید»^۱. بر اساس این، بهترین چیزی که انسان برای فرزندان خویش به ارث می‌گذارد،

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵.

تربیت و ادب نیکو است، نه مال و ثروت؛ چنان‌که علی علیه السلام فرمود: «خَيْرٌ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ؛ بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به میراث می‌گذارند، ادب است».^۱

انجام این وظیفه بدون تکیه بر دیدگاه‌های رهبران الهی و رفتار آنان ممکن نیست. ما باور داریم که امامان علیهم السلام در همه ابعاد تربیتی، الگوهایی موفق بوده‌اند و تکیه بر دیدگاه‌ها و رفتارهای تربیتی آنان بهترین شیوه تربیت فرزندان است. در این نوشتار سیره و گفتار امام حسین علیه السلام درباره تربیت فرزندان را بررسی می‌کنیم.

۱. زمینه‌سازی

یکی از روش‌های تربیت، زمینه‌سازی آن است؛ یعنی در آموزه‌های دینی نه تنها تربیت فرزندان از لحظه تولد شروع می‌شود، بلکه زمینه‌های تربیت و شرایط آن قبل از انعقاد نطفه آغاز می‌گردد. از این رو بایسته است شرایط و زمینه تربیت فرزند قبل از انعقاد نطفه فراهم شود و بعد از تولد نیز ادامه یابد. در اسلام سفارش شده است هنگام ازدواج دو رکعت نماز بخوانیم: «مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ التَّرْوِيحَ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ؛ هر کس می‌خواهد ازدواج بکند اول دو رکعت نماز بخواند».^۲

امام حسین علیه السلام خطاب به اصحابش فرمود: «اجْتَنِبُوا الْغُشْيَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي تُرِيدُونَ فِيهَا السَّفَرَ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ ثُمَّ رَزِقَ وَلَدًا كَانَ أَحْوَلًا؛ از هم‌بستر شدن با همسرانتان در شبی که قصد مسافرت دارید پرهیزید؛ (زیرا) اگر در اثر آن فرزندی روزی شود، احوال (لوچ) خواهد بود».^۳

۱. تیمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۵۰۳۶.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۸.

۳. همان، ص ۲۹۳.

داده‌های علمی نیز بر این امر دلالت دارد. یکی از پزشکان اروپا آمار جامعی از نطفه‌هایی که در اول سال مسیحی منعقد می‌شود را منتشر کرده است. به‌طور کلی هشتاد درصد اشخاص ناقص الخلقه و معلول محصول شب اول ژانویه‌اند؛ زیرا در این شب مسیحیان عید بزرگی دارند و به عیش و نوش پرداخته و غالباً به‌قدری مشروب می‌خورند و در عیاشی مبالغه می‌کنند که مریض می‌شوند. در این شب رستوران‌ها مشتری بیشتری دارند و نمی‌توانند مانند شب‌های دیگر به مشتریان خود غذای سالم بدهند.^۱

۲. نام‌گذاری

یکی از حقوق فرزندان بر والدین، انتخاب نام پسندیده است؛ زیرا روح کودک از آغاز تولد، با نام خودش خو می‌گیرد و چه بسا اولین الفاظی که بر زبان می‌راند، نام خودش است. از سوی دیگر انتخاب نام نیک یا بد، نشان‌دهنده معیار ارزش‌ها در خانواده است، زیرا هر کس مایل است بر فرزندش، زیباترین نام را که برای او قداست دارد، انتخاب کند و صاحب آن نام سنبل و الگو و معیار ارزش‌ها در خانواده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ مُحَمَّدًا فَأَكْرَمُوهُ وَ أَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجَالِسِ؛ هنگامی که فرزندان را محمد نامیدید او را اکرام کنید و در مجالس برای او جا باز کنید و روی بر او ترش ننمایید».^۲ همچنین هر مقدار علاقه و محبت انسان به شخصی بیشتر باشد، اشتیاق بیشتری دارد که همیشه یاد و خاطرات او زنده بماند؛ از این رو است که امام حسین علیه السلام اسم برخی فرزندان را علی گذاشت، تا علاوه بر ابراز شدت علاقه خود به پدر، نام او را در خاطره‌ها زنده نگه دارد.

۱. محمدتقی فلسفی، کودک، ج ۱، ص ۹۵.

۲. صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۴.

معاویه، مروان بن حکم را کارگزار و فرماندار مدینه قرار داد و به وی دستور داد برای جوانان مدینه جایزه‌ای بپردازد. مروان این کار را کرد. حضرت امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که من نزد مروان رفتم گفت: نام تو چیست؟ گفتم: علی بن الحسین گفت: نام برادرت چیست؟ گفتم: علی. مروان گفت: چه خبر است! علی علی؟ به چه جهت پدرت نام کلیه فرزندان خود را علی می‌گذارد! سپس جایزه‌ای به من داد و من نزد پدرم بازگشتم و جریان را برای ایشان شرح دادم. پدرم فرمود: وای بر پسر زن کبود چشم دباغ‌باد! اگر برای من صد پسر متولد شود دوست دارم نام آنان را علی بگذارم.^۱

گفتنی است که انتخاب نام مناسب برای فرزندان نشانه فرهنگ والدین است؛ اما واقعیت این است که چشم‌وهم‌چشمی و مدگرایی مدت‌هاست به حیطه فرزندپروری نیز ورود پیدا کرده است.

امروزه برخی پدران و مادران به جای اندیشیدن به بار ارزشی و تأثیر روانی نام در آینده و مناسبات زندگی فرزندان، به استثنایی بودن آن می‌اندیشند و گاه از اینکه در میان همسالان، همانم فرزندشان یافت نشود، تفاخر می‌کنند. نفوذ فرهنگ غرب و شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای در سال‌های اخیر نیز باعث شده تا نام‌های شخصیت‌های سریال‌های تلویزیونی مورد توجه مردم قرار گرفته و فراوانی پیدا کند. اگر نگاهی به نام‌های کودکان بیندازیم خواهیم دید که بسیاری از اسم‌ها رنگ و لعاب غربی دارند.

آقای قرائتی می‌گوید در زیمباوه آفریقا بودم. یک زن و شوهر شیعه بودند، رفتم اینها را پیدا کردم. مغازه‌اش بسته بود. مسلمان زیاد بودند، منتها شیعه یک زن و

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۹.

شوهر بودند. آدرس گرفتیم و رفتیم او را پیدا کردیم. گفتیم: شما یک زن و شوهر شیعه در یک کشور غریب چه می‌کنید؟ اسم بچه‌هایتان چیست؟ گفت: صادق، باقر، کاظم. گفتیم: بارک‌الله! او در آفریقا اسم امام رازنده می‌کند و امام صادق و کاظم می‌گذارند. متأسفانه بعضی از شیعه‌ها اسم بچه‌شان را یک چیزی می‌گذارند که میلیانی. می‌گوییم: میلیانی یعنی چه؟ گفت: یک تیغی است در آفریقا. آفریقا اسم امام صادق را می‌گذارد، این اسم تیغ‌های آفریقا.^۱

در اسلام تأکید شده است اسامی مذهبی را برای فرزندان خود انتخاب کنید؛ زیرا فرزند هم در دنیا و هم در آخرت با این اسم خوانده می‌شود. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُّ أَحَدُكُمْ وَوَلَدَهُ الْإِسْمُ الْحَسَنُ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ؛ نخستین چیزی که هر یک از شما به فرزندش پیشکش می‌کند نام نیکوست؛ بنابراین هر کدام از شما نامی نیکو بر فرزند خویش نهد».^۲ ایشان فرمود: «اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَ كُمْ فَإِنَّكُمْ تَدْعُونَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُمْ يَا فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ إِلَى نُورِكَ وَ قُمْ يَا فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ لَأَنْ نُورَ لَكَ؛ نام‌های نیکو بر خود نهد؛ زیرا در روز قیامت شما را به نام صدا می‌زنند [و می‌گویند]: فلان پسر فلان! برخیز به سوی نور خود برو، و فلان پسر فلان برخیز که نوری نداری».^۳

۳. اهتمام به آموزش معارف دینی و قرآن

قرآن در تربیت دینی جایگاهی بس عظیم دارد؛ به همین دلیل آموزش قرآن در دوران کودکی و نوجوانی اهمیت زیادی دارد. ابن‌سینا نیز در این رابطه گفته است: «هرگاه کودک آماده تلقین و آموزش قرآن گردید، و گوشش استعداد

1. <http://gharaati.ir/show.php?page=darsha&id=2225>

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۰.

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۹.

شنیدن و آمادگی پذیرش آن را پیدا کرد، باید تعلیم قرآن به او شروع شود و حروف الفبا و آگاهی‌های دینی به او تفهیم گردد»^۱.
 باید از همان ابتدای کودکی و نوجوانی قرآن را به فرزندان آموخت تا اینکه قبل از هر چیز روح قرآن در قلبشان نفوذ کند. همچنین باید از آغاز کودکی عقاید دینی و احکام قرآن به آنان تلقین شود، تا بر اساس محبت و علاقه به قرآن و برحسب رهنمودها و انجام اوامر و پرهیز از نواهی آن پرورش یابند و پیوسته در دوران جوانی به اخلاق قرآن تمسک جویند. کودکانی که با قرآن مأنوس شده باشند از لحاظ رفتاری با دیگر کودکان تفاوت‌های بسیاری دارند. خواندن قرآن و درک مفاهیم آن می‌تواند رفتارهای نامطلوب انسان را از بین ببرد.

علی علیه السلام در آموزش به فرزندش امام حسن علیه السلام نخستین اقدام خود را آموزش قرآن و معارف اسلام بیان می‌کند: «وَأَنْ أَيْدِيكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَايِعِ الْأِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا أُجَاوِزُ بِكَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ؛ نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تأویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و (در آغاز) به چیزی غیر از قرآن نپردازم»^۲.

امام حسین علیه السلام نیز به تعلیم قرآن به فرزندان خود اهمیت می‌داد تا آنجا که به معلم قرآن فرزندان خویش جایزه داد. شخصی به نام «عبدالرحمان» در مدینه معلم کودکان بود و یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام به نام جعفر نزدش آموزش می‌دید. معلم جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را به جعفر تعلیم داد. هنگامی که

1. www.ravanshena30-islami.

۲. علی احمدی میانجی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۵۴۰؛ محمد راجی قمی، پندهای پدران به فرزندان، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

جعفر این جمله را برای پدر قرائت کرد، حضرت، معلم فرزندش را فراخواند و هدیه‌ای گران بها به او داد. وقتی حضرت به سبب پاداش زیاد مورد پرسش قرار گرفت، در جواب فرمود: «وَأَنْتَى تُسَاوَى عَطِيَّتِي هَذَا بِتَعْلِيمِهِ وَلِدِي الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ هدیه من برابر با تعلیم «الحمد لله رب العالمین» است»^۱.

البته از دیدگاه اسلام، همراه آموزش قرآن، فراگیری سخنان ائمه علیهم السلام نیز از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا کلام ارزشمند ایشان، تفسیر کننده آیات قرآن است. قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام مکمل یکدیگرند و یکی بدون دیگری نمی‌تواند درک عمیق در انسان ایجاد کند. زمانی که «فرزدق» در دوران کودکی همراه پدرش به حضور امام علی علیه السلام رسید، امام از پدرش سؤال کرد: «این پسر کیست؟» جواب داد: «او فرزند من است و همام نام دارد». پدر فرزدق در ادامه سخنش گفت: «شعر و کلام عرب را آن چنان به او آموختم که مهارت کامل در این فن دارد».

آن مرد انتظار داشت که فرزندش مورد تشویق امام علیه السلام قرار بگیرد؛ ولی امام علیه السلام که افتخار کودک مسلمان را در فراگیری قرآن می‌دانست فرمود: «اگر قرآن را به او یاد می‌دادی برایش بهتر بود». فرزدق وقتی این سخن امام را شنید به فکر فرو رفت. کلام امام علیه السلام در قلبش نشست و این سخن همیشه در خاطرش ماند. از آن لحظه خودش را مقید کرد تا وقتی قرآن را حفظ نکند آرام ننشیند. چنین نیز کرد و قرآن را کاملاً حفظ نمود.^۲

امروزه برخی از والدین متأسفانه به آشنایی و شناخت فرزندانشان با مفاهیم و مبانی اسلام اهمیت نمی‌دهند در حالی که هزینه‌های فراوانی برای کلاس‌های

۱. سید هشام بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۱.

آموزش زبان، موسیقی و... صرف می‌کنند.

البته برخی والدین در نهادینه‌سازی تربیت دینی فرزندان فعالیت‌های قابل قبولی انجام می‌دهند؛ چنان‌که امروزه یکی از سنت‌های حسنه، گرفتن جشن تکلیف برای فرزندان است. این جشن در نهادینه‌سازی مفاهیم قرآنی و دستورات اسلام بسیار تأثیرگذار است. سید ابن طاووس، نه تنها به سالروز مکلف شدن خود اهمیت می‌دهد، بلکه از آن روز به‌عنوان بزرگ‌ترین عید یاد می‌کند و به فکر می‌افتد تا جشنی برای بالغ شدن فرزند خود ترتیب دهد و از آن روز فراموش نشدنی تجلیل فراوان به عمل آورد.

وی در نوشته خود از پدران و مادران، چنین گلایه می‌کند: «من تاکنون نشنیده‌ام کسی برای این روز بسیار بزرگ و فراموش‌نشدنی ارزشی قائل باشد و حق چنین روزی را ادا کرده باشد و یا برای از دست رفتن چنین روزی، لحظه‌ای غصه خورده باشد. از این‌رو خود و فرزندان و دوستانم را سفارش می‌کنم که حق چنین روزی را ادا کنند و در بزرگ‌داشت و احترام آن بکوشند»^۱.

۴. اظهار محبت

شکی نیست که همه انسان‌ها به فرزندان خود عشق می‌ورزند و آن‌ها را مثل پاره تن خود دوست دارند. علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می‌نویسد: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَكَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي؛ تو را جزئی از خود، بلکه همه وجود خود دیدم تا به آنجایی که اگر چیزی به تو ضرر برساند، مثل آن است که به من زیان رسانده و گویی اگر مرگ به سراغ تو بیاید، به سراغ

۱. محمد‌جواد مروجی طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۹۴ و ۲۹۶.

من آمده، بنابراین همان اهمتامی را که در اصلاح امور خود می‌نمایم درباره تو دارم»^۱.

بر اساس این باید تربیت عاطفی از خانواده شروع شود؛ زیرا کانون خانواده، بستری مناسب برای تربیت عاطفی فرزندان است. در این کانون پرمهر، فرزندان به نحو مطلوبی رشد کرده و به بالندگی می‌رسند. هیچ مکانی نمی‌تواند نیازهای عاطفی و تربیتی فرزندان را همانند خانواده برآورده سازد؛ زیرا محبت به فرزندان امری درونی است که خداوند آن را در دل پدر و مادر به ودیعت نهاده است؛ اما آنچه در این میان مهم است و آثار تربیتی در پی دارد، ابراز آن است. چه بسیارند والدینی که در برابر فرزندان خود محبت فراوان دارند، اما آن را ابراز نمی‌کنند. محبت وقتی تأثیرگذاری بیشتری دارد که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد.

امام حسین علیه السلام در قالب‌های گوناگون به ابراز محبت می‌پرداخت؛ گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، گاه با بوسیدن آنان و گاه با بیان کلمات محبت‌آمیز. عیدالله بن عتبه می‌گوید: نزد حسین بن علی علیه السلام بودم که علی بن حسین وارد شد. حسین علیه السلام امام سجاد علیه السلام را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبا هستی.^۲

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جمعی از مسلمانان در نقطه‌ای نماز می‌گزارد. هنگامی که آن حضرت به سجده رفت، حسین علیه السلام که آن موقع کودک خردسالی بود، در پشت پیغمبر صلی الله علیه و آله سوار شد و به پاهای خود حرکت داد و هی هی کرد. وقتی پیغمبر خواست سر از سجده بردارد او را گرفت و کنار خود به زمین گذارد.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۶۸.

۲. خزاز رازی، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۲۳۴.

باز در سجده‌های دیگر این کار تکرار شد تا اینکه نماز به پایان رسید. مرد یهودی که ناظر این صحنه بود، پس از نماز به حضرت عرض کرد: «شما با کودکان خود طوری رفتار می‌کنید که ما هرگز چنین نمی‌کنیم». پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب فرمودند: «اگر شما به خدا و رسول او ایمان می‌داشتید، با کودکان خود به عطف و مهربانی رفتار می‌کردید». مهر و محبت پیغمبر اسلام با یک کودک، چنان آن مرد یهودی را تحت تأثیر قرار داد که از صمیم قلب، آیین مقدس اسلام را پذیرفت.^۱

گفتنی است که از افراط و تفریط در محبت به فرزندان باید پرهیز نمود؛ زیرا محبت و نوازش‌های بی‌حساب و کتاب، مانع برخورد فرزندان با سختی‌های زندگی می‌شود و کودک با کوچک‌ترین حادثه از پا در می‌آید.^۲ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان از حد مناسب تجاوز کنند و بدترین فرزندان کسانی هستند که در اثر تقصیر و کوتاهی در انجام وظایف، عاق پدر شوند».^۳

۵. احترام به فرزند

یکی از خواسته‌های طبیعی نوجوانان و جوانان این است که به شایستگی مورد تکریم دیگران قرار گیرند و پدران و مادران در معاشرت و تمام شئون زندگی با آنان مانند بزرگسالان برخورد کنند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ؛ فرزندان خود را احترام نمایید و آنان را نیکو تربیت کنید».^۴ امام

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۶.

۲. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۷۵۰-۷۵۵.

۳. ابن یعقوب، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

۴. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

رضا علیه السلام نیز می فرماید: «أَجْمِلْ مُعَاشِرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ؛ برخورد و معاشرت خود را با کوچک و بزرگ زیبا گردان».^۱

فرزندان نیازمند احترام اند، اگر با نوجوانی رفتار کودکانه شود سخت ناراحت و آزرده خاطر می شود؛ زیرا احساس می کند که دیگران هنوز او را به چشم کودک می نگرند و حاضر نیستند با وی معامله یک انسان بالغ و کامل کنند.^۲ بر اساس این، مهم ترین وظیفه والدین نسبت به فرزندشان آن است که با احترام گذاشتن به او، همواره شخصیت فردی و اجتماعی او را حفظ کنند و او را در میان همسالان و همبازی هایش خوار نکنند.

روزی امام حسن و امام حسین علیه السلام نزد پیامبر رفتند. پیامبر به احترام آن ها از جای برخاست و به انتظار ایستاد. پیامبر صلی الله علیه و آله همچنان منتظر ایستاده بود. سرانجام رسول اکرم صلی الله علیه و آله به طرف آن ها رفت، بغل باز کرد، هر دو را بر دوش خود سوار نمود و به راه افتاد، درحالی که می فرمود: «فرزندان عزیزم، مرکب شما چه خوب مرکبی است و شماها چه سواران خوبی هستید!».^۳

۶. تشویق

یکی از شیوه های تربیتی، تشویق است. تشویق متناسب با فعالیت انجام شده، منجر به ایجاد انگیزه در فرد می شود و به تقویت رفتار می انجامد. چه بسا فرزندان از ارزش و استعداد خود آگاهی نداشته، خویش را ناچیز می شمارند؛ از این رو والدین باید ویژگی های مثبت فرزندان را شناسایی و کشف کنند. در اسلام، بر تشویق فرزندان هنگام بروز فضایل اخلاقی تأکید شده است. امام

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۴.

۲. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۴۳۵.

۳. علامه مجلسی، بحار الانور، ج ۳۷، ص ۸۷.

سجاد علیه السلام فرمود: من به بیماری مبتلا شدم. پدرم بر بالینم آمد و فرمود: «مَا تَشْتَهِي فَقُلْتُ أَشْتَهِي أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ لَا أَقْتَرِحُ عَلَى [اللَّهِ] رَبِّي سَوَى مَا يُدِيرُهُ لِي فَقَالَ لِي أَحْسَنْتَ صَاهَيْتَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عليه السلام حَيْثُ قَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ هَلْ مِنْ حَاجَةٍ فَقَالَ لَا أَقْتَرِحُ عَلَى رَبِّي بَلْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ چه خواسته‌ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره آنچه خداوند برایم تدبیر کرده، چیزی نپرسم! پدرم در مقابل این جمله به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی، به هنگام گرفتاری جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می‌خواهی؟ او در جواب فرمود: درباره آنچه پیش آمده از خداوند سؤال نمی‌کنم. خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل است»^۱.

روزی یکی از بچه‌های اقوام امام، پیش ایشان رفت و نقاشی قشنگی را به امام نشان داد. امام به نقاشی او خوب نگاه کرد و از او پرسید: این نقاشی را خودت کشیده‌ای؟ بچه جواب داد: نه، نقاشی را کس دیگری کشیده، من فقط آن را رنگ زده‌ام. امام از صداقت بچه خیلی خوششان آمد و به او گفت: خیلی قشنگ رنگ‌آمیزی کرده‌ای. و یک جعبه مداد رنگی به بچه جایزه داد.^۲

۷. تربیت عملی

تربیت ابتدایی انسان با روش الگویی شکل می‌گیرد. کودک سال‌های نخست زندگی خود، همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود - در درجه اول پدر و مادر - الگوبرداری می‌کند؛ از این رو روش الگویی، در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک نقش بنیادی دارد. امام کاظم علیه السلام درباره تأثیرپذیری فرزندان از والدین می‌فرماید: «بَرُّوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يُطَنُّونَ أَنَّكُمْ تَرُزِقُونَهُمْ؛ به

۱. الراوندی، الدعوات، ص ۱۶۸.

فرزندان خود نیکی و احسان نمایید؛ زیرا آن‌ها می‌پندارند شما رزق آن‌ها را می‌دهید»^۱.

مؤثرترین عامل در تربیت اخلاقی و دینی فرزندان رفتارهای درست والدین است. در سیره تربیتی ائمه اطهار علیهم‌السلام تربیت با رفتار و عمل، بارزترین بعد تربیت است. فرزندان ائمه علیهم‌السلام با دیدن رفتار آنان الگو گرفته، عمل می‌کردند. شعیب بن عبدالرحمن خزائی می‌گوید: هنگامی که امام حسین علیه‌السلام در کربلا به شهادت رسید بر دوشش نشانه‌ای وجود داشت. از امام سجاد علیه‌السلام درباره آن پرسیدند. امام سجاد علیه‌السلام بسیار گریست و فرمود: این اثر بارهای غذایی است که پدرم بر دوشش حمل می‌کرد و به خانه‌های تهیدستان می‌برد.^۲

امام سجاد علیه‌السلام پیوسته این رفتار پدرش را مشاهده کرد و الگو گرفت؛ چراکه امام باقر علیه‌السلام فرمود: «پدرم، علی بن الحسین علیه‌السلام شب‌ها کیسه نان بر دوش حمل می‌کرد و به مستمندان صدقه می‌داد».^۳

والدین همواره باید مراقب باشند تا بین گفتار و عملشان تناقض به وجود نیاید؛ زیرا در غیر این صورت، اهداف تربیتی آنان محقق نخواهد.

ای که به من راستی آموزی خود در ره کج از چه نهی پا را
آموزگار خلق شدیم اما خود نشناختیم الف و با را

۱. علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۳.

نقش نارضایتی جنسی در اختلافات زناشویی

حجت الاسلام والمسلمین مجید استادی*

اشاره

خانواده کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد جامعه بشری است که زیربنایی‌ترین و اولین نهاد هر اجتماعی را تشکیل می‌دهد. از آنجا که افراد جامعه در خانواده پرورش می‌یابند، خانواده بیشترین تأثیر را در جامعه دارد؛ لذا جامعه‌ای سالم است که از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد.^۱

خانواده دارای جایگاه مهمی در اسلام است. طبق آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام اهداف تشکیل خانواده عبارت‌اند از:

الف. آرامش روانی همسران

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و از نشانه‌های او اینکه از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام‌گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. در این (نعمت) برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است».^۲

* کارشناس ارشد و پژوهشگر مؤسسه سبک زندگی.

۱. باقر ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۶۰.

۲. روم، آیه ۲۱.

ب. پیدایش مودت و رحمت بین همسران

«مودت» به معنای ظاهر ساختن محبت است. هرگاه شخصی نیاز طرف مقابلش را می‌بیند، نوعی تأثر روحی و نفسانی در او ایجاد می‌شود تا نیاز وی را رفع نماید، به این حالت «رحمت» گویند. اگر رحمت و مودت بین همسران به صورت یک کنش و واکنش متقابل ادامه یابد، عواطف میان آن‌ها عمیق و بادوام می‌شود و بنیان خانواده را محکم می‌گرداند و به فرزندان نیز سرایت می‌کند.^۱

ج. تأمین نیاز جنسی همسران

زن و مرد، ساختار جنسی متفاوتی دارند. همراه با بلوغ، نیاز جنسی در آنان بروز می‌کند و آن‌ها را به یکدیگر متمایل می‌سازد. دین اسلام برای تأمین صحیح این نیاز، فقط راهکار ازدواج را مقرر کرده تا ارضای غریز جنسی در مسیر سالمی روی دهد.^۲ این هدف، محور بحث ما در این نوشتار است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

اهمیت رابطه جنسی همسران

خداوند در وجود انسان نیازهای متعددی به ودیعت نهاده است تا از این طریق برای رفع نیازهای خود به تلاش و کوشش بپردازد، نیازمندی‌هایش را تأمین کند و مسیر تکامل را بیماید.^۳

یکی از نیازهای اساسی انسان، نیاز جنسی است. اسلام برای تأمین این نیاز،

۱. محمدتقی مصباح یزدی، پرسش و پاسخ‌ها، ج ۵، ص ۳۱۱.

۲. مؤمنون، آیه ۵-۷. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَعْلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ».

۳. محمدرضا سالاری‌فر، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۸۸.

راهکار همسرگزینی را پیشنهاد می‌کند تا علاوه بر ارضای غریزه جنسی و تولیدمثل، باعث رشد زوجین شود و آن‌ها را به تعالی برساند. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «زنان شما کشتزار شمایند، پس هر وقت که خواستید به کشتزار خود درآیید و (با نیت اکتفا به حلال در مقابل حرام و طلب فرزندی صالح از این عمل، ثوابی) برای خودتان پیش فرستید و از خدا پروا کنید».^۱

ز اتصال این دو جان با همدگر می‌رسد از غیبتشان جانی دگر^۲

یکی از ابعاد مهم زندگی انسان، حس لذت‌جویی است که می‌توان اوج آن را در روابط جنسی دانست.^۳ اسلام با دیدی مثبت به رابطه جنسی همسران نگریده و حتی به آن رنگ عبادی و معنوی می‌دهد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این زمینه می‌فرماید: «وقتی که مرد مؤمنی برای نزدیکی با همسر مؤمنه‌اش به نزد او می‌رود، دو ملک او را در بر می‌گیرند و مانند شخصی است که در راه خدا جهاد می‌کند و پس از آنکه با همسر خود نزدیکی کرد، گناهان او ریخته می‌شود؛ مانند ریختن برگ در درختان در فصل پاییز و پس از غسل جنابت، از گناهان پاک می‌گردد».^۴

اگر زوجین از روابط جنسی خود رضایت‌مند باشند، از بسیاری از سختی‌ها به راحتی می‌گذرند. رضایت جنسی همسران، از شدت دشواری‌های زندگی می‌کاهد یا آن را قابل تحمل می‌کند. نبود رابطه جنسی مناسب، زمینه را برای دامن زدن به مشکلات جزئی و تبدیل آن‌ها به مشکلات بزرگ مهیا می‌سازد.

۱. بقره، آیه ۲۲۳. «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ».

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۸۹۳.

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۸. «الَّذُ الْأَشْيَاءُ مُبَايَعَةُ النَّسَاءِ».

۴. ابن حیون، دعائم الإسلام؛ ج ۲، ص ۱۹۱.

نارضایتی جنسی

نیاز جنسی از قوی‌ترین نیازهای انسان است و ازدواج تنها منبع صحیح برآورده شدن این نیاز می‌باشد. اگر نیاز جنسی فرد به هر دلیلی درون خانواده، به صورت درست ارضا نشود، منجر به ناخشنودی جنسی می‌شود و تبعات نامطلوبی به دنبال خواهد داشت.^۱

برای پی بردن به اهمیت رابطه جنسی زوجین، بهتر است به یکی از موارد مراجعه شده به مشاور اشاره کنیم؛ زوجی که با وجود تحصیلات بالا، مشکلات و اختلافات فراوانی با یکدیگر داشتند، زن درخواست طلاق کرده بود. این زوج با اصرار خانواده‌هایشان حاضر به مشاوره شدند. وقتی مشاوره شروع شد، شوهر کمتر سخن می‌گفت، اما خانم بهانه‌هایی می‌آورد که همگی بی‌ریشه بود. معلوم بود علت طلاق، چیز دیگری است و زن نمی‌تواند آن را به زبان بیاورد. از آقا خواسته شد خانم را تنها بگذارد. آقا که بیرون رفت، مشاور به خانم گفت: این بهانه‌هایی که آوردید، علت اصلی اختلاف شما نیست، آنچه را که باعث رنج اصلی شما شده، بیان کنید. پس از گذشت مدتی سؤال و جواب، خانم ریشه مشکل را بیان کرد و گفت: «در هنگام رابطه جنسی با همسر، او فقط به فکر خودش است، به نیاز جنسی من توجهی ندارد و فقط به دنبال رفع نیاز خودش است و من را وسیله ارضای خواهش‌های خودش می‌داند. در این حالت من احساس حقارت می‌کنم و از زندگی با او دل‌سرد می‌شوم.» وقتی مشاور مسئله را با شوهر مطرح کرد، تعجب کرد و تأسف خورد و کمی خجالت کشید.^۲

این نمونه‌ای کوچک از موارد فراوان مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره است که اگر

۱. عباس پسندیده، رضایت زناشویی، ص ۱۸۷.

۲. به نقل از: علی‌اکبر مظاهری، فرهنگ خانواده، صص ۳۱۴-۳۱۶.

به آن توجه شود و در این زمینه آموزش کافی داده شود، بسیاری از مشکلات و ناخرسندی‌های زناشویی همسران برطرف خواهد شد.

پیامدهای نارضایتی جنسی

یکی از اهداف تشکیل خانواده و تثبیت آن، ارضای مناسب نیازهای جنسی است و هرگونه اختلال در تحقق آن، فرآیند ازدواج و خانواده را به مخاطره می‌اندازد.

در بحث نیاز جنسی باید به نقش جنسیت در ارضای جنسی همسران توجه کرد. طبق تحقیقات مردان بیش از زنان به موضوع داشتن مراودات جنسی بها می‌دهند؛ به همین دلیل در کشمکش‌های زناشویی و حتی در موارد طلاق، شکایت از رضایت‌بخش نبودن روابط جنسی، معمولاً از سوی مردان ابراز می‌گردد،^۱ درحالی‌که آشفتگی زن زمانی است که احساس کند دیگر محبوبیتی نزد شوهرش ندارد.^۲

با توجه به مطالب مطرح‌شده، اختلال در روابط جنسی زوجین پیامدهای نامطلوبی را در پی دارد. در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

اختلال در روابط زوجین

غریزه جنسی همان‌طور که عامل اساسی پیدایش خانواده و زندگی مشترک است، در استمرار و پایداری خانواده نقش بسیار مهمی دارد؛ ازاین‌رو اگر این نیاز مهم برآورده نشود، در روابط همسران اختلال ایجاد می‌کند و بنیان خانواده سرد و بی‌روح خواهد شد. به عبارتی می‌توان گفت رابطه جنسی همانند یک فشارسنج

۱. به نقل از: حسین باستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۱۸۹.

عمل می‌کند. به این صورت که یک رابطه جنسی مناسب، بیانگر یک رابطه عاطفی شایسته بین همسران است.^۱

طبق مطالعات انجام شده ۵۰ درصد اختلافات زناشویی، از مشکلات موجود در روابط جنسی ناشی می‌شود و حدود ۲۵ درصد نیز به عللی با روابط جنسی ارتباط دارد.^۲ در تحقیق دیگری که از ۵۹۴۵ زوج انجام داده شد، به دست آمد زوج‌هایی که بر سر مسائلی نظیر فرزندپروری، مسئولیت خانه‌داری یا مسائل مالی با یکدیگر نزاع می‌کنند، در رابطه جنسی‌شان از رضایت کمتری برخوردارند.^۳

کاهش سلامتی

سلامت جسمی و روحی روانی اعضای خانواده، یکی از عوامل تحکیم این نهاد مهم است. یکی از وجوه سلامتی در خانواده، رضایتمندی از تعاملات جنسی زن و شوهر است. از آنجاکه رابطه جنسی از جنبه‌های دیگر یک رابطه تأثیر می‌پذیرد یا بر آن تأثیر می‌گذارد. می‌توان ادعا کرد روابط جنسی همسران، مقیاس مناسبی برای اندازه‌گیری میزان بهبودی و سلامت زندگی زناشویی است.^۴

رابطه جنسی سالم زوجین علاوه بر ارضای نیاز غریزی طرفین، به سلامت جسم نیز کمک می‌نماید و موجب نیل آن‌ها به آرامش است. قرآن کریم این مسئله را به زیبایی مطرح نموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» و از

۱. دیوید. اچ. ال اولسون، بازیابی روابط همسران، ص ۱۲.

۲. جعفر جدیری، هیجان و رضامندی، ص ۱۳۲.

۳. دیوید. اچ. ال اولسون، بازیابی روابط همسران، ص ۱۲.

۴. همان.

نشانه‌های او این است که از (نوع) خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. در این (نعمت) برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است».^۱

نارضایتی از روابط زناشویی با کاهش سلامتی و پیدایش بیماری‌های خاص همچون سرطان، بیماری‌های قلبی و دردهای مزمن رابطه دارد و بین نارضایتی زناشویی و اختلال جسمانی و عاطفی نیز رابطه‌ای آشکار برقرار است.^۲

آمیزش جنسی علاوه بر اینکه نیاز جنسی زن و شوهر را برآورده می‌کند، برخی از دردها را تسکین می‌دهد تنش‌ها را برطرف می‌کند. امام باقر علیه السلام روایتی را از جدش امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می‌فرماید: «إِذَا كَانَ بِأَحَدِكُمْ أَوْجَاعٌ فِي جَسَدِهِ وَ قَدْ غَلَبَتِ الْحَرَارَةُ فَعَلَيْهِ بِالْفِرَاشِ. قِيلَ لِلْبَاقِرِ علیه السلام: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا مَعْنَى الْفِرَاشِ؟ قَالَ: غَشِيَانُ النَّسَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَسْكُنُهُ وَيُطْفِئُهُ؛ چون به تن شما دردهایی باشد، بر شما باد که هم‌بستر شوید. به امام پنجم علیه السلام گفته شد: یا بن رسول الله، بستر یعنی چه؟ فرمود: آمیزش با زنان؛ زیرا آن (درد) را آرام و خاموش کند».^۳

نارضایتی از رابطه زناشویی معمولاً افسردگی، اختلالات تغذیه و بیماری‌های جسمانی و روانی همسران را در پی دارد. ناسازگاری در همسران علاوه بر افسردگی، رفتاری خصمانه‌تر و خلقی مضطرب‌تر دارند.^۴

نقش روابط جنسی در سلامت روان نیز از آن جهت است که همسرانی که رضایت جنسی دارند، نسبت به دیگران از سلامت روانی و جسمانی بیشتری برخوردارند. از طرفی جسم و روان بر یکدیگر تأثیرگذار هستند؛ روان سالم و

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. علی احمد پناهی، همسررداری از منظر دین با رویکردی روان‌شناختی، ص ۳۶۰.

۳. شیخ حرّ عاملی، الفصول المهمة فی أصول الأئمة، ج ۳، ص ۲۰۴.

۴. جعفر جدیری، هیجان و رضامندی، ص ۳۲.

شاداب، تأثیر بسزایی در سلامتی جسم دارد. از این رو کامیابی جنسی باعث سلامت جسم و روان انسان می‌شود؛^۱ بنابراین باید توجه داشت سلامتی و رضایتمندی از روابط جنسی زوجین بر سلامت جسمی و روحی روانی همسران بسیار تأثیرگذار است و بر دیگر جنبه‌های روابط زن و شوهر اثر مثبت دارد و سبب رشد و تعالی خانواده می‌شود و به دنبال آن، اثرات مطلوبی در جامعه نیز خواهد گذاشت.

کاهش عزت‌نفس

یکی از عوامل مهم رشد شخصیت انسان، عزت‌نفس بالاست. ازدواج، نقش مهمی در رشد شخصیت انسان دارد. وقتی زن و شوهر همدیگر را دوست داشته و می‌ستایند، همین امر موجب افزایش عزت‌نفس آنان می‌شود. یکی دیگر از عوامل افزایش عزت‌نفس، ارضای نیازهاست. ازدواج، زمینه مناسبی را برای ارضای نیازهای روانی، از جمله نیاز جنسی فراهم می‌کند. تأمین صحیح نیاز جنسی، افزایش عزت‌نفس و احساس ارزشمندی را در پی دارد.^۲

تأمین صحیح نیاز جنسی درون خانواده، نشانگر عواطف لطیف انسانی و تجلی عشق و محبت و البته مورد رضایت الهی است. رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «هرگاه مؤمن به همسر خود روی نماید، دو فرشته او را در پناه گیرند و رابطه آنان چون شمشیر زدن در راه خدا شمرده شود و چون از آن رابطه فارغ شود، گناهان، همچون ریزش برگ درختان، از او فرو ریزند و هنگامی که غسل نماید از گناهان شسته شوند».^۳

شایان ذکر است نیاز جنسی همسران به یکدیگر، منحصر به رابطه زناشویی

۱. علی‌اکبر مظاهری، آداب عشق‌ورزی، ص ۷۴.

۲. علی احمد پناهی، سبک زندگی: همسراری از منظر دین با رویکردی روان‌شناختی، ص ۳۶۱.

۳. ابن حیون، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۹۱.

نیست، بلکه همه بهره‌های دیداری، شنیداری و رفتاری را شامل می‌شود.^۱ هر یک از زن و شوهر وظیفه دارند به نیازهای متنوع یکدیگر پاسخ مناسب دهند. در روایات نیز به این امر اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «لَا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ وَ هِيَ... اسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَ تَوْسِعَتُهُ عَلَيْهَا وَ لَا غِنَى بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ زَوْجِهَا الْمُوَافِقِ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ... وَ الْهَيْئَةُ الْحَسَنَةُ لَهَا فِي عَيْنِهِ؛ در رابطه میان زن و مرد، مرد به سه چیز نیازمند است: ... آراستگی ظاهری در مقابل دیدگان زن، برای به دست آوردن قلب او... و زن نیز به سه چیز بین او و همسر موافقش نیاز دارد: ... ظاهری آراسته در برابر دیدگان شوهر برای اظهار عشق».^۲

نارضایتی زناشویی

از عوامل مهم پایداری در ازدواج، رضایت زناشویی است. رضایت زناشویی وضعی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از ازدواج و خشنودی از یکدیگر را دارند. رضایت زناشویی ابعاد مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین ابعاد آن، رضایت جنسی است.

عدم ارضای به‌موقع و به‌اندازه نیاز جنسی، منجر به احساس ناکامی جنسی می‌شود و بد اخلاقی و ناسازگاری را به وجود می‌آورد و خودآگاه یا ناخودآگاه مودت و صمیمیت را کاهش می‌دهد.^۳ پژوهش‌ها نشان می‌دهد رضایت جنسی عامل مؤثری در بهبود روابط زناشویی است. فعالیت جنسی چنان در رضایت زناشویی مهم است که عدم رضایت جنسی می‌تواند نشانه وجود مشکلات

۱. جمعی از نویسندگان، دانش خانواده و جمعیت، ص ۱۰۷.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۳.

۳. عباس پسندیده، رضایت زناشویی، ص ۱۹۳.

دیگری در ازدواج باشد.^۱

خیانت زناشویی

یکی از انحرافات‌ای که ممکن است در روابط زناشویی به وجود آید، رابطه جنسی خارج از چارچوب خانواده (خیانت زناشویی) است. عوامل مختلفی در این خیانت اثرگذارند. مهم‌ترین عاملی که زمینه خیانت را فراهم می‌سازد، نارضایتی زناشویی است. اگر فردی از زندگی خود رضایت نداشته باشد، به هر دلیل (مانند انتقام گرفتن) ممکن است دست به خیانت بزند.

ناکامی جنسی، یکی از دلایل مهم ایجاد حس نارضایتی زناشویی است. اگر به هر دلیلی نیاز جنسی همسر در خانواده برآورده نشود، به نارضایتی جنسی کشیده می‌شود. شخص اگر از ایمان کافی برخوردار نباشد، برای برآورده شدن نیاز جنسی‌اش به دنبال منبعی خارج از چارچوب خانواده خواهد بود.^۲

امام علی علیه السلام دلیل انحراف جنسی و خیانت زناشویی برخی امت‌های پیشین را رعایت نکردن این امر مهم توسط مردان می‌داند: «زنان بنی اسرائیل از پاکی و خویشنداری به ناپاکی درآمدند و چیزی جز کاستی همسرانشان در آمادگی (زناشویی)، آنان را به این کار و انداشت و زن از تو همان چیزی را می‌خواهد که تو از او می‌خواهی».^۳

تحقیقی درباره ۱۴۷ زن خیابانی مقیم مراکز بازپروری سازمان بهزیستی و یا

۱. بخشایش علی‌رضا و مهناز مرتضوی، «رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین»، فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال ۳، ش (۱۲) ۴، زمستان ۱۳۸۸ ش، ص ۸۰.

۲. عباس پسندیده، رضایت زناشویی، صص ۱۸۵-۱۸۶.

۳. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۸۱.

خارج آن حاکی است، ۷۵/۲ درصد این زنان در طول زندگی مشترک، هیچ‌گونه مهر و محبتی را از همسر خود ندیده بودند.^۱

اساساً یکی از حکمت‌های مهم سفارش به آمیزش جنسی در آموزه‌های دینی، همان عفاف‌افزایی و در امان ماندن از انحرافات جنسی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر کسی با زنی ازدواج کند و دست‌کم چهل روز یک‌بار با او آمیزش نداشته باشد، چنانچه این زن مرتکب بی‌عفتی شود، گناهش بر عهده شوهر است».^۲

رفتارهای نابهنجار

یکی از مواردی که سبب می‌شود همسران نسبت به یکدیگر رفتار نابهنجاری داشته باشند، نارضایتی جنسی است. نارضایتی جنسی، آرام‌آرام روابط زن و شوهر سرد می‌کند. وقتی که دافعه‌های جنسی زیاد شود، به بهانه‌های مختلف، بهانه‌گیری‌ها شروع می‌شود. از پیامدهای نارضایتی جنسی، واکنش خشم و پرخاشگری و عصبانیت در زن و شوهر است. در تحقیقی که به همین منظور انجام شده به این نتیجه رسیدند که اظهار خشم با عدم رضامندی جنسی و ناسازگاری زناشویی ارتباط نزدیکی دارد و اختلال در ارضای میل جنسی بر روند زندگی زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد.^۳

۱. سید کاظم فروتن و محمدحسین اخوان تقوی «بررسی نقش سلامت جنسی در خانواده ایرانی»، ص ۳۱.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۳۹. «مَنْ اتَّخَذَ جَارِيَةً فَلَمْ يَأْتِهَا فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ أَتَتْ مُحَرَّمًا كَانَ وَرُؤْ ذَلِكَ عَلَيْهِ».

۳. سید کاظم فروتن و محمدحسین اخوان تقوی، «نقش سلامت جنسی در خانواده‌های ایرانی»، ص ۳۱.

نابسامانی در تربیت فرزندان

یکی از عوامل ایجاد محبت میان همسران، روابط جنسی سالم و لذت‌بخش است که در سازگاری میان آنان و تربیت فرزندان نقش مهمی دارد؛ زیرا یکی از اصول اساسی تربیت فرزند، روابط صمیمی میان والدین است؛ چه اینکه صمیمیت و سازگاری میان والدین، در اعتمادبه‌نفس فرزندان و شکوفایی استعداد آنان و شادابی‌شان بسیار مؤثر است.

تزلزل پایه‌های زندگی و سستی ارتباط زن و شوهر علل گوناگونی دارد؛ از جمله آن‌ها، محرومیت از کامیابی جنسی سالم و لذت‌بخش است که ممکن است به بهانه‌جویی و ناسازگاری و پرخاشگری زن و شوهر بیانجامد و اثرات نامطلوبی بر روی فرزندان دارد. ذهن فرزند همانند دوربین فیلم‌برداری، تمام رفتارها و برخوردهای پدر و مادر را ضبط می‌کند و این فرآیند در کیفیت رفتارسازی فرزندان بسیار مؤثر است. در همین راستا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «از جمله حقوق فرزند بر پدر این است که پدر در اکرام و احترام مادرش (مادر فرزند که همسرش است) بکوشد و سرزنده و بانشاط با او برخورد کند و از هرگونه اهانت و ناسزاگویی اجتناب ورزد»^۱.

تحقیقات فراوانی بر تأثیر محیط امن و آرام خانه و خانواده بر رشد و تکامل کودکان تأکید دارد. در تحقیقی بر روی جوانان و نوجوانان بزهکار به دست آمد که ناسازگاری والدین و فقدان محبت از علل مهم بزهکاری در این گروه سنی است. بر اساس نتایج این تحقیق ۴۷/۳۸ درصد جوانان بزهکار از محبت لازم از سوی اعضای خانواده محروم بوده‌اند.^۲

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۸.

۲. سید کاظم فروتن و محمدحسین اخوان تقوی، «برسی نقش سلامت جنسی در خانواده ایرانی»، ص ۳۱.

طلاق

معمولاً طلاق پس از گذشت یک دوره اختلال در روابط بین زوجین به وجود می‌آید.^۱ همان‌طور که اسلام بر پیمان مقدس ازدواج و فواید آن تأکید فراوانی دارد، طلاق را نیز امری ناپسند و دارای کراهت شدید می‌داند و تمام کوشش خود را در جهت پرهیز خانواده‌ها از این امر به کار می‌بندد.^۲

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، یکی از دلایل اصلی پدیده طلاق، نارضایتی جنسی همسران است.^۳ در این میان، بیش از ۵۰ درصد طلاق‌ها ناشی از مشکلات و اختلالات جنسی است.^۴

بسیاری از روانشناسان معتقدند نبود روابط جنسی مطلوب بین زوجین، اثرات نامطلوبی به دنبال دارد و امکان دارد با هر اختلاف کوچکی، تعارضات زیادی میانشان به وجود آید و چه‌بسا منجر به طلاق نیز بشود.^۵

۱. حسین باستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۳۹.

۲. همان، ص ۲۴۲.

۳. باشگاه خیرنگاران جوان، ۹۶/۱/۲۷، کد خبر: ۶۰۴۹۲۰۸.

۴. هاجرالسادات قاسمی، «آسیب‌شناسی روابط زوجین»، ص ۳ مجله حور اش ۲۹.

۵. جمعی از نویسندگان، سیمای خانواده در اسلام، ص ۲۱۷.

رسالت مادری در آموزه‌های دینی

دکتر راضیه علی‌اکبری*

اشاره

مادر، مربی انسان و پرورش‌دهنده جامعه است. اوست که می‌تواند جامعه را به سوی سعادت یا شقاوت بکشاند. مادر، با محبتی که نسبت به فرزند دارد در جهت تربیت او همت می‌گمارد. حکمت حبّ و عشق مادر، منحصر به رشد جسمی فرزند نیست، بلکه مقدمه‌ای برای پرورش عاطفی روح فرزند است؛^۱ بنابراین زنان در راستای همان رسالتی ایفای وظیفه می‌کنند که خالق انسان‌ها برای آنان قرار داده است و معمار انقلاب، حضرت امام خمینی علیه السلام آن را به خوبی تبیین کرد و فرمود: «شغل اصلی زن، مادری و همسری است. انبیا آمدند انسان بسازند، شغل مادرها هم همین است». ^۲ از این رو مهم‌ترین نقش زن «رسالت مادری» است و ابعاد شخصیت آینده‌سازان جامعه، توسط مادر و در آغوش گرم

* مدرس دانشگاه و حوزه.

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۷، یادداشت‌ها، صص ۲۹-۳۰.

۲. جایگاه و نقش زن در نظام‌های مختلف از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، صص ۱۴۷-۱۴۸.

و پر مهر او شکل می‌گیرد و پابرجا می‌شود.

در قرآن، راجع به رسالت مادران تأکیدهای فراوانی شده است که اینها همه در ایفای نقش اصلی زن، در پرورش جسمی و روحی فرزند بسیار مؤثر است. مادری، هنر و نقشی است که جز زن هیچ‌کسی نمی‌تواند آن را با این قداست ایفا کند؛ از این رو طبق نظر اسلام: «بهشت زیر گام‌های مادران است». مقاله حاضر به بررسی مهم‌ترین رسالت‌های مادران از دیدگاه قرآن و روایات می‌پردازد که عبارت‌اند از:

توجه به سلامت جسمی کودک

قرآن نهاد خانواده را کانونی برای تربیت^۱ و رشد توانایی‌های جسمی فرزندان می‌شناسد و برای سامان‌یابی ثمربخش، وظیفه کودک‌پروری، نقش مادر را این‌گونه تعیین می‌کند: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِيَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ؛ مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند، (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و بر آن‌کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به‌طور شایسته (در مدت شیر دادن پردازد) - هیچ‌کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست - نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر». ^۲ با توجه به این آیه، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دوره شیردهی بیست و یک ماه است و کمتر از آن، ستم به کودک است». ^۳

۱. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت، ص ۴۹؛ محمدعلی سادات، اخلاق اسلامی، ص ۷.

۲. بقره، آیه ۲۳۳.

۳. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۷۸.

دکتر بنیامین اسپاک روان‌پزشک و متخصص کودکان در آمریکا، عصاره دریافت سال‌ها پژوهش و تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی خود را چنین بازگو می‌کند: «کودکان می‌توانند رشد و تربیت طبیعی داشته باشند. برای رسیدن به این هدف من به نتایجی رسیده‌ام که به‌طور خلاصه از این‌قرار است: ساعتی بعد از تولد نوزاد، فرزند را در اختیار مادر قرار دهند تا او را مدتی لمس کند. تغذیه با شیر مادر باید تشویق شود و تا حد امکان نوزاد، همراه مادر باشد».^۱

بدین‌رو، منظور از رسیدگی به وضع جسمی فرزند، تنها رشد فیزیکی او نیست؛ چراکه بین شیر مادر، شیر خشک، شیر گاو یا شیر زن دیگر به لحاظ وجود محبت مادری و ملازمت و معاشرت مادر با فرزند که هدف و غایتی تکوینی و طبیعی در خود نهفته دارد، تفاوت‌هایی دارد.^۲ مادر، معدن محبتی برای تربیت فرزند است که این محبت در دیگران وجود ندارد.

تربیت عبادی کودک

امام زین‌العابدین علیه‌السلام در رساله حقوق می‌فرماید: «حقّ فرزندان بر تو این است که بدانی او از توست و نیک و بد زندگی و خیر و شرش، وابسته به توست و آگاه باشی که در حوزه سرپرستی وی، مسئول ادب و تربیت سالم او هستی و وظیفه داری که او را به پروردگارش راهنمایی کنی و در اطاعت از فرمان‌های الهی یاری‌اش نمایی.»^۳ از این عبارت برمی‌آید یکی از رسالت‌های مادر، تربیت دینی و عبادی کودک است. تربیت دینی «مجموعه‌ای است از اعمال عمدی و هدف‌دار، به‌منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر؛ به‌نحوی که آن

۱. بنیامین اسپاک، تغذیه، تربیت و نگهداری کودک، ترجمه احمد میرعبادینی، ص ۵۴۴.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار؛ یادداشت‌ها، ج ۷، ص ۲۷.

۳. حسین انصاریان، دیار عاشقان، ج ۵، ص ۴۴۵.

افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند.^۱ یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی در دوره کودکی، تربیت عبادی است. این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی و ایجاد زمینه ارتباط با خداوند است، بسیار مورد تأکید پیشوایان دینی علیهم‌السلام است. تربیت عبادی را آموزش عبادات به مترین و متعهد کردن آنان به انجام آن‌ها تعریف می‌کنند. به‌طورکلی، تربیت عبادی بُعدی از تربیت دینی است که مادر، کودک را با اعمال و تکالیف عبادی آشنا و او را با انگیزه راسخ، به انجام آن مکلف می‌کند.

مهم‌ترین اقدامات تربیتی مادر برای آماده‌سازی کودک جهت گرایش به معنویت، با وضو شیر دادن است؛ زیرا وضو به‌عنوان مقدمه نماز، نه‌تنها سبب تطهیر جسم از آلودگی‌هاست، تطهیر روح را نیز در برمی‌گیرد. این طهارت جسم و روح که با وضو حاصل می‌شود، تأثیر روانی در روحیه کودک دارد. اگر مادر هنگام شیر دادن کودک با وضو باشد، این اقدام باعث آزادسازی روح کودک و ایجاد رابطه معنوی او با خدا می‌شود.^۳

به‌جز از مسئله شیردهی، باید از دوره طفولیت، آمادگی‌های لازم برای انجام اعمال عبادی (نماز، روزه) را در کودکان ایجاد کرد؛ چنانچه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «نماز را در هفت‌سالگی به فرزندانمان تعلیم دهید».^۴ نظیر همین سخن از امام علی علیه‌السلام روایت شده است: «از هفت‌سالگی فرزندانمان را به نماز

۱. محمد داوودی، سیره تربیتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۲۶.

۲. همان، ص ۱۱۱.

۳. علی‌نقی فقیهی، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز در دوره‌های کودکی، نوجوانی و جوانی، ص ۳۲.

۴. متقی‌هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۱، ح ۴۵۳۳۰.

امر کنید». ^۱ همسر امام خمینی علیه السلام نقل می‌کند امام از هفت‌سالگی در تربیت دینی دقت داشتند و می‌گفتند: «بچه‌ها از هفت‌سالگی نماز بخوانند. بچه‌ها را وادار به نماز کن تا وقتی نه‌ساله شدند، عادت کرده باشند». ^۲

تربیت اخلاقی کودک

اگر فضای حاکم بر زندگی کودک، فضای معنوی و آکنده از توجه به خدا باشد، کودکی که در آن فضا رشد می‌کند، انسانی باایمان و بااخلاق خواهد بود؛ زیرا محیط خانه نخستین مدرسه‌ای است که کودک در آن آموزش می‌بیند و تمام عوامل موجود در آن محیط، بر روح و روان و رفتار وی اثر می‌گذارد. اساس روحیه دین‌پذیری و کسب فضایل اخلاقی توسط فرزند درون خانه شکل می‌گیرد. ^۳ در این زمینه امام راحل علیه السلام فرمود: «مادر بودن و اولاد تربیت کردن، بزرگ‌ترین خدمت است. اشرف کارها در عالم، مادر بودن است و تربیت اولاد». ^۴

«دامن مادرها دامنی است که باید از آن «انسان» درست بشود؛ یعنی اولین مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر و برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایق هست، بچه‌ها از مادر بهتر مسائل را اخذ می‌کنند. آن قدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، بچه محبت مادری لازم دارد. این شغل، شغل انبیاست و انبیا هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند». ^۵ «مادرها

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۸.

۲. سید روح‌الله خمینی، امام در سنگر نماز، دفتر ۷، ص ۱۰۴.

۳. ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ص ۱۶۴.

۴. سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۴۶.

۵. همان، ج ۸، صص ۹۰-۹۱.

مسئولیت دارند نسبت به فرزندان خود و نسبت به کشور خود. مادرها می‌توانند بچه‌هایی تربیت کنند که یک کشور را آباد کنند و از انبیا و آمال انبیا حفاظت کنند. مادر، هم باید خودش حافظ باشد و هم نگهبان درست کند. مادر، نگهبان اولاد است و آن‌ها را تربیت می‌کند. منزل مادر، منزل علماست؛ و منزل تربیت علمی، تربیت دینی و تهذیب اخلاق است. مادرها بیشتر مسئول هستند و اشرف هستند. شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر و تأثیر مادر در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است»^۱.

توجه به سلامت روحی کودک

قرآن کریم یکی از مهم‌ترین وظایف پیامبران را در مسیر انجام رسالتشان، رسیدگی به اوضاع روحی مردم و ایفای نقش تربیتی و مربی‌گری معرفی می‌کند.^۲ این وظیفه والا بر عهده والدین، بالأخص مادران نیز قرار دارد و بدین جهت است که خداوند در آخرین کتاب آسمانی‌اش در موارد متعددی، مادران را ستایش می‌کند و از این طریق یادآور این ویژگی می‌شود: «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا؛ و در برابرشان از روی رحمت و مهربانی فروتن باش! و [در دعایت] بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد مهر و رحمت قرار ده».^۳

مهم‌ترین مواردی که قرآن به نقش قابل‌تحسین مادران پرداخته، مواردی است که به جنبه مربی‌گری آنان نظر داشته است. انتخاب عنوان «تربیت» گذشته از شمول آن بر همه فعالیت‌های کودک‌پروری مادر، بیانگر آن است که از یک‌سو،

۱. همان، ج ۷، ص ۵۰۴.

۲. جمعه، آیه ۲.

۳. اسراء، آیه ۲۴.

تمامی اعمال و رفتار مادر در سلامت روحی فرزند تأثیر تربیتی دارد و از سوی دیگر، تربیت ستوده و بایسته مادر بوده که چنین فرزند خداجو پرورده شده است. سلامت روحی از دیدگاه اسلام و قرآن اهمیت بسیاری دارد و از آغاز زندگی فرزند باید بدان توجه شود. در این راستا، رسالت مادر از دوران پیش از تولد و پس از آن آغاز می‌شود و دوران کودکی، نوجوانی و جوانی را نیز در برمی‌گیرد. برخی گمان می‌کنند شروع نقش آفرینی مادر در سلامت روحی فرزند، از زمانی است که طفل تا حدی قادر به تشخیص مصالح و مفاسد امور باشد؛ اما از نظر اسلام، اثرگذاری تربیتی مادر به دوران بارداری و حتی قبل از انعقاد نطفه مربوط می‌شود و دوران بارداری در سلامت کودک بسیار دخیل است.^۱

کودک ماه‌ها در رحم مادر با جسم و روح او ارتباط تنگاتنگ برقرار می‌کند، پس از آن نیز تا مدت‌ها برای رشد و ادامه حیات، نیاز به مادر دارد و طول می‌کشد تا بتواند به‌تنهایی نیازهای خود را برطرف کند. تمام این امور صبر و حوصله سرشاری می‌طلبد که خداوند به مادر بخشیده تا فرزندانش به‌سوی کمال پیش بروند. در این وابستگی و احتیاج کودک به مادر، حکمتی نهفته است تا کودک، پیوسته با مادر در ارتباط باشد و تحت تربیت او بزرگ شود و به کمال برسد.^۲

طفلی که قدم به این دنیا می‌گذارد، این حق را دارد که در کنار مادر از سلامت روحی برخوردار باشد و از مهر و محبت مادرانه بهره‌مند شود. هرگاه گریه کرد مادر به او جواب بدهد و او را در آغوش بکشد تا در گرمای وجود مادر بیارامد یا شیر بنوشد.

۱. حسین مظاهری، تربیت فرزند از نظر اسلام، صص ۲۳ و ۶.

۲. زهرا آیت‌اللهی، زن و خانواده، ج ۳، صص ۱۸-۱۹.

اگر به درخواست‌های کودک کم‌توجهی شود و پاسخ مناسب به واکنش‌های او داده نشود، در آینده از ثبات شخصیتی مطلوبی برخوردار نخواهد بود و به ناسازگاری اخلاقی روی خواهد آورد.^۱ وجود مادر در کنار فرزند سبب به وجود آمدن احساس اعتماد نسبت به اطرافیان می‌شود. این احساس برای کودک بسیار مفید است و باعث می‌گردد تا بهتر بتواند شکست‌ها و ناکامی‌های زندگی را تحمل کند.^۲

اگر کودک در محیط خانه و در بین افراد خانواده از رابطه عاطفی مناسبی برخوردار نباشد، نمی‌تواند آن‌گونه که باید به آموزش محیط پیرامون خود پردازد تا بتواند استعداد‌های خود را ظاهر سازد. تجربه نشان داده است کودکانی که در شیرخوارگاه‌ها بزرگ شده‌اند، نمی‌توانند رابطه صمیمانه‌ای با دیگران برقرار کنند.^۳ زندگی کودک به خصوص دو سال نخست آن، دورانی سرنوشت‌ساز است؛ زیرا شخصیت کودک هنوز شکل نگرفته و برای پذیرفتن هر صورت و شکلی آماده است؛^۴ پس وظیفه هر مادری است که از این ویژگی انعطاف‌پذیری بهره‌بردار و به تربیت شایسته کودک خود اقدام کند.^۵

شایان‌ذکر است که رسالت مادر، منحصر به دوران کودکی نیست، بلکه تربیت مادر در دوران نوجوانی هم بسیار مؤثر است. همدلی و ایجاد ارتباط دوستانه، راهی است برای جلوگیری از روی آوردن نوجوانان و جوانان به انحراف، جرم و

۱. رضا فرهادیان، والدین و مربیان مسئول، ص ۱۵.

۲. زهرا درویزه، «بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران»، فصلنامه مطالعات زنان، سال اول، زمستان ۱۳۸۲، ش ۳، صص ۳۳-۳۵.

۳. همان.

۴. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۱، ص ۱۲۶.

۵. حسین مظاهری، هشدارهای تربیتی، ص ۱۹۱.

بزهکاری. مادر به‌عنوان کسی که رابطهٔ مستقیمی با فرزندان خود دارد و سرپرستی خانه با اوست، می‌تواند این رابطهٔ دوستانه را با فرزندان خود برقرار کند. مادرانی که با مهربانی و محبت به نیازهای عاطفی دختر و پسر خود پاسخ می‌دهند، زمینه‌ساز به وجود آمدن اعتمادبه‌نفس و استقلال در فرزندانشان می‌شوند.^۱

مادران سرمشق و الگوی فرزندان و شکل‌دهندهٔ روح و شخصیت آنان‌اند. مادرانی که دچار بیماری از خودبیگانگی هستند، فرزندانی همانند خود تربیت می‌کنند. مادرانی که در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که دختر و زن، مورد تحقیر واقع شده‌اند، فرزندانی تربیت می‌کنند که آن‌ها نیز دچار عقدهٔ حقارت می‌شوند و نتیجهٔ این احساس حقارت این است که وقتی دختر به سن بلوغ می‌رسد در برخورد با جنس مخالف رفتار و حرکات نامناسبی از خود بروز می‌دهد و زیبایی‌های خود را در اجتماع عرضه می‌کند تا مرهمی بر روح بیمار و جبران‌کنندهٔ عقده درونی‌اش باشد. پسران نیز در چنین خانواده‌هایی بینشی نادرست نسبت به زن پیدا می‌کنند و نسبت به زنان دیگر و همسران خود ستمکار می‌شوند.^۲

مادران باید این نکته را به یاد داشته باشند که هر یک از دختران و پسران، تربیت متفاوتی را می‌طلبند؛ زیرا هرکدام از دختر و پسر، باید در آینده نقش خاصی را در خانواده و اجتماع ایفا کنند؛ بنابراین به‌مرور زمان و با رعایت شرایط، نکاتی را که فرزندان در زندگی آینده به آن نیاز دارند، به آن‌ها بیاموزند.^۳

۱. زهرا درویزه، «بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات

رفتاری دختران شهر تهران»، فصلنامه مطالعات زنان، ش ۳، صص ۳۱-۳۲.

۲. محمدعلی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۱، ص ۸۱.

۳. معصومه حیدری، آداب رفتار با دختران، ص ۹.

نمونه‌هایی از تأثیر تربیتی مادر

• در قرآن کریم، به موارد متعددی اشاره شده است که کودکان و نونهالان، تربیت عبادی را از مادران خود به ارث برده و عبادت را در عمل از آنان آموخته‌اند. «حَنَّة»^۱ همسر عمران و مادر مریم علیها السلام، از مادرانی است که پیش از ولادت فرزندش، با عبادت، توسل و دعا از خداوند فرزندی خواست و نذر کرد که فرزندش در راه خدا و در عبادتگاه، خدمت‌گزار بندگان مؤمن باشد و دعا کرد: «رَبِّ اِنِّی نَذَرْتُ لَكَ مَا فِی بَطْنِی مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّی اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ؛ خداوند! آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم که محرّر [و آزاد برای خدمت به خانه تو] باشد. آن را از من بپذیر که تو شنوا و دانایی». ^۲ وقتی فرزند به دنیا آمد، او را مریم علیها السلام نامید و از پروردگار درخواست کرد او و ذریه‌اش را از وسوسه‌های شیطان نگاه دارد. خداوند نیز مریم علیها السلام را به نیکویی پذیرفت و نهال وجودش را پرورش داد. ^۳

• حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز تأثیر بسیاری در تربیت دینی، عبادی و اخلاقی فرزندان داشت؛ چنانچه نقل شده است آن حضرت بچه‌ها را برای بهره‌مند شدن از فضیلت شب‌های قدر بیدار نگه می‌داشت. همچنین نقل شده است پس از رحلت پدر بزرگوارش، به‌منظور حفظ نام و یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت حمزه و شهدای احد، حسنین علیهما السلام را به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، مزار شهدای احد در بقیع و مزار حمزه در دامنه کوه احد می‌برد. آن حضرت علیها السلام در روزهای پایانی عمر گرمی‌اش و در حضور فرزندان، برای همسایه‌ها دعا می‌کرد. بدون شک، تمام این مسائل در تربیت فرزندان تأثیر مستقیم دارد. ^۴

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۲۸۷.

۲. آل عمران، آیه ۳۵.

۳. آل عمران، آیات ۳۶ و ۳۷.

۴. محمدجواد مروجی طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

• شیخ مرتضی انصاری رحمته‌الله، از دانشمندان بزرگ شیعه، وقتی پس از سال‌ها تحصیل و کوشش، به مقام اجتهاد رسید، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند. مادر گفت: «با زحمتی که من برای تربیت فرزندم کشیدم و همیشه با وضو شیرش دادم، اگر به مقام نبوت هم می‌رسید، تعجب نمی‌کردم».^۱ خود شیخ نیز اعتراف می‌نمود: «تربیت صحیح و زحمت‌های فراوان مادر بود که مرا به اینجا رسانید».^۲

• روزی به مرحوم شیخ فضل‌الله نوری گفتند پسر شما خیلی لابلالی است و علیه شما کار می‌کند. شیخ فرمود: «این پسر در نجف به دنیا آمد و مادرش شیر نداشت؛ از این رو برای او دایه گرفتیم. پس از مدتی، متوجه شدیم که آن زن، بسیار لابلالی و بی‌عفت است و کینه حضرت علی علیه‌السلام را به دل دارد. از همان وقت دریافتیم که سعادت‌مند شدن این پسر، کاری است بسیار مشکل».^۳

• از مادر آیت‌الله شیخ جعفر شوشتری رحمته‌الله سؤال شد: به داشتن چنین فرزندی دل خوشی؟ گفت: نه! چون در مدت شیردهی‌اش، برای یک‌بار هم او را بدون وضو شیر ندادم. آرزویم بود که او همچون امام جعفر صادق علیه‌السلام شود، ولی جعفر شوشتری شد.^۴

• زمانی که مرحوم علامه مجلسی دوم هفت‌ساله بود، با سوزن، مشک سقایی را سوراخ کرد. وقتی پدرش موضوع را فهمید، ناراحت شد و ماجرا را برای همسرش بازگو کرد. مادر یادش آمد هنگامی که باردار بود، سوزنی درون انار خانه همسایه فرو کرده و اندکی از آب آن را مکیده است. بدین ترتیب، آب انارِ غصبی همسایه، اثر خود را گذاشت و علامه در هفت‌سالگی، سوزن در مشک

۱. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲. محمدعلی کریمی‌نیا، الگوهای تربیت اجتماعی، ص ۳۶.

۳. همان، ص ۴۱.

۴. حسین انصاریان، دیار عاشقان، ص ۴۴۰.

سقا فرو کرد.^۱

• حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) درباره مادر بزرگوارشان می فرماید: «ما وقتی بچه بودیم، همه می نشستیم و مادرم قرآن می خواند و برایمان به مناسبت، آیه‌هایی در مورد زندگی پیامبران علیهم‌السلام می گفت. من خودم اولین بار، زندگی حضرت موسی علیه‌السلام، زندگی حضرت ابراهیم علیه‌السلام و بعضی پیامبران دیگر را از مادرم شنیدم».^۲

نتیجه گیری

تبیین رسالت مادر، روحیه فرزند دوستی را در مادر تقویت می کند. از جمله کارهایی که می توان در تقویت این رسالت انجام داد، توجه به این مسئله است که مادران در حقیقت، الگوی فرزندان هستند و فرزند بیشترین الگو را از مادر می پذیرد. توجه به مسائلی از قبیل مسائل دوران بارداری و شیردهی مادر و همچنین تغذیه حلال و مناسب مادر مهم است و مادران باید بدانند آغاز تربیت فرزند، از همان دوران طفولیت و بلکه پیش از تولد کودک است؛ بنابراین میزان تأثیر مادر در تربیت صحیح دینی و اخلاقی فرزند و راهکارهای تربیت معنوی از قبیل نحوه آموزش عبادات (نماز، روزه و تلاوت قرآن کریم)، تأکید بر هم نشینی بانیکان و حضور کودکان در محافل دینی حائز اهمیت است.

۱. حسین مظاهری، تربیت فرزند از نظر اسلام، ص ۶۸.

۲. سایت آیت الله خامنه‌ای: www.farsi.khamenei.ir/memory-content?id=26142.

آسیب‌شناسی نگرش زنان نسبت به فرزندآوری

حجت‌الاسلام والمسلمین سلمان قاسمی*

اشاره

نگرش، ترکیبی از باورها، عواطف و اهداف رفتاری است که باعث شکل‌گیری تمایل نسبتاً پایدار در فرد نسبت به شخص، شیء یا رویداد می‌شود و اثراتش را در احساس و رفتار فرد نمایان می‌سازد.^۱ به عبارتی نگرش، «مکانیسم پنهانی» است که رفتار را هدایت می‌کند؛^۲ از این رو می‌توان با مطالعه نگرش افراد در موضوعات مختلف، رفتار آنان را پیش‌بینی یا مدیریت نمود.

امروزه با تغییر و تحولات به وجود آمده در سبک زندگی، اثرات نامطلوبی را در نوع نگاه افراد به موضوعات گوناگون زندگی شاهد هستیم؛ بی‌رغبتی و کم‌رغبتی زنان امروزی به فرزندآوری از آن جمله است.

نوع نگاه آموزه‌های اسلامی به فرزندآوری، نشان‌دهنده جایگاه والای این موضوع در فرهنگ اسلامی است. قرآن کریم، فرزندان را زینت زندگی دنیا،^۳ روشنی

* کارشناس ارشد روانشناسی.

۱. آرزین قلی پور، مدیریت رفتار سازمانی، ص ۱۰۸.
۲. یوسف کریمی، نگرش و تغییر نگرش، ص ۱۶۲.
۳. «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا». (کهف، آیه ۴۶).

چشم والدین،^۱ اسباب غلبه بر دشمنان^۲ و وسیله آزمایش^۳ معرفی کرده است. در روایات کودکان، برکت خانه‌اند^۴ و فرزند صالح یکی از نشانه‌های خوشبختی مرد شمرده شده^۵ و کثرت فرزندان مسلمانان مایه مباهات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز قیامت است.^۶ در ورای این توجه حکیمانه، اسرار بی‌شماری نهفته است که بی‌توجهی یا کم‌توجهی به آن، جامعه اسلامی را با معضلاتی مواجه خواهد کرد. با نگاهی گذرا به آمارهای مرتبط و رفتار روزمره مردم در سطح جامعه و نوع نگرش افراد خصوصاً زنان جوان به فرزندآوری، غفلتی فراگیر را از جانب مردم و برخی مسئولین شاهد هستیم که می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور، بحران‌ساز باشد.

ایران با کسب رتبه ۲۵، پایین‌ترین نرخ باروری^۷ را در بین ۲۶ کشور منطقه دارد!^۸ زنان ایرانی در فرزندآوری رتبه ۱۴۴ را دارند، درحالی‌که رژیم اشغالگر قدس با رتبه ۷۵، آفریقای جنوبی ۹۷، برزیل ۱۰۶، ترکیه ۱۱۰، فرانسه ۱۱۸، آمریکا ۱۲۲ و انگلیس ۱۳۷ در مکان‌های بالاتر از ایران قرار می‌گیرند.^۹

۱. «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ذُرِّيَّتًا قُرَّةَ أَعْيُنٍ». (فرقان، آیه ۷۴).

۲. «وَ أَمْدُدْ نَاكِم بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا». (اسراء، آیه ۶).

۳. «أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ». (انفال، آیه ۲۸).

۴. متقی هندی، کنز العمال، ج ۲۵، ص ۴۴۴.

۵. «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ يَكُونُ لَهُ وَوَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ». (شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۵۷).

۶. تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ. (ابوالقاسم پاینده،

نهج الفصاحه، ص ۳۹۱).

۷. نرخ باروری به متوسط تعداد نوزادانی می‌گویند که هر زن در سن باروری به دنیا می‌آورد. طبق

تعاریف بین‌المللی، زنان ۱۵ تا ۴۹ سال هر جامعه‌ای، زنان در سن باروری محسوب می‌شوند.

۸. سایت وزارت کشور، علی‌اکبر محزون، مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت

سازمان ثبت‌احوال کشور، www.moi.ir

۹. سایت مشرق، ۱۳۹۱/۵/۵، کد خبر ۱۳۵۰۰۲.

در علم جمعیت‌شناسی، کمترین نرخ باروری که ضامن بقای خانواده و جامعه است، ۲/۱ (دو و یک‌دهم) فرزند به ازای هر زن است که از آن به‌عنوان نرخ جانشینی نام می‌برند. به زبان ساده‌تر، وقتی در قبال هر پدر و مادری دو فرزند وجود داشته باشد، این دو فرزند جانشین پدر و مادر محسوب می‌شوند. یک‌دهم اضافه هم برای مرگ‌ومیرهای غیرطبیعی در نظر گرفته می‌شود. در این شرایط، جمعیت طی دو نسل تثبیت می‌شود. شواهد و قرائن جمعیت‌شناختی، بیانگر اُفت شدید باروری زنان ایرانی در دو دهه اخیر است.^۱

برخی نظریه‌ها درباره فرزندآوری

۱. نظریه تحلیل اقتصادی

برخی محققان نوع نگاه خانواده‌ها به فرزندآوری را تابع رفتار اقتصادی آن‌ها می‌دانند. در این دیدگاه، فرزند به‌عنوان کالایی مصرفی در نظر گرفته می‌شود که تصاحب آن مستلزم صرف پول و زمان از سوی والدین است.^۲ به عبارتی والدین، شادی و لذت پدر و مادر بودن و رهایی از تنهایی را به‌عنوان کالایی مصرفی در قالب فرزندآوری تهیه می‌کنند و در ازای آن هزینه‌ها و خطرهای مربوط به آن را می‌پذیرند. بر اساس این دیدگاه، از آنجایی که امروزه هزینه‌های پیدا و پنهان فرزندآوری و فرزندپروری بسیار زیاد و غالباً پیش‌بینی نشده است، والدین به آن نگاهی ملاحظه‌کارانه و در پاره‌ای از موارد منفی دارند.

۲. نظریه نوگرایی

بر اساس این دیدگاه، امروزه تحولات اقتصادی - اجتماعی ناشی از شهرنشینی،

۱. محمود مشفق و همکاران، «لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۴، ش ۵۵، ۱۳۹۱ ش.

۲. ندا رضوی‌زاده و دیگران، «زمینه‌های کم‌فرزندطلبی و تأخیر در فرزندآوری»، راهبرد فرهنگ، ش ۳۱، پاییز ۱۳۹۴ ش، صص ۷۳ - ۹۸.

صنعتی شدن و دیگر اشکال مدرنیزاسیون مانند افزایش سطح تحصیلات، گسترش ارتباطات، کاهش مرگ‌ومیر کودکان و اشتغال زنان عامل اصلی این نگاه به فرزندآوری است.^۱ این بدان معناست که نگرش موجود به پدیده فرزندآوری کاملاً طبیعی است و نباید بحران محسوب شود.

۳. نظریه برابری جنسیتی

در این دیدگاه، اعتقاد بر این است که جامعه و نهادهای اجتماعی زن را بدون در نظر گرفتن نقش همسری، مادری، عضو خانواده بودن و دیگر نقش‌های خانوادگی‌اش به‌عنوان یک «فرد» در نظر می‌گیرند. بر مبنای این نظریه و نظریه‌های فمینیستی، زنان ترجیح می‌دهند موقعیتی برابر با مردان به دست آورند.

از آنجایی که فرزندآوری و فرزندپروری موقعیت اجتماعی زنان را به خطر می‌اندازد، نوع نگاه زنان نسبت به آن دستخوش دگرگونی شده است.^۲ تا جایی که تهدیدی بالقوه برای موقعیت اجتماعی آنان به شمار می‌آید.

۴. نظریه انتخاب عقلانی

طبق این نظریه، افراد در چارچوب باورهایشان برای رسیدن به اهداف شخصی خود، گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که سودش بیشتر از ضررش است؛ بنابراین در صورتی که فرزندآوری هزینه‌های قابل توجه اقتصادی و اجتماعی برای والدین به همراه داشته باشد، از آن خودداری می‌کنند یا کمتر به سراغ آن می‌روند. بر اساس این دیدگاه، رفتار باروری ناشی از یک رفتار اقتصادی - عقلانی

۱. سید علی‌رضا افشانی و دیگران، «نقش مردان در تنظیم خانواده و کنترل باروری در شهر یزد»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۳۸۶ش، صص ۲۹ - ۵۱.

۲. محسن ابراهیم پور و صفیه عبادی، «تفاوت‌ها و ترجیحات نسلی در فرزندآوری؛ مطالعه موردی شهر ساری»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۳۹۰ش، صص ۵۵ - ۷۸.

است.^۱ این دیدگاه که به «تئوری ارزش کودکان» نیز معروف است، رفتار باروری را یک تصمیم هدفمند برای پاسخ‌گویی به نیازهای والدین می‌داند. زمینه‌ها و اعتقادات شخصی، ارزش‌های فردی و هنجارهای اجتماعی از عوامل تصمیم‌ساز در این دیدگاه محسوب می‌شوند که از نیازهای روانی، اقتصادی، اجتماعی گرفته تا افزایش قدرت و جاهت اجتماعی والدین را دربر می‌گیرد. به نظر می‌رسد با توجه به نقش مؤثر باورها و ارزش‌های دینی در جامعه اسلامی، دیدگاهی که می‌تواند نگرش زنان به فرزندآوری را تا حد زیادی تبیین نماید، دیدگاه اخیر، یعنی انتخاب عقلانی است. در ادامه با توجه به همین دیدگاه به تحلیل زمینه‌ها و عوامل مرتبط با نگرش زنان به موضوع فرزندآوری می‌پردازیم.

زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر نگرش زنان به فرزندآوری

متولیان امر، مشکلات اقتصادی، هزینه‌های بالای زندگی، نگرانی‌های تربیتی، اشتغال و تحصیل زنان، فردگرایی والدین، تجمل‌گرایی، توجه افراطی به زیبایی، سستی و تنبلی را از دلایل تغییر نگرش زنان در خصوص فرزندآوری بیان می‌کنند. در مجموع می‌توان زمینه‌ها، دغدغه‌ها و عوامل مؤثر بر نوع نگاه افراد به فرزندآوری - خصوصاً در میان زنان جوان - را در سه محور کلی؛ فردی، خانوادگی و اجتماعی سیاسی دسته‌بندی کرد.

محور اول) فردی

آسایش طلبی والدین

برخی با استناد به روایاتی مانند «قِلَّةُ الْعِيَالِ أَحَدُ الْيُسَارِينِ؛ کمی زن و فرزند یکی

۱. حاتم حسینی، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، ص ۵۱.

از دو آسایش است»^۱ ادعا می‌کنند دین در خصوص افزایش جمعیت توصیه‌ای ندارد؛ غافل از اینکه، اصالت بخشیدن به رفاه و آن را مقصد و هدف غایی زندگی قرار دادن، نه تنها با فرزندآوری بلکه با بسیاری از تکالیف دینی نیز مغایرت دارد. جالب اینکه رنج و سختی تناسب بیشتری با تکالیف دینی دارد. در روایتی آمده است: «بهترین اعمال، دشوارترین آن‌هاست»^۲. ثانیاً، اگرچه فرزندآوری تا حدودی - کم یا زیاد - مانع آسایش و راحتی است؛ آیا خانواده‌های بی‌فرزند در آسایش و راحتی کامل‌اند؟

خداوند متعال در بیست و سومین آیه سوره بلد، خلقت انسان را در رنج و سختی می‌داند.^۳ علامه طباطبایی^{رحمه‌الله} در تفسیر این آیه می‌فرماید: «تعبیر خلقت انسان در کبده به ما می‌فهماند رنج و مشقت از هر سو و در تمامی شئون حیات بر انسان احاطه دارد و این معنا بر هیچ خردمندی پوشیده نیست که انسان در پی به دست آوردن هیچ نعمتی بر نمی‌آید، مگر آنکه می‌خواهد خالص از هر نعمت و دردسر باشد، ولی هیچ نعمتی نیست مگر آمیخته با ناملازمات و مقرون با جرعه‌های اندوه»^۴.

دغدغه صلاحیت پدر و مادر

شایستگی برای پدر یا مادر شدن، دغدغه‌ای مسئولانه و بجاست. خودسازی روحی و روانی در حد دوری از صفات زشت و بالا بردن آستانه تحمل برای روبه‌رو شدن با سختی‌های زندگی مشترک و همچنین خودسازی اقتصادی

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۶. در روایت، آسایش دوم، کار کردن بیشتر معرفی شده است.

۲. «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا». (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱).

۳. بلد، آیه ۴.

۴. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲۰، ص ۴۸۹.

به منظور پاک نگه داشتن مال تا اینکه نطفه و نیز تغذیه مادر هنگام بارداری و شیردهی از مال حرام نباشد، مسئله‌ای ضروری است.^۱ امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِيِّنُ فِي الدُّرِّيَّةِ؛ مال حرام، خود را در فرزند نشان می‌دهد».^۲

جالب اینکه وجود فرزندان، خود زمینه‌ساز رشد، تربیت و تعالی والدین است. در حقیقت همان‌طور که ما کودکان را تربیت می‌کنیم، کودکان نیز ما را تربیت می‌کنند. شهید مطهری رحمته الله می‌فرماید: «یک پختگی هست که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود، در مدرسه پیدا نمی‌شود، در جهاد با نفس پیدا نمی‌شود، با نماز شب پیدا نمی‌شود ... عامل تشکیل خانواده، عاملی است که جانشین نمی‌پذیرد».^۳

محدودیت‌های فرزندآوری

امروزه برخی زنان، هویت زنانه خود را در جایی خارج از خانه جستجو می‌کنند. این مسئله نیز یکی از وجوه تغییر در سبک زندگی است که برای بسیاری از زنان هم‌اوردطلبی در صحنه‌های مردانه، جایگاه و ارزش زیادی پیدا کرده است. بهترین اقدام اولاً تقویت باور و انگیزه‌های پایه در مورد فرزندآوری و نقش محوری زن و خانواده در رشد و تعالی جامعه است تا زنان از هویت زنانه خود لذت ببرند و رضایت بیشتری داشته باشند. ثانیاً با مدیریت زمان و همکاری بیشتر پدران و نیز ارتقای مهارت‌های زندگی همسران، زنان هم در کنار فرزندآوری بتوانند از توانمندی خود در عرصه‌های گوناگون اجتماعی برخوردار شوند.

۱. محسن عباسی ولدی، تا ساحل آرامش، ج ۵، ص ۱۲۴.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۵.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۷۷۸.

زیبایی‌طلبی

برخی از زنان، گاهی چنان در ظاهر و زیبایی خود غرق می‌شوند، گویا آنان نیستند که بدن خود را مدیریت می‌کنند، بلکه بدن آنان و زندگی‌شان را مدیریت می‌کند تا جایی که شماری از زنان به بهانه از بین رفتن زیبایی بدن، حاضر به فرزندآوری نیستند. حال آنکه توجه بیش از حد به جاذبه‌های ظاهری و اندام، غفلت از عوارض جسمی و روانی بی‌فرزندگی یا کم‌فرزندگی را در بلندمدت به دنبال دارد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد شیردهی خطر ابتلای زنان به سرطان پستان را کاهش می‌دهد.^۱ همچنین میزان شیوع فوبیا،^۲ افسردگی، حساسیت بین‌فردی، و سواس، روان‌پریشی و اضطراب در زنان نابارور بیش از زنان بارور بوده است.^۳ بارداری رویدادی است که در خودباوری و احساس ارزشمندی و توانمندی زن نقش بسزایی دارد. افزایش احساس مسئولیت، کشف توانمندی‌های ناشناخته و خودشناسی از دیگر دستاوردهای دوران بارداری و فرزندپروری است.

محور دوم) خانوادگی

وظایف پدرانه و فرزندآوری

در گذشته، انتظار چندانی از مردان برای کمک به امور خانه و فرزندان وجود نداشت و به خاطر تمرکز زنان در خانه و وظایف مادرانه و نیز بافت سنتی

-
۱. نسیم روح‌پرور زاده و دیگران، «شیوع عوامل خطر سرطان پستان در زنان ۲۰ تا ۶۹ ساله در اصفهان»، فصلنامه بیماری‌های پستان ایران، سال هفتم، ش اول، بهار ۹۳، صص ۵۲-۶۱.
 ۲. ترس بیمارگونه و پایدار با ریشه ای مبهم.
 ۳. مجله خانه خوبان، ویژه‌نامه جمعیت، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ص ۵۵.

خانواده‌ها، تربیت فرزندان با مشکلات کمتری مواجه بود؛ اما امروزه با تغییر نگاه زنان به فرزندآوری، زنان خواهان مشارکت بیشتر مردان در خانه هستند. امروزه ضرورت دارد مردان با انعطاف‌پذیری بیشتر و فراگیری مهارت‌های مورد نیاز زندگی، مشارکت بیشتری در این امر داشته باشند.

دغدغه‌های اقتصادی

نگرانی درباره تأمین مالی و رفاهی فرزندان، کاملاً معقول و پذیرفتنی است؛ ریشه در مسئولیت‌پذیری والدین دارد. جالب اینجاست کسانی که وضعیت مالی مناسب و درآمد بالایی دارند، دارای فرزندان کمتری هستند؛ پس بین وضعیت اقتصادی و فرزندآوری رابطه مستقیمی وجود ندارد. روزگاری کار و تلاش، رزق حلال و قناعت با ارزش بود، ولی امروزه راحت‌طلبی در کنار مصرف‌گرایی ارزشمند شمرده می‌شود.

با این نگاه، فرزندآوری سخت و وقت‌گیر ارزیابی می‌شود و رغبت به آن کم و کمتر می‌گردد. این درحالی است که هریک از ما وظیفه‌ای داریم و خداوند متعال از ما «تلاش» برای کسب روزی را خواسته و خود، رزق مخلوقاتش را تضمین نموده است.^۱

بکر بن صالح می‌گوید: در نامه‌ای به امام موسی کاظم علیه السلام نوشتم پنج سال است که از آمدن فرزند جلوگیری می‌کنم؛ زیرا همسرم از فرزنددار شدن کراهت دارد و می‌گوید چون فقیر هستیم، تربیت فرزندان برای ما سخت خواهد بود. حضرت در پاسخ چنین نوشت: «به دنبال فرزند باش؛ زیرا خداوند عزوجل روزی فرزندان را می‌دهد».^۲

۱. انعام، آیه ۱۵۱.

۲. شیخ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳.

از سوی دیگر، تأمین مخارج زندگی، تنها در گرو کار کردن نیست. کار کردن یکی از عوامل کسب روزی است. به دست آوردن مال و ثروت عوامل دیگری نیز دارد که چه بسا قوی‌تر و صائب‌ترند. تقوای الهی^۱ و استغفار^۲ از دیگر عوامل افزایش روزی است. در مقابل، پایمال کردن حقوق دیگران، برکت را از رزق می‌برد^۳ و نافرمانی خدا روزی را از انسان سلب می‌کند.^۴

تکرانی‌های تربیتی

برخی گمان می‌کنند افزایش تعداد فرزندان، کیفیت تربیت را پایین می‌آورد. آنان بر این باورند که دین هم اولویت را به کیفیت می‌دهد تا کمیت.^۵ این مطلب سخن درستی است، اما کامل نیست. آموزه‌های دینی معیار فرزندآوری را تربیت توحیدی می‌داند؛ از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِإِلَاءِ إِلَّا اللَّهُ؛ چه چیز مانع آن است که فرد مؤمن، همسر اختیار کند؟ شاید خداوند از این راه فرزندی به او ببخشد که زمین را با گفتن لا اله الا الله آکنده سازد».^۶

در روایت دیگری آمده است: «یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ پسر یعقوب پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ، برادرش را ملاقات کرد و گفت: ای برادر، چگونه توانستی [با وجود غم فراق] پس از من ازدواج کنی؟ گفت: پدرم مرا امر کرد و فرمود اگر می‌توانی برایت ذریه‌ای باشد

۱. طلاق، آیه ۲ و ۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳، ص ۱۹۹.

۳. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۵.

۴. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۰.

۵. مثلاً با استناد به این آیه که می‌فرماید: «كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِيهَا كَثِيرَةٌ؛ بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، پیروز شدند. (بقره، آیه ۲۴۹).

۶. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۲.

که زمین را به تسبیح سنگین نماید، انجام ده».^۱

آموزه‌های دین ضمن تأکید بر کیفیت که تربیت توحیدی و توسعه یکتاپرستی است، به کمیت نیز فرمان داده‌اند؛ فراوانی فرزندان مسلمانان را مایه سرفرازی و فخر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روز قیامت می‌دانند.^۲ این کمیت و کثرت به قدری اهمیت دارد که چنین سبقت شده نیز در شمار امت مورد مباحات رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حساب آمده است.^۳

شایان‌ذکر است که بسیاری از کارشناسان تربیتی برای دستیابی به تربیت باکیفیت، فرزندآوری بیشتر و دوری از تک‌فرزندی و کم‌فرزندی را سفارش می‌کنند.^۴

اشتغال مادران

اشتغال زنان به‌رغم منافع اقتصادی، باعث شده زنان امروزی انگیزه کمتری برای مادر شدن و مادری کردن داشته باشند و به‌سادگی و با امتیازی اندک، حق مادری را واگذار کنند.

حقیقت این است که بی‌نیازی، در اشتغال تمام‌وقت و درآمد بیشتر نیست. خداوند متعال در این باره به حضرت داود عَلَيْهِ السَّلَام چنین فرمود: «يَا دَاوُدُ إِنِّي وَصَّعْتُ الْغِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَهُمْ يَطْلُبُونَهُ فِي كَثْرَةِ الْمَالِ فَلَا يَجِدُونَهُ؛ ای داود، همانا من بی‌نیازی را در قناعت قرار دادم و مردم آن را در زیادی مال دنبال می‌کنند، پس آن

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

۲. «تَسَاكُحُوا تَنَاسَلُوا تَكْتُمُوا قِيَامِي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (ابوالقاسم پاینده، نهج‌الفصاحه، ص ۳۹۱).

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۴.

۴. محسن عباسی ولدی، ایران جوان بمان، ص ۲۱۰.

را نمی یابند».^۱

امروزه برخی از زنان با کنار نهادن و بی توجهی به تمامی استعدادها و توانمندی های خاص مادرانه، به دنبال همآوردی با مردان در کارهای پیش پا افتاده هستند. این رقابت را می توان مصداق آیه ای دانست که جامعه حضرت موسی علیه السلام با پس زدن طعام بهشتی، تقاضای سیر و پیاز بوده و خواهان مبادله شیئی ارزشمند با گزینه ای پست تر بودند.^۲

مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) درباره شأن و جایگاه مادری می فرماید: «اولین و اساسی ترین و پراهمیت ترین شغل زن، مادری است. اگر رئیس جمهور هم بشود، اهمیتش به قدر مادری نیست. ... خدا این موجود را با این عواطف خروشان آفریده تا مادری لنگ نماند».^۳

محور سوم) اجتماعی - سیاسی

سیاست های دولتی

«دختر یا پسر، دو بچه کافی است!» این شعار که برگرفته از سیاست های جمعیتی است، وقتی طراحی شد که نرخ باروری حدود ۶/۱ (شش و یک دهم) فرزند بود.^۴ و قرار بود آمار به نرخ پنج برسد، یعنی برای هر خانواده پنج بچه. پیشنهاد سازمان ملل رقم چهار بود، اما نمایندگان مجلس که خطر را بیش از حد احساس کرده بودند، قانون داشتن سه فرزند را تصویب نمودند و برای داشتن فرزند چهارم جریمه تعیین کردند. نهایتاً، وقتی کار به دولت رسید، شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر» مطرح شد.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵۳.

۲. بقره، آیه ۶۱.

۳. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: www.leader.ir

۴. البته با توجه به شرایط آن روز و به عنوان سیاست مقطعی طراحی شد که درست بود.

تهاجم فرهنگی

متأسفانه، در جامعه ما فرزند کمتر نشانه تمدن بیشتر و فرهنگ بالاست. در بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌ها، مردم پایین‌شهر دارای فرزند زیاد، فقیر و بی‌فرهنگ نمایش داده می‌شوند، ولی ساکنان بالا شهر ثروتمند، مؤدب و کم‌فرزند. این مسئله، علاوه بر هزینه‌های مادی فرزندآوری، جو روانی منفی و فشار دوچندانی را بر والدین تحمیل می‌کند.

تقویت باور و نگرش به ازدواج و فرزندآوری، بهترین کاری است که می‌تواند به لحاظ فردی هجمه روانی موجود را بی‌اثر سازد.

کسی که دل به رضایت خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام سپرده است، کلاس بیشتر و موقعیت بالاتر را در همگامی و هم‌نوایی با دستورات شریعت می‌داند؛ زیرا شخصی که رضایت خداوند را به بهای خشم مردم به دست آورد، خداوند او را کفایت می‌کند و هر کس رضایت مردم را به قیمت غضب پروردگار طلب کند، خداوند او را به مردم واگذار خواهد کرد.^۱

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۷۱.

بررسی عوامل طلاق در سال‌های اولیه ازدواج

حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل بابایی*

اشاره

ازدواج، زمینه‌ساز ایجاد آرام‌بخش‌ترین رابطه‌ها و آغازگر زندگی خانوادگی همراه با مودت و رحمت است. خداوند متعال کارکرد این سنت نبوی ﷺ را در قرآن کریم چنین تبیین می‌فرماید: «و از نشانه‌های او، اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند».^۱ اما پس از ازدواج، هنگامی که زندگی آن‌گونه که همسران توقع دارند، پیش نمی‌رود، اکثر زوج‌ها به حالتی از کاهش تدریجی دل‌بستگی عاطفی می‌رسند که شامل کاهش توجه در رابطه با همسر، بیگانگی عاطفی و افزایش یک نوع بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر است.^۲

* کارشناس ارشد روانشناسی اسلامی.

۱. روم، آیه ۲۱.

۲. سمانه کوهی و دیگران، معرفی مدل درمانی سرخوردگی زناشویی در زوجین، مشاوره

خانواده و بهداشت جنسی، ص ۲۲۶.

اینک این سؤال مطرح است چه عواملی سبب می‌شود این کانون آرامش، مودت و رحمت، جای خود را به ناسازگاری و خشونت دهد تا بدان جا که اخیراً مشاهده می‌شود در سال‌های اولیه ازدواج، در مواردی نه‌چندان اندک، نتیجه‌ای جز طلاق ندارد.^۱

تحقیقات ارائه‌شده توسط معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان و مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، در خصوص آمار طلاق در سال ۱۳۸۵ حاکی از آن است که بالغ بر ۷۵ درصد طلاق‌ها مربوط به زوجین با کمتر از ۱۰ سال سنوآت زناشویی است. علاوه بر این، نزدیک به ۵۰ درصد طلاق‌ها نیز در چهار سال اول زندگی اتفاق می‌افتد. تحقیق آقاجانی مرسا که به بررسی علل طلاق در سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین‌شهر تهران پرداخته نیز نشان می‌دهد که از بین ۴۵۰ نفر از زنانی که حکم طلاق آن‌ها صادر شده است، ۴۸/۷ درصد پاسخ‌گویان در طبقه پایین، در اولین سال زندگی مشترک با یکدیگر اختلاف داشته‌اند.^۲ این میزان در طبقه متوسط به ۳۴/۷ درصد و در طبقه بالا به ۶/۷ درصد می‌رسد. بررسی‌های به‌عمل‌آمده، در خصوص مواردی که طی سال‌های ۷۳ و ۷۴ در شهرستان ارومیه حکم طلاق درباره آن‌ها صادر شده است، نیز حاکی از آن است که ۷۰ درصد از خانواده‌های طلاق، اظهار کرده‌اند که هنگام ازدواج اختلاف پیدا کرده‌اند.

تحقیق در جدایی همسران در جهان و مقایسه آن با افزایش طلاق در ایران مشخص می‌کند که میزان طلاق در ایران گرچه نسبت به جدایی‌های آمریکای

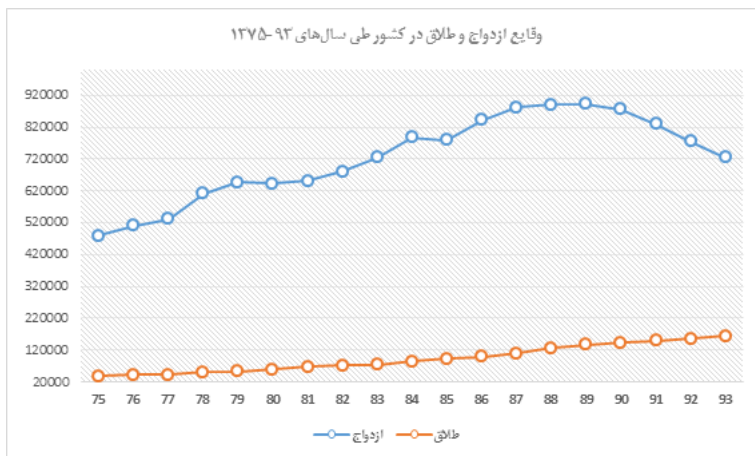
۱. حسین بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۱.

۲. حسین آقاجانی مرسا، «عوامل مؤثر بر طلاق برحسب طبقه اجتماعی مورد: شهر تهران»، جامعه‌شناسی، ش ۲، ۱۳۸۴، ص ۵۵.

روسیه رقم کمتری را داراست، ولی نسبت به بسیاری از کشورهای اروپایی بیشتر است.

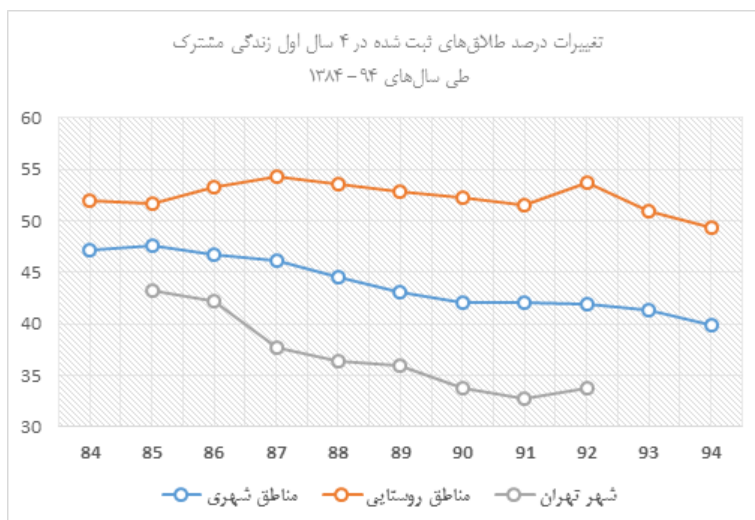
آمار طلاق در تهران به‌طور وحشتناکی افزایش یافته، به طوری که آمارها نشان می‌دهد در سال‌های اخیر ۱۲ درصد افزایش داشته است. هم‌اکنون در تهران در برابر هر پنج ازدواج، یک طلاق واقع می‌شود. در تهران ۵۰ درصد ازدواج‌ها منجر به طلاق می‌شود.^۱

نمودار زیر تغییرات نرخ ازدواج و طلاق را در ۲۰ سال گذشته (۱۳۷۵-۱۳۹۳) نشان می‌دهد:



نرخ رشد طلاق، در دو دهه اخیر همواره مثبت بوده و شیب نسبتاً تندی را طی کرده است، به نحوی که تعداد ۳۷ هزار واقعه طلاق در سال ۷۵، به ۱۶۳ هزار واقعه در سال ۹۳ (بیش از چهار برابر) افزایش یافته است.

۱. جام جم آنلاین، مورخ ۲۰ مرداد ۱۳۹۶:



افزایش طلاق در هر جامعه‌ای موجب اختلال در نظم و تعادل آن جامعه و بروز برخی دیگر از آسیب‌های اجتماعی می‌شود و نمی‌توان تنها یک یا چند عامل مشخص را علت بروز آن دانست؛ لذا مقاله حاضر به بررسی مهم‌ترین عوامل طلاق‌های زودهنگام در سال‌های اولیه ازدواج می‌پردازد که عبارت‌اند از:

عدم توجه به معیارهای اساسی در انتخاب همسر

دین‌داری و ایمان به خداوند از جمله معیارهایی است که در منابع اسلامی مورد توجه جدی قرار گرفته و توجه به آن شرط اساسی در همسرگزینی به شمار آمده است. براین اساس، مردان و زنان مؤمن از پیوند با افراد بی‌ایمان، حتی در صورت برخورداری از سایر معیارهای همسر مطلوب، نهی شده‌اند.^۱ منظور از «ایمان» در قرآن کریم، ایمان به سه اصل توحید، نبوت و معاد است که اساسی‌ترین آن‌ها، ایمان به خداست که اگر باشد، ایمان به دو اصل دیگر را نیز تأمین

۱. بقره، آیه ۲۲۱.

می‌کند.^۱

از دیدگاه اسلام اهمیت ایمان در انتخاب همسر بدین جهت است که ریشه اخلاق در «ایمان» است و برای به دست آوردن تقوا و تخلق به اخلاق شایسته، نخست باید به تحصیل ایمان مبادرت شود.^۲ با توجه به نقش دین‌داری در سعادت زندگی زناشویی، می‌توان بر خورداری از انگیزه الهی در ازدواج را نخستین گام بهره‌مندی از ولایت خداوند^۳ و زمینه‌ساز تحصیل سایر معیارهای همسر مطلوب به شمار آورد.^۴ در تحقیقات پژوهشگران نیز به اثبات رسیده است که خشنودی زناشویی، تحت تأثیر مذهب قرار دارد و پابندی به مذهب می‌تواند میزان طلاق را در افراد مذهبی تا حدود نصف کاهش دهد.^۵

از دیدگاه اسلام، علاوه بر همسانی دینی زوجین، همسانی آنان در مراتب دین‌داری نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ چنانچه در حدیثی رسول خدا ﷺ مرد مؤمن را هم‌شان زن مؤمن و مرد مسلمان را همتای زن مسلمان قلمداد می‌کند.^۶ اما از آنجاکه اخیراً توجه به این مسئله کاهش پیدا کرده است، قوام و استحکام خانواده ضعیف شده و در برخی موارد رو به نابودی می‌رود.

دگرگونی سنت‌های ازدواج

شاید بتوان گفت در هیچ مقطع تاریخی، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد، به سرعتی که امروزه در حال تغییر است، دچار دگرگونی نبوده است. در این میان، جوانان

۱. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۶۶.

۳. محمد محمدی ری‌شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، ص ۷۴.

۴. ممتحنه، آیه ۱۰.

۵. مجتبی حیدری، دین‌داری و رضامندی خانوادگی، ص ۳۵.

۶. شیخ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۴۱.

به دلیل ویژگی‌های شخصیتی، زودتر از اقشار دیگر جامعه دچار دگرگونی می‌شوند و نگرش‌های جدید را می‌پذیرند.^۱ ارزش‌ها درباره‌ی نهاد خانواده، ازدواج و شیوه‌های همسرگزینی از زمینه‌هایی بوده که امروزه دچار دگرگونی‌های گسترده‌ای شده است.^۲ با دگرگونی ازدواج سنتی در دوران نوین، ماهیت ارتباط دختر و پسر و شیوه‌ی ازدواج در جامعه متحول شد.

عواملی از جمله افزایش نقش و جایگاه اجتماعی زن در محیط‌های اجتماعی و اختلاط زن و مرد، گسترش ابزار اطلاع‌رسانی، کاهش محدودیت در ارتباط با جنس مخالف، گسترده‌ی تهاجم فرهنگی غرب در میان جوانان و بسیاری عوامل دیگر، ارتباط دختر و پسرهای در سن ازدواج را با افزایش چشمگیری مواجه کرده است.^۳ به طوری که به جای برگزاری خواستگاری سنتی، برخی از دختران و پسران، با عنوان خواستگاری مدرن، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. این عده از جوانان، چندان به مسائل شرعی پایبند نبوده و حضور فرهنگ غرب را در زندگی خود پذیرفته‌اند؛ فرهنگی که در آن، رابطه بی‌قید و شرط دختر و پسر قبل از ازدواج برای جوانان پذیرفته شده و جزء حقوق و آزادی‌های طبیعی آنان به شمار می‌رود و حتی نسبت به روابط جنسی نیز با تسامح رفتار می‌شود. متأسفانه رویکردهای غرب‌گرایانه در میان طبقه روشنفکر که تحت تأثیر اندیشه‌های رایج در غرب قرار گرفته‌اند، رو به فزونی است.^۴

در خواستگاری‌های مدرن که معمولاً در حدفاصل بلوغ جسمانی و بلوغ

۱. اینگلهارت، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته سنجش صنعتی، ترجمه مریم وتر، ص ۳۴.

۲. باقر ساروخانی و رفعت‌جاء، «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، ش ۵، صص ۱۳۳-۱۶۰.

۳. محمدتقی شیخی، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، صص ۵۳-۵۴.

۴. منوچهر محسنی، ازدواج و خانواده در ایران، ص ۵۷.

اجتماعی جوانان رخ می‌دهد،^۱ قید و بندها شکسته می‌شود و عشق و علاقه نقش اصلی دارد؛ چراکه دختر و پسر بدون اطلاع خانواده‌ها با یکدیگر روبه‌رو شده و بر اثر جاذبه‌های جنس مخالف، به یکدیگر محبت کاذب پیدا می‌کنند و ادامه روند ازدواج نیز بر اساس این علاقه پیش می‌رود. در بسیاری از این نوع خواستگاری‌ها، روابط از ابتدا به قصد دوستی برقرار می‌شود و بعد از ایجاد وابستگی، دختر و پسر تصمیم به ازدواج می‌گیرند.

در حالی که عشق و علاقه این نوع خواستگاری‌ها، از نوع «تأویل روانی» است و تفسیر رفتارها با توجه به ذهنیت‌ها صورت می‌گیرد نه واقعیت‌ها؛ چراکه دختر و پسر در ذهن خود، تمایل دارند ویژگی‌هایی را در فرد مورد نظر قطعی بگیرند و در عالم واقع، به دنبال تأیید همان ذهنیت‌ها هستند؛ بنابراین محبت کاذب میان دختر و پسر، عیب‌های طرف مقابل را می‌پوشاند و توجه هر نوع رفتاری را که از طرف مقابل سر می‌زند، باعث می‌شود.^۲ با همین روند ازدواج شکل می‌گیرد، اما پس از مدت کوتاهی که آتش عشق، سرد شد، دختر و پسر با واقعیت‌هایی غیرقابل تحمل مواجه می‌گردند و این امر سبب طلاق زود هنگام می‌شود.

روابط آزاد و پنهانی قبل ازدواج

یکی از مهم‌ترین مسائلی که منجر به طلاق‌های زود هنگام می‌شود، معاشرت‌های آزادانه برخی دختران و پسران پیش از ازدواج است که به جای ایجاد شناخت، تنها هیجان‌ها را فزونی می‌بخشد. این‌گونه روابط، شناخت لازم برای زندگی را تأمین نمی‌کند و طرفین را از الزام‌های درونی نسبت به خانواده، احساس مسئولیت و مقدار ظرفیت‌های روانی و عاطفی یکدیگر باخبر

۱. حسین محبوبی‌منش، بررسی وضعیت اعتیاد به مواد مخدر جوانان، ص ۷۰.

۲. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۰۴.

نمی‌سازد.^۱ نتیجه این رابطه، آشنایی سطحی و کاملاً عاطفی است و گفتگوهای مطرح‌شده در این شرایط، از اصول مؤثر در شناخت، تهی بوده و اگر به ازدواج منتهی شود، از استحکام لازم برخوردار نخواهد بود و بدیهی است که تعداد قابل‌توجهی از این نوع ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود.^۲

این‌گونه روابط، مقدمه ازدواج است، نه اینکه خود رابطه، هدف باشد؛ پس نباید احساسات و عواطف میان دو طرف، حرف اصلی را بزنند. همچنین باید تحت نظارت والدین باشد تا دختر و پسر با انتخاب عاقلانه وارد یک زندگی ایدئال و عاشقانه شوند. نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که نرخ طلاق در خانواده‌هایی که زوجین پیش از ازدواج، رابطه‌ای با جنس مخالف نداشته‌اند، ۶۳ درصد کمتر از خانواده‌هایی است که زوجین پیش از ازدواج با جنس مخالف رابطه دوستی داشته‌اند.^۳

ایجاد عشق کاذب قبل ازدواج

برخی اوقات از شیفتگی‌های ایجادشده در روابط آزاد دختر و پسر به «عشق» تعبیر می‌شود؛ اما عشق حقیقی که عامل تکامل انسان است، متمایز از این شیفتگی‌های سطحی است. در روابطی که دختر و پسر به فکر تأمین نیازهای وجودی خویش هستند، نوعی وابستگی به جنس مخالف احساس می‌کنند که از همان نیازهای غریزی نشئت می‌گیرد و آن را عشق می‌دانند. هرچند این عشق

۱. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۶۹.

۲. علی‌مظاهری و همکاران، «رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج»، مجله راهبرد فرهنگ، بهار ۱۳۸۸، ش ۵، ص ۷۲.

۳. سایت مهکام، مجله اینترنتی آموزش خانواده موفق ایرانی: www.mehcom.com

سوزان است، اما پس از ازدواج خاموش می‌شود.^۱
آمارها نشان داده است ۴۷ درصد طلاق‌ها، در پنج سال اول ازدواج رخ می‌دهد؛^۲
چراکه در طول این مدت احساسات فروکش کرده و چهره واقعی افراد مشخص
می‌شود و مشکلات زندگی، خود را نمایان می‌سازد و در نهایت، این زندگی
ناپایدار به طلاق منجر می‌شود.

عشق حقیقی، از جمله صفات متعالی انسان است و هدف آن نه ارضای
خویش، بلکه حضور معشوق است. ضمن اینکه عشق، به تنهایی عامل ازدواج
موفق نیست؛ بلکه دختر و پسر باید از جهات گوناگون با یکدیگر تناسب داشته
باشند^۳ و مجوز بروز احساسات بین دختر و پسر زمانی است که انتخاب نهایی
با ابزار عقل انجام گرفته باشد^۴ و عشق، چشم و دل عاشق را بر عیوب معشوق
نبسته باشد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ عَشِقَ شَيْئًا أَعَشَى بَصْرَهُ وَآمَرَضَ
قَلْبَهُ فَهُوَ يَنْظُرُ بِعَيْنٍ غَيْرِ صَاحِحَةٍ وَ يَسْمَعُ بِأُذُنٍ غَيْرِ سَمِيعَةٍ؛ آن کس که به چیزی
عشق ورزد، آن عشق چشم او را کور و قلبش را بیمار می‌کند. چنین فردی با
چشم ناسالم می‌نگرد و با گوش ناشنوا می‌شنود».^۵

اعتیاد به فضای مجازی

مدتی است در پرونده‌های طلاق، استفاده نادرست از فضای مجازی به عنوان

۱. اسماعیل بیابانگرد، جوانان و ازدواج، ص ۸۶؛ حسین دهنوی، گلبرگ زندگی، ص ۴۶.
۲. خبرگزاری مهر، مورخ ۳۰ مرداد ۹۶: <http://www.mehrnews.com/news/4065012>
۳. علی اصغر احمدی و دیگران، چگونگی و حدود ارتباط سالم بین دختر و پسر قبل از ازدواج، صص ۳۵-۳۸.
۴. محسن عباسی ولدی، نیمه دیگر، ج ۱، ص ۶۱ تا ۱۰۰.
۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷.

یکی از دلایل زوج‌های جوان برای جدایی مطرح می‌شود. در تحقیقاتی که در مورد طلاق و آثار دیگر فضای مجازی در آمریکا و انگلستان و کشورهای دیگر انجام گرفته، آکادمی آمریکایی مطالعه وکلای خانواده گزارش می‌دهد که ۶۵ درصد طلاق‌ها به خاطر صرف حضور در فیس‌بوک است. در مجله کامپیوتر و رفتار انسانی گزارشی درباره آمار طلاق‌های ایالت آمریکا آمده است که بین استفاده از فضای مجازی و کاهش کیفیت زندگی زناشویی رابطه‌ای قوی است که بر اساس تحقیقات آماری ۲۰ درصد افزایش سالانه حضور کاربران در فیس‌بوک معادل افزایش ۲/۱۸ درصدی و ۴/۳۲ درصدی در نرخ طلاق است.^۱

فضای مجازی چارچوب خانواده‌ها را نشانه گرفته است. عضویت در گروه‌های نامناسب تلگرامی که تصاویر و فیلم‌های مبتذل را به اشتراک می‌گذارند، دلیل اصلی تشکیل برخی پرونده‌های طلاق است؛ زیرا این شبکه‌ها پایه‌گذار دوری زوج‌های جوان از یکدیگر هستند و عواطف را در خانواده‌ها کم‌رنگ می‌کنند و این امر باعث به وجود آمدن بحران خانوادگی شده است. همچنین از نظر روانی باعث افسردگی شدید، عدم اعتماد به نفس، پرخاشگری و حتی مسائل دوست‌یابی غیر هم‌جنس و مسائل غیراخلاقی شده و این امر نیز تعهدات زناشویی را از بین می‌برد و فرد را برای رسیدن به نیازهایش، به دنبال ارتباط‌های خارج از چارچوب خانواده می‌کشانند؛ از این‌رو برخی از اندیشمندان، فضای مجازی را از عوامل افزایش طلاق می‌دانند و معتقدند فضای مجازی و هنجارشکنی‌هایی که از طریق این فضا ایجاد می‌شود، افزایش طلاق را رقم زده است.^۲ تحقیقات هم نشان می‌دهد که فیس‌بوک یکی از دلایل طلاق‌های

۱. سایت بلاغ، مورخ ۱۵ خرداد ۹۶: www.balagh.ir/content/8811

۲. پایگاه خبری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران:

www.news.police.ir/News/fullStory.do?Id=246749.

زودهنگام است.^۱

ناآشنایی با مهارت‌های همسر داری

به گفته سازمان بهزیستی و مرکز آمار ایران، بسیاری از طلاق‌های چند سال اخیر، در سال‌های اولیه رخ می‌دهد. نداشتن مهارت‌های زندگی در کنار یکدیگر، عدم صبر در مقابل مشکلات و خودخواهی‌های فردی، در به وجود آمدن بسیاری از طلاق‌ها مؤثر است؛^۲ چراکه امروزه روند ازدواج به این روال است که وقتی دو نفر تصمیم به ازدواج می‌گیرند، بدون این که مهارت‌های زندگی را کسب کنند، وارد زندگی می‌شوند، حال این که زندگی مشترک پر از فراز و نشیب‌هایی است که به سازگاری و درک متقابل نیاز دارد. سازگاری زناشویی پیوندی دوستانه همراه با تفاهم، درک یکدیگر و تعادلی منطقی میان نیازهای مادی و معنوی همسران است.

هم‌اکنون برخی از خانواده‌ها به دلیل غفلت از این مهارت‌ها، در برخورد با مشکلات کوچکی که قابل برطرف کردن است، طلاق را به‌عنوان بهترین راه‌حل انتخاب می‌کنند. با توجه به افزایش میزان طلاق‌های زودهنگام، این امر نگران‌کننده است و نیاز به برنامه‌ریزی در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود. نکته جالب توجه این است که ناسازگاری زناشویی، حتی در خانواده‌هایی که هر یک از زوجین در شغل و تحصیلات خود موفق هستند، نیز رخ می‌دهد و اتفاقاً همین امر سبب می‌شود از انجام وظایفشان در زندگی زناشویی، خودداری کنند. هم‌چنین آگاه نبودن از مسائل جنسی و نارضایتی در این امر، مسئله دیگری

۱. ویدا علیخانی، «شبکه‌های مجازی عامل طلاق در ایران»، روزنامه رسالت، ۶ اسفند ۱۳۹۴.

۲. جواد حبیبی تبار، «طلاق پسندیده»، نشریه حوراء، ش ۴۹، تیر و مرداد ۱۳۹۵، صص ۶۷-۶۶.

است که سبب افزایش طلاق می‌شود.

مشکل اینجاست که آموزش مهارت‌های قبل از ازدواج، در کشور ما جایگاهی ندارد. خانواده‌ها آن‌قدر که از کودکی فرزندان‌شان، به دنبال آشنا کردن آن‌ها با درس‌ها و ورزش‌های مختلف و کسب موفقیت در این زمینه هستند، در خصوص مهارت‌های زندگی، هیچ آموزشی برای فرزندان‌شان در نظر نمی‌گیرند؛ درحالی‌که این آموزش‌ها برای تشکیل خانواده، بسیار ضروری است و بیش از هر مسئله‌ای لازم است موردتوجه قرار گیرد.

دختر و پسر باید قبل از ازدواج این مسئله را بدانند که در زندگی مشترک، فرقی ندارد فرد دارای تحصیلات و شغل عالی باشد، بلکه روابط زن و شوهر (با هر سطحی از تحصیلات و شغل) باید به‌گونه‌ای باشد که هرکدام به وظایف خود در زندگی مشترک عمل کنند. عدم آشنایی دختر و پسر به وظایفشان به رفتارهای سلیقه‌ای منجر می‌شود که زمینه طلاق را ایجاد می‌کند.

از آنچه گذشت دانسته می‌شود که مهم‌ترین مهارت لازم برای شروع زندگی مشترک، مهارت «همسرداری» است. به این مسئله در آموزه‌های اسلامی نیز پرداخته شده است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «جهاد زن، خوب شوهرداری است.»^۱ همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیان اهمیت تعامل شایسته با خانواده، بهترین افراد امت را چنین معرفی می‌کند: «بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد و من بهترین شما برای خانواده‌ام هستم.»^۲

از جمله مهم‌ترین نکته‌هایی که لازم است دختر و پسر قبل از ازدواج به آن توجه کنند عبارت‌اند از: شناخت تفاوت‌های اخلاقی میان زنان و مردان، تفاوت دیدگاه زنان و مردان نسبت به مسائل زناشویی، نیاز مردان به استقلال و نیاز زنان

۱. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۲۱.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۴۸۵.

به حمایت، کلی‌نگری مردان به مسائل و جزئی‌نگری زنان، روحیه منطقی مردها و روحیه عاطفی زن‌ها و ...^۱

برخی از مهم‌ترین نکات رفتاری که لازم است دختر و پسر بعد از ازدواج رعایت کنند عبارت‌اند از اینکه: انتظارات خود را مدیریت کنند، به یکدیگر وفادار باشند، زبان مشترک یکدیگر را پیدا کنند، از یکدیگر حمایت کنند، به زندگی شخصی‌شان اهمیت بدهند، رابطه زناشویی خوبی داشته باشند، توقعات طرف مقابل را بدانند، اشتباهاتشان را بپذیرند، با همدیگر وقت بگذرانند، هدیه بدهند، اجازه ندهند خانواده‌هایشان دخالت کنند.^۲

نتیجه‌گیری

بررسی علل شکست در سال‌های اولیه ازدواج، می‌تواند در رفع عوامل و بهبود زندگی زناشویی مؤثر باشد. با دقت در روند ازدواج‌های سه دهه گذشته، در می‌یابیم که ایمان و تقوا به‌عنوان ملاک اصلی انتخاب همسر موردتوجه بود و در سایه همان ایمان، روابط عمیق و مستحکم عاطفی بین زوجین برقرار بود؛ اما امروزه عدم توجه به این معیار اساسی، سبب افزایش آمار طلاق در سال‌های اولیه گردیده است.

پیش‌ازاین، سنت‌های ازدواج و آشنایی و ارتباط دختر و پسر، با نظارت خانواده‌ها انجام می‌شد و دختر و پسر قبل از ازدواج روابط آزاد نداشتند و عشق و احساس کاذب پیش از ازدواج، به شکل امروزی وجود نداشت و درعین حال دختر و پسر خوشبخت بودند.

مسئله دیگری که از عوامل طلاق‌های زود هنگام در سال‌های اولیه ازدواج است،

۱. محمد مهدی امیری، ازدواج موفق و همسررداری مهارت می‌خواهد، سایت مددکاری

اجتماعی، نشانی: www.behzist.persianblog.ir/post/50

۲. مهکام؛ مجله اینترنتی آموزش خانواده موفق ایرانی، رازهای همسررداری،

نشانی: www.mehcom.com

آشنا نبودن با مهارت‌های زندگی است که در صورت وجود آموزش‌هایی در این زمینه از سوی خانواده‌ها و مراکز علمی- فرهنگی، این مسئله نیز قابل‌رفع خواهد بود و در زمینه کاهش آمار طلاق تأثیرگذار است.

زشتی‌زدایی از گناه

مهدی فدایی*

اشاره

بی‌تردید مقدس‌ترین حرمت‌ها، حرمت خداوند است. دستورات و قوانین او تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت بشر است. مخالفت با قوانین الهی، حرمت و قانون‌شکنی خداوند است؛ براین اساس اطاعت پروردگار رضایت او و بهشت را در پی دارد، همان‌گونه که مخالفت با دستورات خدا، موجب عذاب می‌شود: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ؛ اینها مرزهای الهی است و هر کس پیرو امر خدا و پیامبرش باشد [و حدود قوانین مقررّه او را محترم بشمرد] وی را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کند که همواره آب از زیر درختان آن جاری است و جاودانه در آن می‌مانند و این پیروزی بزرگی است و آن‌کس که نافرمانی خدا و پیامبرش کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتش وارد می‌کند که جاودانه

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی.

در آن خواهد ماند و برای او مجازات خوارکننده است».^۱
متأسفانه امروزه گناه زشتی خود را از دست داده است. برخی به آسانی گناه می‌کنند و آن را زشت نمی‌دانند. در این نوشتار برآنیم برخی عواملی را که موجب از بین رفتن زشتی گناهان در نظر انسان می‌شود، بررسی کنیم.

محور اول) عوامل درونی

نظام وجودی انسان، به گونه‌ای است که در هنگام غفلت از خداوند، زشتی گناه در نظرش از بین می‌رود و انجام رفتارهای گناه‌آلود برایش هیچ نوع نگرانی و پشیمانی ایجاد نمی‌کند. این روند تا جایی پیش می‌رود که قبح گناه نیز به حُسن تبدیل می‌شود. در زبان قرآن به چنین تحولی، «تسویل» یا «تزیین عمل» گفته می‌شود.

نگاه قرآن به ساختار درونی انسان، نشانگر این مسئله است که در برخی از حالات، انسان خواسته یا ناخواسته، طوری رفتار می‌کند که دچار تسویل یا تزیین عمل می‌شود. فرآیند تسویل، به معنای واقعی نشان دادن و اظهار دوست داشتن عمل ضد ارزشی برای نفس است. عوامل درونی قبح‌زدایی از زشتی و گناه، به خود انسان و درون او مربوط می‌شود. می‌توان به برخی آن‌ها اشاره نمود:

۱. ضعف باورهای دینی

ضعف ایمان و کم‌توجهی به مبدأ و معاد، زمینه طغیان شهوات را فراهم می‌کند. انسان در چنین شرایطی، همچون حیوان درنده‌ای که از قفس رها شده و هیچ‌گونه مانعی در برابر خود نمی‌بیند، خویشتن را به خارج شدن از همه حدود مجاز می‌داند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ

۱. نساء، آیه ۱۳-۱۴.

الشَّهَوَاتِ؛ کسی که مشتاق بهشت باشد، شهوات سرکش را به فراموشی می‌سپارد».^۱

گاهی نیز انسان برای بهره‌گیری بی‌قیدوشرط از شهوات، سدّ ایمان را در هم می‌شکند تا در شهوت‌پرستی آزاد باشد؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بلکه انسان می‌خواهد آزاد باشد».^۲ براین اساس نبود ایمان قوی، زمینه قبح‌زدایی از گناه را فراهم می‌نماید.

۲. جهل به گناه

نادانی، اصل و سرچشمه هر شرّ و تاریکی وحشت‌زایی است که آدمی کورکورانه در آن گام برمی‌دارد. خداوند متّان با پرده‌برداری از وضع اسف‌بار برخی آدمیان در خروج از جاده تعادل و سلامت و غلتیدن در پرتگاه شهوت می‌فرماید: «أَأَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ؛ آیا شما از روی شهوت به‌جای زنان، نزد مردان می‌آیید، بلکه شما مردمی ناآگاهید».^۳

اگر مشکل معرفتی کسی حل شود، هرگز گناه نمی‌کند. غالب موارد گناه از این نشئت می‌گیرد که گناهکار نمی‌داند در محضر چه کسی است. حضرت یوسف علیه السلام نیز سرچشمه گناه برادران خود را نادانی آنان دانسته و چنین فرمود: «قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ؛ آیا دانستید آنگاه‌که شما ناآگاه بودید و با یوسف و برادرش چه کردید؟»^۴

وقتی آدمی به گناه شناخت نداشته باشد، قبح آن را نمی‌بیند و فضاحتش را درک

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۶۲۵؛ نهج البلاغه، کلمات قصار، ح ۳۱۵۰.

۲. قیامت، آیه ۵ و ۶.

۳. نمل، آیه ۵۵.

۴. یوسف، آیه ۸۹.

نمی‌کند؛ از این روی یکی از زمینه‌های زشتی‌زدایی از گناه، جهل انسان به گناه است. در آموزه‌های روایی نیز جهل و نادانی از زمینه‌های گناه شمرده شده است. امام علی علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید: «لَا يَجْتَرِي عَلَى اللَّهِ إِلَّا جَاهِلٌ شَقِيٌّ؛ گستاخی و جرئت بر [نافرمانی] خداوند را جز نادان شقاوت‌پیشه روا نمی‌دارد». ^۱ همچنین آن حضرت فرموده است: «الْجَهْلُ مَعْدِنُ الشَّرِّ، الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ، الْجَهْلُ يُفْسِدُ الْمَعَادَ؛ جهل، مرکز زشتی است. جهل، ریشه و پایه زشتی است. جهل، موجب تباهی معاد انسان است». ^۲

۳. غفلت‌زدگی

قرآن کریم «غفلت» را به‌عنوان ریشه انحراف یاد می‌کند: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ؛ ظاهری از زندگی دنیا را درک می‌کنند و ایشان از آخرت غافل هستند». ^۳

قساوت قلب که نتیجه غفلت است، موجب توجه نداشتن انسان به زشتی گناه یا تبدیل قبح به حُسن است. غفلت، موجب فساد اعمال انسان می‌شود. افراد غافل، کمتر به سراغ اعمال صالح می‌روند و این روند، عاملی است برای زدودن قبح و زشتی اعمال غیر صالح. امام علی علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَالْعُقْلَةَ وَالْإِغْتِرَارَ بِالْمُهْلَةِ فَإِنَّ الْعُقْلَةَ تُفْسِدُ الْأَعْمَالَ؛ از غفلت و غرور ناشی از مهلت و فرصت داده‌شده بپرهیز؛ زیرا غفلت اعمال آدمی را فاسد می‌کند». ^۴

غفلت، فرایندی است که انسان را در رفتار خویش دچار بی‌قیدوبندی می‌کند.

۱. نهج البلاغه، ص ۴۴۱.

۲. تمیمی‌آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۴۱.

۳. روم، آیه ۷.

۴. تمیمی‌آمدی، غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۱۷۲.

این ویژگی ناپسند، در کنار مسئله عادت و روزمرگی، انسان را در مواجهه با زشتی گناهان منفعل کرده، حساسیت وی را کاهش می‌دهد تا جایی که حتی به‌حسب عادت به رفتار زشت، آن عمل را زشت نمی‌پندارد.

۴. نفس اماره

نفس اماره در درون انسان یکی دیگر از عوامل قبح‌زدایی از گناه است. خداوند برای آزمودن آدمی او را به‌گونه‌ای آفرید که هم به خوبی‌ها و هم به بدی‌ها گرایش داشته باشد؛ اما نفس اماره انسان را به بدی‌ها می‌کشاند و با تزیین و تسویل، رفتارهای گناه‌آلود را در منظر وی زیبا می‌نمایاند. هنگامی که بی‌گناهی یوسف علیه السلام آشکار شد، برای سپاسگزاری از خداوند چنین گفت: «و من خود را تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس سرکش بسیار به بدی وامی‌دارد؛ مگر اینکه پروردگارم رحمت آورد. به‌یقین، پروردگار من بسیار آمرزنده و مهربان است».^۱

نفس اماره، برادرکشی قابیل را در نظر او زیبا جلوه داد؛ چنان‌که قرآن کریم فرمود: «سرانجام [در کشاکش نفس و فطرت،] نفسش او را برای کشتن برادر ترغیب کرد و او را به قتل رساند و از زیان‌کاران گردید».^۲

از نگاه قرآن، یکی از ارکان رستگاری، ضبط و مهار نفس اماره است: «هرکس از مقام پروردگارش ترسید و نفس خود را از هوس باز داشت، تنها بهشت جایگاه اوست».^۳

۵. دنیادوستی

علاقه بیش از اندازه به دنیا از دیگر زمینه‌های زشتی‌زدایی گناه به‌شمار می‌رود.

۱. یوسف، آیه ۵۳.

۲. مائده، آیه ۳۰.

۳. نازعات، آیه ۴۱ و ۴۰.

خداوند در وصف گناهکاران می‌فرماید: «بی‌تردید، اینان دنیای زودگذر را دوست دارند».^۱

محبّت به یک چیز، ذهن و زبان و دل فرد را از توجه به حقیقت دور می‌کند و جنبه‌های منفی و زشت آن شیء برای وی روشن نخواهد بود. از همین‌رو، دوستی دنیا به شکل مذموم، انسان را به رفتارهای انحرافی و گناه‌آلود متمایل نموده، زمینه گناه را در او ایجاد می‌کند. خداوند علّت کفر به قیامت را دل‌بستگی به دنیا می‌داند: «يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ؛ [با حالت انکار] می‌پرسد: روز قیامت چه زمانی خواهد بود؟... چنین نیست [که می‌پندارید]، بلکه شما این دنیای زودگذر را دوست می‌دارید».^۲

بنابراین، دنیادوستی زمینه ارتکاب گناه و دنیاگریزی راهی به سوی سعادت است. البته نگاه به دنیا به‌عنوان سرای آزمایش و محل گذر نه قرارگاه، وسیله نه هدف، پلی برای رسیدن به صراط قیامت و حضور در محضر پروردگار و جای خوف و نگرانی و احساس خطر نه جایگاه امنیت و استراحتگاه کاملاً ممدوح و ستودنی است. داشتن نگاه آلی نه استقلال‌ی به دنیا موجب می‌شود انسان رفتارهای خویش را کنترل کند و از کارهای انحرافی دوری‌گزیند. گرایش به گناه و زمینه‌های آن، در کسی که به چنین تفسیری از دنیا ایمان دارد، کاهش می‌یابد و ایثار و انفاق برایش آسان می‌شود. در این نگاه، نه تنها دنیا مذموم نیست، بلکه ممدوح است. خداوند متّان از انسان می‌خواهد: «[برای اینکه تخم آرزو در دل آدمی کاشته نشود] باید چشم به متاع دنیا نداشته باشد و به‌سوی رونق زندگی دنیا که اصنافی از آنان را به آن بهره‌مند ساخته‌ایم تا ایشان را بدان بیازماییم، چشم

۱. انسان، آیه ۲۷.

۲. قیامت، آیه ۶ و ۲۰.

مدوز و [بدان که] رزق پروردگارت، بهتر و پایدارتر است»^۱.

۶. کوچک شمردن گناه

اگر آدمی گناه کوچک را ناچیز بشمرد، به راه پُرآسویی گام می‌گذارد؛ زیرا به تدریج زشتی این گناهان در نظرش از بین می‌رود و کم‌کم مرتکب گناهان کبیره خواهد شد. امام سجاده علیه السلام از خداوند چنین می‌خواهد: «پروردگارا! به تو پناه می‌برم از... اصرار بر گناهان، کوچک شمردن گناه و بزرگ [و سنگین] شمردن طاعت»^۲.

چنانچه آدمی با گناه خوب‌بگیرد، گناهانش چنان انباشته می‌شوند که اولاً، از میان بردن آن‌ها دشوار بوده و توبه بسیار سخت خواهد بود؛ مانند چوب‌های باریکی که آن‌ها را به آسانی می‌توان شکست، اما هنگامی که شماری از این چوب‌ها کنار هم قرار گرفت، دیگر نمی‌توان آن‌ها را شکست. ثانیاً، خو گرفتن به گناه موجب عادت به گناه و از بین رفتن زشتی معصیت در نظر انسان می‌گردد.

یکی از صفاتی که در قرآن برای مؤمنان بیان شده این است که بر گناه پای نمی‌فشارند: «وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ بر آنچه کرده‌اند پای نمی‌فشارند؛ درحالی که [زشتی آن را] می‌دانند. «امیر مؤمنان علیه السلام نیز درباره اصرار بر گناه هشدار داده است: «إِيَّاكَ وَالْإِصْرَارَ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْبَرِ الْكِبَائِرِ وَأَعْظَمِ الْجَرَائِمِ»^۳؛ از اصرار بر گناه پرهیز؛ زیرا از بزرگ‌ترین گناهان است»^۴.

امام صادق علیه السلام در تمثیلی زیبا به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و یارانش [در سفری]، در سرزمینی بی‌آب و علف فرود

۱. طه، آیه ۱۳۱.

۲. صحیفه سجادیه، ص ۵۶.

۳. تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص ۱۵۱.

۴. آل‌عمران، آیه ۱۳۵.

آمدند. حضرت به یارانش فرمود: «هیزم بیاورید تا آتش روشن کنیم و غذا بپزیم.» یاران عرض کردند: اینجا سرزمین خشکی است و هیچ هیزمی در آن یافت نمی‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بروید و هرکدام آنچه می‌توانید هیزم جمع کنید». رفتند و هریک مقداری هیزم یا چوب خشکیده با خود آوردند و همه را در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله روی هم گذاردند. پیامبر خدا فرمود: «هَكَذَا تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ؛ این‌گونه گناهان روی هم انباشته می‌شوند». سپس فرمود: «إِيَّاكُمْ وَالْمَحَقَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ؛ از گناهان کوچک بپرهیزید».^۱

۷. ضعف حیا و عفت

حیا، محدودیت و در تنگنا افتادن نفس در ارتکاب محرمات شرعی، عقلی و عرفی، از ترس نکوهش و سرزنش است و اعم از تقواست؛ زیرا تقوا، اجتناب از گناهان شرعی است و حیا اعم است از پرهیز از گناهان شرعی و اجتناب از آنچه عقل و عرف نیز زشت و ناپسند می‌دانند.^۲ اگر حیا در انسان ضعیف باشد، باور به زشتی گناه به همان میزان کم شده، به مرور زمان قبح و زشتی آن به کلی از بین می‌رود.

در منابع دینی روایات بسیاری درباره اهمیت حیا بیان شده است. امام صادق علیه السلام حیا را این‌گونه معرفی می‌نماید: «حیا نوری است که جوهر آن سینه ایمان است و در آدمی حالت بازدارندگی و خویشنداری در برابر هر چیزی که با توحید و معرفت ناسازگاری داشته باشد، ایجاد می‌کند».^۳

۸. خرافه

یکی از عوامل مؤثری که چهره دین را نزد نسل جدید مخدوش می‌نماید و زمینه

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. ملا احمد نراقی، معراج السعادة، ص ۳۶۸.

۳. منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۸۹.

میل به گناه را نیز آماده می‌کند، وجود خرافه‌هایی است که همچون غباری سیاه بر روی گوهر دین نشستہ است. دانشمندان ژرف‌اندیش باید ساحت قدسی دین را از آلودگی‌ها و خرافات پاکیزه گردانند و جوانان را با چهره زیبا و حقیقی دین آشنا نمایند و موجب گرایش آنان به دین شوند.^۱

شهید مطهری رحمته‌الله در خصوص مسئله خرافات معتقد است: «دین مقدس اسلام، یک دین ناشناخته است. حقایق این دین، به تدریج در نظر مردم واژگون شده و علت اساسی گریز گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به نام دین داده می‌شود. این دین مقدس، در حال حاضر، بیش از هر چیز دیگری، از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند، ضربه و صدمه می‌بیند».^۲

خرافات، همچون موریانه ذهن افراد جامعه را از مسیر درست منحرف می‌کند و علاوه بر بدبینی طیفی از افراد صاحب فکر و اندیشه نسبت به دین و مذهب، شمار گسترده‌ای از آحاد جامعه را که بیشتر بر مبنای همین خرافات و مسائل مربوط به آن تصمیم‌گیری می‌کنند، به رفتارهای غیرشرعی و غیراخلاقی آلوده می‌نماید.

محور دوم) عوامل بیرونی

عوامل بیرونی به مواردی معطوف است که در اختیار انسان نیست و از بیرون وجود انسان بر وی تأثیر گذارده و ساختار معرفتی او را در برابر گناه تغییر می‌دهد. برخی از مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱. شیطان

یکی از اهداف دشمن درونی و بیرونی انسان، زدودن زشتی گناه در نظر آدمی

۱. حمید نگارش، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، ص ۱۰۲.

۲. مرتضی مطهری، عدل الهی، ص ۸.

است. قرآن از زبان شیطان چنین نقل می‌کند: «خداوند! به جهت آنکه مرا به هلاکت افکندی، هر آینه در زمین [باطل را] در نظرشان زینت می‌دهم [و آنان را خواهم فریفت] و همگی شان را به راه هلاکت می‌برم».^۱

بر اساس این آیه شریفه، شیطان آرزوها و خیالاتی را برای انسان مطرح می‌کند و چیزهایی را در نظر آدمی زینت می‌دهد که زینت زمین است نه زیور قلب و جان انسان؛ چراکه زینت جان، ایمان به خدای سبحان است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ؛ اما خداوند ایمان را محبوب شما ساخت و آن را زینت دل‌هایتان قرار داد».^۲

آخرین کتاب آسمانی راجع به آن‌هایی که از مسیر هدایت روی‌گردان شده‌اند چنین فرموده: «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ، الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ؛ کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برایشان، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است».^۳

۲. رسانه و شبکه‌های اجتماعی

رسانه‌های جمعی، به‌ویژه در کشورهای صنعتی، بر یکایک اعضای جامعه اثری ژرف و انکارناپذیر داشته است. هنگامی که جامعه‌شناسان تأثیر تلویزیون را بر کشورهای صنعتی مورد بررسی قرار دادند، متوجه شدند این رسانه جمعی برای کودکان و نوجوانان ۳ تا ۱۶ سال چنان جاذبه‌ای دارد که میانگین زمانی که آن‌ها صرف تماشای تلویزیون می‌کنند، بیش از وقتی است که در کلاس درس

۱. حجر، آیه ۳۹.

۲. حجرات، آیه ۷.

۳. محمد، آیه ۲۵.

می‌گذرانند. قرار گرفتن افراد در سنین پایین در عرصه گسترده برنامه‌های تلویزیونی، در فرآیند اجتماعی شدن و شکل‌گیری شخصیت آن‌ها، نقش بسیار بااهمیتی به این رسانه داده است. در کنار همه آثار و کارکردهای مثبت رسانه در پرورش و رشد شخصیت افراد، به‌خصوص کودکان، نگرانی‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد. این نگرانی، برآمده از محتوایی است که از رسانه پخش می‌شود.

رسانه، با تغییر نگرش و ایجاد انگاره‌های جدید در ذهن مخاطب، می‌تواند حساسیت او را به هویت دینی کاهش دهد و قبح برخی رفتارهای غیراخلاقی را از درون او بزداید. تضعیف ارتباط روحی و عاطفی با دیگران، انفعال و الگوپذیری نامناسب، پرخاشگری و تنش‌زایی، خمودی و زیان‌های جسمی و دسترسی به اطلاعات زیان‌بار موجب می‌شود فرد در برابر رفتارهای گناه‌آلود احساس بدی نداشته باشد و به‌راحتی این رفتارها از وی بروز کند.

۳. فقر و غنا

هر یک از فقر و غنا به‌گونه‌ای خاص، زمینه‌زشتی‌زدایی از گناه را فراهم می‌کنند. فقیر برای از میان بردن ناتوانی‌های برآمده از فقر، کارهای نامشروع را توجیه می‌کند و خود را در انجام آن موجه می‌پندارد. توانگر نیز بر پایه غرور برخاسته از مال و ثروتش، به خوش‌گذرانی و زیر پا گذاشتن فضیلت‌های اخلاقی روی می‌آورد، در فرایند غفلت قرار می‌گیرد و در نظر او گناهان هیچ‌گونه زشتی‌ای ندارند. قرآن مجید شخص توانگر را به دلیل احساس بی‌نیازی، انسانی طغیانگر می‌داند: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ أَلَمْ يَرَأْ أَنَّهُ اسْتَمْتَنَىٰ؛ هرگز؛ همانا انسان همین‌که

خود را بی نیاز ببیند، سرکشی در پیش می گیرد».^۱

ثعلبه، با خدا پیمان بسته بود اگر ثروتمند شود به نیازمندان صدقه دهد؛ اما هنگامی که خداوند مال فراوانی بدو بخشید، بخل ورزید و زکات نداد. آیاتی درباره اش نازل شد و «نفاق» را به او نسبت داد.^۲ این کار، پیامد وسوسه شیطان و چیرگی غرور بر ثعلبه بود که او را به بخل ورزی در نعمت خدا وادار کرد و زشتی گناه را از چشم او زدود.

قرآن مجید سرمایه‌هایی را که موجب غرور و مستی می‌شود، زمینه‌ساز گناهان می‌شمارد و می‌فرماید: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قُزِيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتَلَّكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا؛ و چه بسیار از [مردم] شهرها و آبادی‌هایی را به هلاکت رساندیم که زندگی را با سرمستی و غرور گذرانده بودند. این، خانه‌های آنان است که [ویران شده] و بعد از آنان، جز اندکی، کسی در آن سکونت نکرد».^۳ یا در جای دیگر فرموده: «الْهَاطُكُمُ التَّكَاثُرُ؛ تفاخر و فزون طلبی، شما را سرگرم و غافل ساخت».^۴

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در این باره می‌فرماید: «التَّكَاثُرُ [فِي] الْأَمْوَالِ جَمْعُهَا مِنْ غَيْرِ حَقِّهَا وَ مَنَعُهَا مِنْ حَقِّهَا وَ سَدُّهَا فِي الْأَوْعِيَةِ؛ تکاثر در اموال، انباشت ثروت‌ها از راه‌های نامشروع و خودداری از ادای حق آن و اندوختن آن در خزانه‌ها و صندوق‌هاست».^۵

از سوی دیگر، فقر نیز گاهی آدمی را به بیراهه و گناه می‌کشاند. امیر مؤمنان

۱. علق، آیه ۶ و ۷.

۲. توبه، آیه ۷۵ و ۷۶.

۳. قصص، آیه ۵۸.

۴. تکاثر، آیه ۱.

۵. عروسی حیویتی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۶۲.

علی علیه السلام به فرزندش محمد حنفیه می‌فرماید: «فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم. از آن به خدا پناه ببر؛ چراکه فقر، دین انسان را ناقص نموده، عقل و فکر او را مضطرب می‌کند و موجب می‌شود مردم به او و او نیز به مردم بدبین شود.»^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این باره چنین دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تَقْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَلَا صُمْنَا وَلَا أَذَيْنَا فَرَاتِصَ رَبَّنَا؛ بار خدایا! به نان ما برکت ده و بین ما و نان جدایی ميفکن. اگر نان نباشد، نماز نمی‌خوانیم و روزه نمی‌گیریم و واجبات خود را ادا نمی‌کنیم.»^۲

۴. لقمه حرام

طبق قوانین نظام تکوین، غذای حرام در روح و جان انسان اثر وضعی می‌گذارد و او را به گناه سوق می‌دهد. خداوند در برخی آیات، مؤمنان را از خوردن غذای ناپاک و حرام بازداشته است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ؛ اموال یکدیگر را به باطل [و ناحق] در میان خود نخورید.»^۳ روایات اسلامی نیز انسان را از حرام‌خواری منع کرده‌اند. امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «وَحَقُّ بَطْنِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ وِعَاءً لِلْحَرَامِ؛ حق شکم تو آن است که آن را ظرف حرام قرار ندهی.»^۴

غذای حرام به سبب آلوده کردن درون انسان و برانگیخته کردن غضب و شهوت، زمینه ارتکاب گناه را ایجاد می‌کند و باعث می‌شود توانایی قضاوت اخلاقی فرد تغییر یابد و بدی‌ها در نظرش زیبا و خوب جلوه نماید. این در حالی است که لقمه حرام آثار سوننی دارد، یکی از آن آثار، عدم استجابات دعا است.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

۲. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۲۳.

۳. بقره، آیه ۱۸۸.

۴. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۴۱۹.

می‌گویند حجاج بن یوسف ثقفی که در پلیدی و خباثت نظیر نداشت به کوفه آمد و آنجا را از طرف عبدالملک، مقرر حکومت خود قرار داد. به او گفتند: در این شهر، افرادی مستجاب‌الدعوه هستند. گفت: همه آن‌ها را بر سفره من حاضر کنید. همه را فراخواندند. از غذای سفره حجاج خوردند. چون رفتند به اطرافیانش گفت: با این غذای حرامی که خوردند، مطمئن باشید دیگر دعایشان مستجاب نخواهد شد.^۱

درباره عبدالله مبارک چنین گفته‌اند: پدرش باغبان بود روزی صاحب باغ به مبارک گفت: فوری مقداری انار شیرین بیاور تا بخوریم. مبارک چند عدد انار آورد و صاحب باغ آن‌ها را چشید و گفت: ترش است، برو انار شیرین بیاور. مبارک چند مرتبه انار آورد و صاحب باغ بعد از چشیدن می‌گفت: ترش است، برو انار شیرین بیاور.

بالاخره صاحب باغ ناراحت شد و رو به مبارک کرد و گفت تو هنوز بعد از مدتی که در این باغ هستی درخت انار ترش را از شیرین تمیز نمی‌دهی؟ مبارک در جواب گفت: درست است که مدتی است من در این باغ هستم، اما هنوز از انار این باغ نخورده‌ام که بدانم کدام درخت انارش ترش و کدام شیرین است. شما فقط نگهبانی و آبیاری باغ را به عهده من واگذار کرده‌اید، از شما اجازه نگرفتم تا از میوه‌های باغ استفاده کنم.

صاحب باغ تعجب کرد. به همین سبب مبارک را امتحان نمود و فهمید مبارک در سخنش صادق است. از آن پس به مبارک علاقه‌مند شد و دخترش را نیز به ازدواج او درآورد. خداوند هم به سبب پاکی و صداقت مبارک، از این ازدواج طفلی به نام عبدالله به او عطا می‌کند که هنوز نامش بر سر زبان‌هاست. این

طفل از عارفان نامی می‌شود و تا بدان جا می‌رسد که در احوالات او می‌گویند شخصی به او گفت: خواب دیدم یک سال از عمر تو بیشتر نمانده است. عبدالله در جوابش گفت: «روزگار دراز پیش ما نهادی، یک سال دیگر ما را اندوه هجران می‌باید کشید و تلخی فراق می‌باید چشید».^۱

کتابنامه

الف) کتب

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، چ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۲. _____، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چ اول، ۱۳۶۲ ش.
۳. _____، الخصال، قم: نشر اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۴. _____، من لایحضره الفقیه، محقق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، دوم، ۱۳۸۵ ق.
۶. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق/ ۱۳۶۳ ش.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران: نشر جهان، ۱۳۴۸ ش.
۸. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۹. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الاثمه علیهم السلام، قم: دارالحديث، ۱۴۲۷ ق.
۱۰. احمدی، علی اصغر و دیگران، چگونگی و حدود ارتباط سالم بین دختر و پسر قبل از ازدواج، آموزش جوانان در آستانه ازدواج، تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چ دوم، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. اسپاک، بنیامین، تغذیه، تربیت و نگهداری کودک، ترجمه احمد میر عابدینی، تهران: نشر چکامه، ۱۳۶۲ ش.
۱۲. افروز، غلامعلی، همسران برتر، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۷ ش.
۱۳. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران: انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی

- ایران، ۱۳۷۲ ش.
۱۴. انصاریان، حسین، دیار عاشقان؛ تفسیر صحیفه سجاده حضرت زین العابدین علیه السلام، تهران: پیام آزادی، ج ۵، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. اینگل هارت، رونالد، تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته سنجش صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. آیت اللهی، زهرا، زن و خانواده، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۱ ش.
۱۸. باستان، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ چهارم، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. بیابانگرد، اسماعیل، جوانان و ازدواج، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۲۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. پسندیده، عباس، رضایت زناشویی، قم: چاپ و نشر دارالحدیث، چ پنجم، ۱۳۹۳ ش.
۲۲. پناهی، علی احمد، همسررداری از منظر دین با رویکردی روان‌شناختی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چ اول، ۱۳۹۳.
۲۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۲۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، انتشارات کوهسار، ۱۳۹۱ ش.
۲۶. جدیری جعفر، هیجان و رضامندی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چ اول ۱۳۹۳ ش.
۲۷. جمعی از پژوهشگران، گلشن ابران، قم: نشر معروف، ۱۳۷۹ ش.
۲۸. جمعی از نویسندگان، دانش خانواده و جمعیت، قم: نشر معارف، چ چهارم ۱۳۹۲ ش.
۲۹. جمعی از نویسندگان، سیمای خانواده در اسلام، قم: انتشارات بوستان کتاب، چ دوم، ۱۳۹۵ ش.
۳۰. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.

۳۱. حیدری، مجتبی، دینداری و رضامندی خانوادگی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. حیدری، معصومه، آداب رفتار با دختران، کاشان: انتشارات محتشم، ۱۳۷۹ ش.
۳۳. خمینی، سید روح الله، امام در سنگر نماز، قم: ستاد اقامه نماز و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تیان، دفتر ۷، چ اول، ۱۳۷۴ ش.
۳۴. خمینی، سید روح الله، جایگاه و نقش زن در نظام‌های مختلف از دیدگاه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، تهران: دفتر پژوهش اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۵. خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۳۶. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، تربیت دینی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چ اول، ۱۳۸۳ ش.
۳۷. دیوید اچ اولسون، امی اولسون - سیگ، پیترجی لارسون، بازیابی روابط همسران، مترجمان شکوه نوابی نژاد، مهرنوش دارینی، تهران: نشر دانژه، ۱۳۹۱ ش.
۳۸. راجی قمی، محمد، پندهای پدران به فرزندان، تهران: محمد راجی قمی، ۱۳۷۳ ش.
۳۹. راوندی، سید فضل الله، النوادر للراوندی، قم: دارالکتاب، بی تا.
۴۰. سادات، محمدعلی، اخلاق اسلامی، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، چ سوم، ۱۳۷۳ ش.
۴۱. _____، راهنمای پدران و مادران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۴۲. ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش، ۱۳۷۰ ش.
۴۳. _____، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش، چ بیستم، ۱۳۹۳ ش.
۴۴. سالاری فر، محمدرضا، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ ش.
۴۵. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، قم: هجرت، چ اول، ۱۴۱۴ ق.
۴۶. شریفی، احمد حسین، همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی)، قم: نشر معارف، چ اول، ۱۳۹۱ ش.
۴۷. شعیری، تاج الدین محمدبن محمد، جامع الأخبار، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ ق.
۴۸. _____، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه، بی تا.
۴۹. شیخ حرّ عاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ اول، ۱۴۰۹ ق.

۵۰. _____، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چ پنجم، ۱۴۰۳ ق.
۵۱. شیخی، محمدتقی، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، چ اول، ۱۳۸۰ ش.
۵۲. صافی، احمد، «مدیریت در خانه و خانواده» خانواده و فرزندان در دوره پیش دبستانی، ج ۲، ۱۳۷۸ ش.
۵۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۵۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، قم: شریف رضی، چ چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.
۵۵. طبرسی، سید رضی الدین، مکارم الاخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقر، چ هشتم، سال ۱۳۶۵ ش.
۵۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، مقدمه محمدجواد بلاغی، تهران: ناصر خسرو، چ سوم، ۱۳۷۲ ق.
۵۷. _____، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: حیدریه، چ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۵۸. طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۳ ق.
۵۹. طوسی، محمدبن الحسن، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۶۰. عباسی ولدی، محسن، ایران جوان بمان، قم: جامعه الزهراء علیها السلام، چ پانزدهم، ۱۳۹۳ ش.
۶۱. عباسی ولدی، محسن، تا ساحل آرامش، جلد پنجم، جامعه الزهراء علیها السلام، چ هجدهم، ۱۳۹۲ ش.
۶۲. _____، نیمه دیگرم، قم: جامعه الزهراء علیها السلام، ۱۳۹۱ ش.
۶۳. العجلونی، إسماعیل بن محمد، کشف الخفاء، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
۶۴. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، چ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۶۵. علی بن موسی، الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، مشهد: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، چ اول، ۱۴۰۶ ق.
۶۶. فرهادیان، رضا، والدین و مریبان مسئول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
۶۷. فعّالی، محمدتقی، سبک زندگی رضوی (۳)؛ ازدواج و خانواده، مشهد: بنیاد

- فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام، چ اول، ۱۳۹۴ ش.
۶۸. فعالی، محمدتقی، مسجد و سبک زندگی، قم: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، چ دوم، ۱۳۹۳ ش.
۶۹. فقیهی، علی‌نقی، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز، تهران: مؤسسه مهر تابان، چ اول، ۱۳۸۴ ش.
۷۰. فلسفی، محمدتقی، الحدیث - روایات تربیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۷۱. فیض کاشانی، ملامحسن، الاصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدحسین درایتی و محمدرضا نعمتی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ اول، ۱۴۱۸ ق.
۷۲. فیضی دکنی، ابوالفضل، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، تحقیق سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی، قم: دار المنار، چ اول، ۱۴۱۷ ق.
۷۳. قاسمی، محمد جمال‌الدین، محاسن التأویل، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیة، چ اول، ۱۴۱۸ ق.
۷۴. قلی پور، آرین، مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سمت، ۱۳۹۴ ش.
۷۵. کاوه، سعید، سوءظن میان همسران، تهران: سخن، ۱۳۸۶ ش.
۷۶. کریمی، یوسف، نگرش و تغییر نگرش، تهران: ویرایش، چ یازدهم، ۱۳۹۳ ش.
۷۷. کریمی نیا، محمدعلی، الگوهای تربیت اجتماعی، پیام مهدی علیه السلام، ۱۳۷۷ ش.
۷۸. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۷۹. _____، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۸۰. _____، اصول الکافی، مترجم سید جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة، چ اول، ۱۳۶۹ ش.
۸۱. کوهی، سمانه و دیگران، معرفی مدل درمانی سرخوردگی زناشویی در زوجین، مشاوره خانواده و بهداشت جنسی، قم: اندیشه ماندگار، ۱۳۸۸ ش.
۸۲. متقی هندی، علاء‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۸۳. _____، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۱ ق.
۸۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۸۵. محبوبی منش، حسین، بررسی وضعیت اعتیاد به مواد مخدر جوانان، نشر سازمان

- ملی جوانان، ۱۳۸۱ ش.
۸۶. محدثی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۸۷. محسنی، منوچهر، ازدواج و خانواده در ایران، تهران: انتشارات آرون، ۱۳۸۲ ش.
۸۸. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، با همکاری عباس پسندیده، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۸ ش.
۸۹. _____، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، چهارم، ۱۳۹۱ ش.
۹۰. _____، حکمت‌نامه کودک، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۱ ش.
۹۱. _____، میزان الحکمه، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.
۹۲. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، ج ۳، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
۹۳. _____، پرسش و پاسخ‌ها، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، هشتم، ۱۳۹۱ ش.
۹۴. _____، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴ ش.
۹۵. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات الزهراء علیها السلام، هشتم، ۱۳۶۵ ش.
۹۶. _____، عدل الهی، تهران: صدرا، ۱۳۸۰ ش.
۹۷. _____، مجموعه آثار، ج ۷، تهران: صدرا، چ چهارم، ۱۳۷۹ ش.
۹۸. _____، مجموعه آثار، قم، صدرا، دوم، ۱۳۷۵ ش.
۹۹. _____، مسئله حجاب، قم: انتشارات صدرا، چاپ ۴۲، ۱۳۶۴ ش.
۱۰۰. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، انتشارات ام‌اینها، سوم، ۱۳۷۸ ش.
۱۰۱. مظاهری، علی‌اکبر، آداب عشق‌ورزی، قم: نورالزهراء علیها السلام، پنجم، ۱۳۹۵ ش.
۱۰۲. _____، فرهنگ خانواده، قم: انتشارات نورالزهراء علیها السلام، دوم، ۱۳۹۳ ش.
۱۰۳. _____، هشدارهای تربیتی، قم: انتشارات هجرت، چ چهارم، ۱۳۷۶ ش.
۱۰۴. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷ ش.
۱۰۵. _____، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۰۶. منسوب به جعفرین محمد، امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعه، اعلمی، بیروت: ۱۴۰۰ ق.
۱۰۷. مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، به کوشش توفیق، تهران: چاپ و

- انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دوم، ۱۳۷۴ ش.
۱۰۸. نراقی، ملا احمد، **معراج السعاده**، تهران: رشیدی، ۱۳۶۲ ش.
۱۰۹. نوری، حسین بن محمدتقی. **مستدرک الوسائل**، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۱۰. وزّام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، **مجموعه وزّام**، قم: نشر فقیه، ۱۴۱۰ ق.

ب) نشریات

۱. اسکندری چراتی آذر، «بررسی عوامل موثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران: نمونه مورد مطالعه استان گلستان»، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال چهارم، شماره سوم، ۱۳۹۰ ش.
۲. آذربایجانی، مسعود، فیضی، مجتبی، «سبک زندگی از منظر علامه طباطبایی علیه السلام»، فصل‌نامه معرفت، شماره ۲۰۲، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۳ ش، صص ۳۱-۴۹.
۳. آستین فشان، پروانه، «بررسی روند تحولات سن ازدواج و عوامل اجتماعی - جمعیتی موثر بر آن طی سالهای ۷۵-۱۳۵۵»، دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۰ ش.
۴. آقاجانی مرسا، حسین، «عوامل مؤثر بر طلاق برحسب طبقه اجتماعی مورد: شهر تهران»، جامعه‌شناسی، ش ۲، ۱۳۸۴ ش، ص ۵۵.
۵. بخشایش علی‌رضا و مهناز مرتضوی، «رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین»، فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال ۳، شماره (۱۲) ۴، زمستان ۱۳۸۸ ش، ص ۸۰.
۶. بهشتیان، محمد، «بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های ازدواج (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ظاهری و دموگرافیک) زوج‌های در شرف ازدواج دوم با ملاک‌های آن‌ها در ازدواج اول»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵ ش.
۷. توانا علمی، فاطمه، «مهم‌ترین علل طلاق به روایت آمار»، روزنامه خراسان: ۸۳/۶/۲۴.
۸. جبرائیلی، هاشم، علی زاده محمدی و محمود حیدری، «تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس»، فصلنامه علمی - پژوهشی خانواده‌پژوهی، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۲ ش.
۹. جعفری، مقدس و علی یعقوبی چوبری، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج جوانان در رشت»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، واحد شوشتر، شماره ۵.

۱۰. حبیب پور گنابی، کرم، غفاری، غلامرضا، «علل افزایش سن ازدواج دختران» نشریه زن در توسعه و سیاست، ش ۱، بهار ۱۳۹۰ ش، صص ۷-۳۴.
۱۱. حبیبی تبار، جواد، «طلاق پسندیده»، نشریه حوراء، شماره ۴۹، تهران، دفتر تحقیقات و مطالعات زنان، تیر و مرداد ۱۳۹۵ ش.
۱۲. حسینی، میمنت، محسن یزدجردی و مریم محمدی و فریده یغمایی و حمید علوی مجدی، «بررسی معیارهای انتخاب همسر زنان در شرف ازدواج مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهری تابعه دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران»، نشریه دانشکده پرستاری و مامایی شهید بهشتی، شماره ۵۳، تابستان ۱۳۸۵ ش.
۱۳. دامن پاک مقدم، ناهید، «بررسی تأثیر حقوق مالی بانوان در استحکام خانواده»، تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱ ش.
۱۴. درویزه، زهرا، «بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران»، مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان، شماره ۳۰۳، زمستان ۱۳۸۲ ش، صص ۲۹-۵۸.
۱۵. دهکردی، مهناز، «بررسی مقایسه ای ملاک های همسرگزینی در دختران جوان شهر اهواز»، دوماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، شماره ۲۵، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. رشیدی، علی رضا، «بررسی اولویت معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه رازی»، نشریه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۱ ش، ص ۱۰۸.
۱۷. روح پرور زاده، نسیم و همکاران، «شیوع عوامل خطر سرطان پستان در زنان ۲۰ تا ۶۹ ساله در اصفهان»، اصفهان، فصلنامه بیماری های پستان ایران، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۳ ش.
۱۸. زارع شاه آبادی، اکبر و علی رضا زارع شاه آبادی، «بررسی معیارهای همسرگزینی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، فصلنامه علمی پژوهشی جمعی، انتشارات سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۳۹، بهار و تابستان ۱۳۸۱ ش.
۱۹. زیبایی نژاد، محمدرضا، «طلاق در ایران»، نشریه حوراء، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره ۴۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۱ ش.
۲۰. زینب ایزدی و سید حسن حسینی، «پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران»، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان (مطالعات زنان سابق)، دوره چهاردهم، شماره ۱ (پیاپی ۴۶)، بهار ۱۳۹۵ ش، ص ۴۱.
۲۱. ساروخانی، باقر و مریم رفعت جاه، «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله انجمن

- جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۸، ۱۳۸۳، ش، صص ۱۳۳ - ۱۶۰.
۲۲. سلامتی هرمزی، شکوفه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «بررسی مقایسه‌ای ادراک‌ها و نگرش‌های دختران مجرد شهر بندرعباس نسبت به ازدواج و پیامدهای تجرد»، دانشگاه هرمزگان.
۲۳. سید کاظم فروتن و محمدحسین اخوان تقوی «بررسی نقش سلامت جنسی در خانواده ایرانی»، نشریه قضاوت، سال دهم، شماره ۷۱، مرداد و شهریور ۱۳۹۱ ش.
۲۴. صداقت، کامران، «بررسی ملاک‌های انتخاب همسر دانشجویان دختر و پسر دانشگاه تربیت معلم آذربایجان»، تهران، دومین کنگره آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ۱۳۸۵ ش.
۲۵. علیخانی، ویدا، «شبکه‌های مجازی عامل طلاق در ایران»، روزنامه رسالت؛ ۶ اسفند ۱۳۹۴ ش.
۲۶. فرودستان، مهرانوش، حمیدرضا عریضی و ابوالقاسم نوری، «معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر و مقایسه آن در دانشجویان دختر و پسر»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۸۷ ش.
۲۷. قاسمی، هاجرالسادات، «آسیب‌شناسی روابط زوجین»، قم: مجله حوراء، شماره ۲۹، ۱۳۸۷ ش.
۲۸. کجباف، محمد جواد، «تحقیق کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۴، سال ۱۳۸۷ ش، صص ۱۲۳.
۲۹. کنعانی، محمد امین، «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه مورد مطالعه ترکمن‌ها»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۱، سال ۱۳۸۵ ش، صص ۱۰۴ - ۱۲۶.
۳۰. کنعانی، محمدامین، مهدی حمیدی فر و حمیده محمدزاده، «انتخاب همسر و معیارهای آن: مطالعه‌ای در بین مردان و زنان ازدواج‌کرده‌ی شهر رشت»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۳ (ش ۸)، ۱۳۹۵ ش.
۳۱. محمدپور، علی و نعمت‌الله تقوی، «عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال پنجم، شماره بیستم، پاییز ۱۳۹۲ ش، صص ۳۹-۵۳.
۳۲. مرادی، گلمراد و محسن صفاریان، «عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان، مطالعه موردی شهر کرمانشاه»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، شماره هفتم، سال سوم، پاییز ۱۳۹۱ ش، صص ۸۱.
۳۳. مشفق، محمود، محمدجواد محمدی و نادر مطیع‌حق‌شناس، «لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، مطالعات راهبردی زنان، س ۱۴، ش ۵۵، ۱۳۹۱ ش.

۳۴. مظاهری، علی و همکاران، «رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج»، مجله راهبرد فرهنگ، شماره ۵، بهار ۱۳۸۸ ش.
۳۵. موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، مجله خانه خوبان، ویژه‌نامه جمعیت، قم، ۱۳۹۳ ش.
۳۶. مهدوی، محمدصادق و حسن غنیمتی، «فرزندسالاری»، فصلنامه پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۵، ۱۳۸۱ ش.
۳۷. نصیرزاده، راضیه و کاظم رسولزاده طباطبایی، «معیارهای فیزیکی انتخاب همسر در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال یازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۴۱)، بهار ۱۳۸۸ ش، صص ۴۱-۵۰.

ج) سایت‌ها

۱. باشگاه خبرنگاران جوان: www.yjc.ir
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: www.leader.ir
۳. پایگاه خبری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران: www.news.police.ir
۴. حوزه دات نت: www.hawzah.net
۵. سایت آی همسر: www.ihamsar.ir
۶. سایت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی): www.farsi.khamenei.ir
۷. سایت بلاغ، معاونت فرهنگی تبلیغی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم: www.balagh.ir
۸. سایت درس‌هایی از قرآن: www.gharaati.ir
۹. سایت مشرق: www.mashregnews.ir
۱۰. سایت مه‌کام: مجله اینترنتی آموزش خانواده موفق ایرانی، رازهای همسرمداری www.mehcom.com
۱۱. سایت وزارت کشور: www.moi.ir